

مسائل بین المللی

مجله تفویک و اطلاعاتی

شماره ۴ (۸۲)

مرداد - شهریور سال ۱۳۵۵

مجله "مسائل بین المللی" که هر دو ماه یکبار انتشار می یابد، به تشریح مسائل تفویک و سیاسی جنبش جهانی کارگری اختصاص دارد.
محتویات این مجله از میان مقالات مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" که به تفریه تفویک و اطلاعاتی اجواب و تکوین و کارگری و متکس کننده نظریات و افکارهای آن است، انتخاب و ترجمه میشود.
در این شماره، منتخبی از مقالات شماره های ۷ و ۸ (ژوئیه - اوت) سال ۱۹۷۶ مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" چاپ رسیده است.

خوانندگان عزیز!
باین نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

شماره حساب بانکی جدید مجله
"مسائل بین المللی":

Berlin
Deutsche
Außenhandelsbank A. G.
Konto-Nr. 9608-3131-0010

فهرست مقالات این شماره :

نویسندگان مقاله ها	عنوان	صفحه
فرانس موری	اتحاد جماهیر شوروی و جهان معاصر	۱۱ - ۳
فرانکلین امیرزاری	اقتصاد سوسیالیسم و نبود دروازه استقلال	۱۶ - ۱۳
دانیل وینستون	بارسنگین دهه هجدهم میلادی	۲۴ - ۱۷
نعمت انجلیب	کشورهای در حال رشد و خلع سلاح	۳۰ - ۲۵
ل. واطلیف	تاریخ نگینارمین	۳۳ - ۳۱
لیا آرگنشی	دروازه آزادی و شعار آزادی مسا	۳۸ - ۳۴
لاساپه ناربان	پیشروی انقلاب در آفریقا	۴۶ - ۳۱
روبرت شایگر والد	ریشه های چپ گرایی افراطی معاصر	۵۵ - ۴۷
-	برعلیه تروریسم و فشار	۵۱ - ۵۶
-	پرولتاریا و کشورهای در حال رشد	۶۳ - ۶۰

اتحاد شوروی و جهان معاصر

فرانس موری

مدد حزب کمونیست
اتریش

رشد و تکامل جهان در سده ۲۰ بیوه درد و زان پر از جنگ جهانی دوم عبارت از پیروزی های فوق العاده به نفع و متضاد ، تأثیر متقابل ، رویارویی ، برخورد و درهم آمیز متقابل نیروهای اجتماعی و سیاسی و جنبش ها و باقیات گوناگون است . اما گرایش عمده این پیشرفت به وراگام و پیاپی متغیر گردیده است : این گرایش عمده اعتلا و رونق بخش و نفوذ سوسیالیسم کمونی که در دهه های دهه ۱۹۰۰ سوسیالیستی و در نهایت اول اتحاد شوروی است . جامعه کشورهای سوسیالیستی عماسمل نه بین کننده در سرتیگام جهان است .

س اتحاد در حضور و رکنه ۲۵ حزب کمونیست اتحاد شوروی را داشته . اهمیت تاریخی جهان است مو چ این سوسیالیسم براس سرتیگام جامعه انسانی و بیوه بخش که دروازه انقلاب کمینر سوسیالیستی اکثریت رازار اثر حاصل . این ، برزنده د بزرگ کمینه مرکز حزب کمونیست اتحاد شوروی کمیتی بسیار تجزیه و تحلیل عین علمی بود و در این زمان که در وراگام شعکس گردید ، اکنون ۶۰ سال است که به یادماندنی مفید تاریخ را نشانداد اکثریت حرکت در سرتیگام و اکثریتی که دم جان بخش آن به درافتاده ترس نمایان و زوایای مبارزه مارسمده است . گراف کوئی نیست اگر گفت در گذشته متین کمینر سوسیالیستی در جهان نمونه نوع جدید در رشد اجتماعی و سیاست بین المللی با کیفیت نوی رابطه بان برآمده داشت و با نیروی شگرفی برتری سوسیالیسم بر سرمایه داران را تأثیر داد و بدین شکل پیوسته پیشه های ترقیات اجتماعی جامعه انسانی تبدیل گردید .

ماکونیست های اتریش افزایش مستقیم به و نه تریک بر سر راه ، نیروی حاد به سریشی آن و وجهه و فعالیت روزافزون آن را در رتبه ها و سرتیگام مردم جهان درست در همین می بینیم . پیوند زنده ترقیات سرتیگام سیاست داخلی و خارجی اتحاد شوروی از جهان نخستین روز موجود است آن بدیدار گردید . به نسبت استحکام جهانی نظام اجتماعی نوین و افزایش قسدها و اتحاد شوروی این پیوند هرچه بیشتر مؤثر و متنی گردید . این پیوند امروزه روزمان دیگر آشکارا است این قانونی در تمام جدول تاریخ که برده و راه و وام داد اند دارد .

پیروزی انقلاب اکثریت رتبه ۱۹۱۷ و در زمان دربارن ملین ، پایان یافت جنگ جهانی اول را تسریع کرد . انقلاب سوسیالیستی در روسیه ستاره راهتانی بران - تیش هم پانی کارگر بود و همانند معرکه پیرومند مبارزه انقلابی در سرتیگام از که ره را تسریع کرد . تأثیر این انقلاب یکی از عوامل بود که به زخم کشان به سلسله از که در امکان داد در تحقیق بخشدن به اصلاحات مهم اجتماعی و سیاسی و دموکراتیک نوین حاصل کند . به توان مثال در اتریش در پایان جنگ جهانی اول زخم کشان

به برقراری روزگار شست ساعتی موفق شد و نظام ملّی جایی خود را به نظام جمهوری پوزووا -
د موگراتینداد، پوزووازی از پیش از انقلاب سوسیالیستی به یک رشته گذشتهای اجتماعی-
سیاسی تن در داد.

چنانکه معلوم است هم رویدادهای روسیه پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی و هم سیر تاریخ
جهان به پیچیده موافق با پیشگویی در شان سوسیالیسم کمکین توی باقیاتی دیدگان را تابنا
ساخته بود، و بدو نگاه نهاده. در ابتدا آنها تصور میکردند که حکومت شوروی بدیده کوتاه مدتی
است که بدو نترسد پرازدند روزها هفته از هم فرو خواهد پاشید. اما وقتی چنین اتفاقی روی نداد
بناظر جنگ داخلی دامن زدند و بداخله نظامی علیه جمهور شوراهادست زدند.

خدا انقلاب داخلی و بداخله نظامی دول امپریالیستی با وجود برتری تجهیزات جنگی، مغلوب
گردیدند. حکومت جهان شوروی بدانجهت توانست در جنگ داخلی پیروز شود که متکی بپشتیانی
اینگارگرود هقان کثرت و دهمستی و پشتیبانی با قهقارگرین الطالی بود. از همان زمان
روشن بود که از این امر "گرفتن حاکمیت" و یا "دیکتاتور اقلیت" دیگر نمیتواند سخنی در میان
باشد. انقلاب سوسیالیستی به مفهوم صریح و کامل این انقلاب خلقی بود.

در سالهای بعد در شان سوسیالیسم بدین امید بستند بودند که جمهور شوروی قادر خواهد
بود معضلات اقتصاد در خود را برطرف کند و با اقتصاد سوسیالیستی دیگر راه بدریج در سالهای جنگ انباشته شده
بود به انجام برساند. اما زحمتکشان اتحاد شوروی علیرغم محاصره اقتصاد امپریالیستی موفق شدند
در زمان تاریخی کوتاهی اقتصاد کشور را که در نتیجه جنگ جهانی اول و سالهای دراز جنگ داخلی
از هم پاشیده و زیران شده بود احیا کنند. نخستین برنامه های پنج ساله را با موفقیت به انجام
برسانند و با پیادهای صنایع سوسیالیستی را پی ریزی نمایند. در وزانی که جهان سرمایه دار به تمام
سنگین ترین بحران اقتصاد در تاریخ دست گریهان بود، اقتصاد اتحاد شوروی با ثبات و رشد
میراث و با کامیابیهای چشمگیری سرمد و بدین ترتیب برای نخستین بار برتری اقتصاد بسا بر نامه
سوسیالیستی را بدین نشان داد.

کامیابیهای اتحاد شوروی برای آنتی کمونیستهای درآموزنده و خبی بود. ولی اکنون نیز آنها
مانند همان دوره به پیشگوئیهای خود درباره "بحران" سیستم اقتصاد و اجتماعی سوسیالیسم
دار امید هند و برار هم "تدخیر" آنها را در بار زندگی رد میکنند و بدین ترتیب این طالب بار دیگر
تایید میشود که برده پندار آنتی کمونیسم بقایا انگار نموده و واقعیت تاریخی را آنچنان که در زندگی
موجود است بپهنند.

پس از اینها حمله فاشیسم آلمان و دیگر نیروهای امپریالیسم بر ضد اتحاد شوروی آغاز گردید.
نه تنها این نیروها در شان امپریالیستهای ایتالیا و ژاپن چنین تصور میکردند که اتحاد شوروی مغلوب است
با پای گلی "کمزیر ضریح" ارتش آلمان تلاش خواهد شد. در ابتدا در انگلستان و فرانسه و ایالات
متحده آمریکا نیز برخی از محافظان با نفوذ در سیاست خود این خط مشی را اتخاذ کردند که با همکاری
مستقیم با آلمان علیه شوروی و کوششهای تجار و زوگرا نه سران فاشیسم را متوجه خود برسانند.
پیکار قهرمانانه ارتش شوروی به استفاده صحیح اتحاد شوروی از صفات و توانهای میان دول امپریالیستی
در سیاست خارجی خود خدو واقعی اسرار فاشیستی که خلقها را بدید میکرد، اعتلای نیرومند
روحیات ضد فاشیسم در جهان، جنبش مقاومت میان وسیع ترین قشرهای اهالی کشورهای اشغال
شده و کشورهای کمربند علیه برتری ها قرار گرفته بودند همه این عوامل به تشکیل و استحکام
اتحاد ضد برتری مساعد نمود. اما واقعیت تاریخی عبارت از آنست که با تمام امیدی که سهم دیگر

حرکت کنندگان در اختلاف ضد هیترری داراست این اتحاد شوروی بود که سنگینی عده پارچنگ
با آلمان فاشیسم را بدو وثر میکشید و در آزادی خلقها را برپا و از آنجمله خلق ارتش از فاشیسم نقش
قاطع را ایفا نمود. این یک قهرمانی بود که در تاریخ نادر آن دیده نشده است. جامعه بشری
میداند و هرگز فراموش نخواهد کرد که پیروزی فاشیسم به چه بهایی برای مردم شوروی تمام شد.
اتحاد شوروی در جنگ علیه اشغالگران هیترری بطور کلی متجاوزان ۲۰ میلیون نفر تلفات داد که
در ضمن بشر با حتم آنها از رفعا ترین بخش اهالی کشور بودند. در سرزمین اتحاد شوروی فاشیسم
شترملین نغزاهای غیر نظامی را بقتل رساندند، صدها شهر، ۷۰ هزار هکده و قصبه و قریب
۲۲ هزار موسسه صحتی را ویران و نابود کردند. نیروی حیات بشری عکس نظام سوسیالیستی
ایمان را سخ مردم شوروی به اید قالیای کمونیستی بنحوی درخشان در این امر اثبات یافت که
اتحاد شوروی در مدت فوق العاده کوتاهی برآمد هان سنگین جنگ را بر طرف کرد و در همه رشته ها
کامیابیهای چشمگیری بدست آورد.

در نتیجه پیروزی در جنگ کمونیسمی جامعه شوروی استحکام و استواری با هم بیشتر یافت.
وجه و منزلت بین المللی اتحاد شوروی بر حمله نوینی با کیفیت جدید ارتقا یافت. اتحاد شوروی
به یک دولت با عظمت سوسیالیستی تبدیل گردید که حل و فصل مسائل مهم سیاست جهانی
بدو ن وابسته میگردد.

در سالهای پس از جنگ در گسترش نیروهای باقیاتی و سیاسی در صحنه جهانی تغییرات ماهوی
روی داد. مهمترین این تغییرات بدینطور است که سیستم سوسیالیستی جهانی، اعتلای جنبش
رهائی بشری طی و تشدید و تقویت مبارزه نیروهای با فدا سوسیالیسم، دموکراسی و صلح در کشورهای
سرمایه دار و رشد یافته بود. سوسیالیسم موجود نموندترین تکیهگاه انترناسیونالیستی نیروهای
انقلابی در سراسر جهان است. به همین جهت است که در سنده گفرائس جهانی احزاب کمونیست
و کارگران سال ۱۹۶۹ در مسکو کاملاً بدستی ذکر شده است که دفاع از سوسیالیسم و باقیه انترناسیونالیسم
نالیستی کمونیست است. علاوه بر این باید خاطر نشان نمود که یکی از عوامل قاطع در شکست سیاست
جنگ سرد "کاهتر خد جنگ جهانی، گذر سیاست و خدمت زراعی و ششیت هر چه در شصت و شش
هزارمین سالست آمیز روایا بین المللی، استحکام مداوم قدرت اقتصاد و سیاسی و دفاعی
اتحاد شوروی و سیاست صلح دستانه پیگیر است.

صحنه های عده این سیاست در برنامه عملی که مورد تصویب پیوسته چهارمین کنگره حزب کمونیست
اتحاد شوروی قرار گرفته با اوج هم منسجم شده است. این برنامه مورد تأیید و پشتیبانی کشورهای
جامعه کشورهای سوسیالیستی، احزاب کمونیست و کارگران و نیروهای ترقیخواه و صلح دوست واقسم
شد. امروز اتحاد قسطنطنیه سوئد خرد و صلح و ترقی میتواند این مطالب را انکار کند که با وجود مقاومت
نیروهای امپریالیسم و ارجاع در بر توان برنامه بدینترف هان بسیار مهمی در عرصه جهانی بدست
آمده است.

به برگشت باز به قهرمانان خلق ویتنام و دیگر خلقهای هند و چین تجار و زوگران ایالات متحده
امریکا در شان سالیانی مطلق آنها به شکستی که سزاواران بودند مواجه شدند. اتحاد شوروی از همان
آغاز از مبارزه در این خلقهای جنوب خاوری آسیا به خاطر آزادی و ترقیات اجتماعی تمام و کمال پشتیبانی
میکرد. و بدو آن که در برابر کمونیسم حزب زحمتکشان ویتنام این مطالب را بار دیگر با زحمت تریبون
بهشتی و چین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی اعلان نشان کرد. ر. لندوان متذکر شد که
پیروزی کامل خلق ویتنام در نتیجه رهائی بخش طبع تجار و زوگران ایالات متحده آمریکا... با پشتیبانی
قاطع و کمک هان همه جانبه فراوان، برار و مؤثر اتحاد شوروی پیوند ناگسستی دارد. "پروا ۱۸"
۲۶ فوریه ۱۹۷۶.

پیدايش تغيير رجعت بهبود مناسبات ميان اتحاد شوروي و ايالات متحده امريكا براى استحکام مائى صلح نقش و اهميت قاطع دارد. اينکه در سياست پاره ايدز هيران ايالات متحده امريكا و همچنين ديگر کشورهاى بزرگ سرمايه دارى اصول همزبستى مسالمت آميزه توان پايه و مبناى روابط با کشورهاى سوسياليستى رفته رفته مورد قبول واقع شد بدین معنى نيست که امپرياليسم در سرکشت خود تغيير داده است. جريان بد پتقاراست که اتحاد شوروي، سوسياليسم کونستى با تفاق با فکاکرکين الطلى و جنبش رهاى بخش طلى در حال حاضر جريان نپرونى را تشکيل ميدهند که رجال واقع بين در غرب بيش از بيش درک ميکنند که در مقابل همزبستى مسالمت آميزه (اکثر ناتيف) ديگر وجود ندارد.

در برنامه صلح بيمستوجها رمين کنگره حزب کونست اتحاد شوروي در مورد مسئله مربوط به امنيت اروپا چنين وظيفه ان تعيين شده بود: "... در سمت گاهش و خامت و صلح در اين قاره درختر بنيان ن انجام داده شود و تشکيل و کاميابى کنگران سر اسرا رپا تامين کرد" (۱). اين هدفها در نتيجه مبارزه جدى نيروهاى ترقيدواه و سياست صلح خواهانه پيکرا اتحاد شوروي و ديگر کشورهاى سوسياليستى اکنون بدست آمده است. اتحادى نيست که بويژه در اروپا در زمينه و خامت زندانى کاميابىها همى حاصل گرديده، زير اوضاع سوسياليسم در اين قاره نيز بر تندرست از هر جرات و تاثير سياست آن بيشتر احساس ميشود. در ضمن نيز تندرست در سوسياليسم در اروپا و سراسر جهان اتحاد شوروي است.

و خامت زندانى در غرضه سياسى با گسترش روابط اقتصادى و طلى و فنى ميان کشورهاى سوسياليستى و کشورهاى اروپاى باخترى پيوند نزديک دارد. بعنوان نمونه همکارى بازرگانى و اقتصاد و طلى و فنى ميان اتريش و اتحاد شوروي توسيعه يافته که علاوه بر زمباباى ديگر به تامين گسترش امکان اشتغال براى کارگران کشور ما کمک ميکند. چنين روابط اقتصادى مبتنى بر اصول برابرى حقوق، عدم مداخله در امور داخلى و سود متقابل عامل همى براى استقلال اتريش بشمار ميآيد.

خلق با در مبارزه براى از ميان برداشتن بازمانده هاى رژيمهاى استعمارى پيروى هاى نوى کسب کرده اند. تلاش مستعمرات پرتغال، پيروى خلق آنگولا در مبارزه عليه مداخله گران امپرياليسمى بخاطر آزادى و حق تعيين سرنوشت و ترقيات اجتماعى از نمودارهاى درخشان کاميابىهاى جنبش رهاى بخش بشمار ميآيد. آلتور با تيشتم عضو پيروى سياسى کميته مرکزي جنبش خلقى آزادى آنگولا ضمن سخنرانى خود در پيستم پنجمين کنگره حزب کونست اتحاد شوروي در فعال پيشيانسى و تکميل و سياسى و معنوى و مائى کشورهاى سوسياليستى بويژه اتحاد شوروي و وکبا به خلق آنگولا سپاهيگارى نمود. وى متذکر شد: "پيروى ما بر استعمار پرتغال در ريز توکهاى اتحاد فستورون امکان پذير گرديده" (۲).

مباحثات بوزرواى از آنجهله در کشور ما اتريش با تلاش براى جعل و تحريف با هيت کنگه هاى بي شايه و انترناسيوناليسمى اتحاد شوروي به خلقهاى که از آزادى و استقلال خود دفاع ميکنند با چنان شيوه اى اظهار نظر ميکنند که گويانگيزه اين کنگه نا شى از "تابلات توسيعه مائانه شوروي" است.

رفيق برونف در گزارش کميته مرکزي حزب کونست اتحاد شوروي به بيمستوجها کنگره موفع

۱ - اسناد بيمست و جها رمين کنگره حزب کونست اتحاد شوروي، مسکو، ۱۹۷۱، ص ۲۹.

۲ - روزنامه "پراودا" ۲۸ فوريه ۱۹۷۶.

اتحاد شوروي را نسبت به نيروهاى که بخاطر استقلال طلى، در موکراسى و ترقى مبارز ميکنند چنين تشريح نمود: "حزب ما از خلقهاى که در راه آزادى يکبار ميکنند همواره پشتيبانى کرده و خواهان کرد اتحاد شوروي از اين پشتيبانى براى خود همى سود و منفعتى نمى خواهد، در بدست آوردن امتياز و ماسلحه سياسى نيست و قصد بدست آوردن پا يکاه نفاى ندارد. ما اين عمل را به پيروى از جديان انقلابى و معتقدات کونستى خود انجام ميدهم" (۱).

در ضمن بيمست و پنجمين کنگره حزب کونست اتحاد شوروي يادآور شد که در جنگ جهانى جديد به هر کمال بر طرف نشده است و گفته شد که در دوران اخير نيروهاى افراطى راست و گروههاى انتى کونست که طرفداران سياست "جنگ سرد" هستند فعال تر شده اند و به هاى نفاى کدورهاى مضويهمان تجاوزگاران تروپوزوى است. اين مشخصات اوضاع بين الطلى کونى موجب نگرانى کونستىها، نيروهاى ترقيدواه و موکرات و تمام گمانى است که امر صلح و تامين امنيت خلقها در نيز شان گرامى است. به هم جنبه است که "برنامه اد اميبارزه در راه صلح و همکارى بيمست الطلى و براى آزادى و استقلال خلقها که در گزارش کميته مرکزي حزب کونست اتحاد شوروي به کنگره از رافار، برونف مارج شد با اکثر گسترده اى در سراسر جهان روبرو گرديده. اين برنامه صلح به صلح با توجه به شرايط اوضاع کونى است.

کنگره بيمست و پنجم حزب کونست اتحاد شوروي در سياست خارجى اتحاد شوروي در مرحله تازه اى را گذرود، که محور اصلى آن مبارزه براى تامين پايه هاى مادى و خامت زندانى و ريز توک اول مبارزه بخاطر قطع مسابقه تسلطهاى، گذار مرحله گاهش انباشت هاى تسلطهاى و قطع سلاح است. برنامه سياست خارجى بيمست و پنجمين کنگره همچنين اين وظيفه را مطرح ميکند که ملى تحق خلقهاى کامل و بيمست نيماى کنگران سر اسرا رپا فعالانه دنبال شود و براى اين برون کانونها با تيقايد و جنگ و تامين امنيت آسيا، عقد پيمان بين الطلى و درباره بکار بردن نيرو در روابط بين الطلى، از بين برون کامل همه بازمانده هاى استعمار، نزاد پرستى و نيز لغو تيميم و موانع مصنوعى در راه بازرگانى بين الطلى و تمام مائى هر عدم برابرى حقوق و تحميل و استثمار در روابط اقتصادى بين الطلى کوشش بعمل آيد.

اين برنامه تنها با مسکوى منافع مردم شوروي نيست. ما همما معتقديم که اين برنامه با منافع همخلقهاى جهان و از آنجهله تمام و کمال با منافع طلى خلق ما که خواهان صلح بايد است مطابقت دارد. بدین ترتيب حقه قى با فتن اين برنامه ميتواند آينده مسالمت آميز براى اتريش بخوى اطمينان بخش تضمين نيمايد. ما کونستيبهاى اتريش اين نکته را که گرايملى، در هر حزب سوسياليسم اتريش و همه را همى ياد رال اتريش طلى نطق خود در رکنگره حزب سوسياليسم اتريش در راه مارس بسود داده سياست بخامت زندانى افا بهار ناز نمود به ورشست انرپاى ميکنم. ما کوشش ميکنم از طريق شدت و سنج افکار اجتماعى از وليک اتريش مالپ کيم تا با پيروى از سياست بخارفى فعال در امر صلح و خامت زندانى سيم بخترى نسبت به گذشته ايفا کند و مانند گذشته جندى قبل از سياست جهانى دنباله روى و بجا يمت نيمايد.

در دوران اخير درباره فعاليت تسليماتى بخفا ر جهانى در راه به اصلاح بخاطر شوروي شدت يافته است. کاملا روشن است که هدف از اين فعاليت آنستکه اد اميبارزه مسابقه تسليماتى از طرف امپرياليسم تروچ و و شره شود. پيوند نزديک و تسلط ميان برنامه سياست خارجى کنگره ۲۴ و کنگره ۲۵ حزب کونست اتحاد شوروي بخوى انگار ناپذيرتا بيمست که سياست صلح و مستمانه

د ولت شوروی جنبه موقتی و باب روزنداشته و از سرشت سوسیالیسم سرخ شده میگرد. صلح و سوسیالیسم
لایم با واحد تجزیه‌ناپذیر و تشکیل می‌دهند. نقش اتحاد شوروی مشابه بهترین عامل بین‌المللی
صلح هرگاه مانند دوران معاصر درین باباً متنبه شده است. هر قدر سوسیالیسم نیرومندتر باشد
همانقدر رفیع صلح است.

گونیشتیهای شوروی در گنگره حزب خود را در پیکرتاکیه کردند که همزستی مسالمت آمیز بین پیروان
یعنی حفظ مواضع اجتماعی موجود نبود بلکه به پیروان حق می‌دهد که بدون دخالت از خارج
سرشت خود را تعیین کند و در راهی که خود آزادانه برگزیده و از آنجمله در راه رشد سوسیالیستی
پیشرفت کند. حزب لنین باریک‌بینی، انترناسیونالیستی خود را با تمام جزئیات و اصول انقلاب
جسائی تأیید نمود. اما این همبستگی با آن چیز که تبلیغات آنتی کمونیسم می‌کوشد به حزب کمونیست
اتحاد شوروی نسبت دهد هیچ وجه مشترکی ندارد.

مثلاً آنتی کمونیست ها در دوران اخیر مواضع اعدا دارند که اتحاد شوروی می‌کوشد به پیروان
انقلاب سوسیالیستی را تحمیل کند. اما بر همه روشن است که کمونیست‌ها علاوه بر مصلحتین اصولی
«صد و انقلاب» بوده و هستند. رفیق برژنف در گزارشی که مرکز می‌تذکرده است... هر انقلاب قبل
از هر چیز نتیجه قانونمند رشد و تکامل مدونی آن جامعه است (۱) : انقلاب می‌تواند از خارج
آورد شود و یا توسط «اقلیت رادیکال» اندام بگیرد و تنها بتواند وسیله زحمتکشان این جهان
کشور تحقق پذیرد.

تأثیرات اتحاد شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی بر سوسیالیسم جهانی به اشکال
گونگون بروز میکند. در شرایط معاصر این قبل از هر چیز با خدایان نظام اجتماعی، نوپسین است
که پوزنیان اقتصاد و سیاسی و فرهنگی و معنوی آن برنامه در سرمایه دارن به مقاصد پیشروان موفقت آمیز
در آموزش خدایان کمونیستی با نیروی روزافزون پدیدار می‌گردد. کامیابیهای چشمگیر اقتصاد شوروی
در نیم برنامه پنج ساله باریک‌بینی انکارناپذیر با اقتصاد با برنامه سوسیالیستی را بر اقتصاد
سرمایه دارن تأثیر دارد. اعتقاد و اطمینان در زندگی اجتماعی یکی از موضوعات شیوه زندگی
شوروی است در این رابطه کشورهای سرمایه دارن بیکار بوده و در تورم دگرگونی است که حسرتی اعتبار
نسبت به افراد زحمتکشان بوجود می‌آورد. اجراء و وفا یافتن بودجه بود که در همین برنامه
پنج ساله (۱۹۲۶-۱۹۳۰) متذکر شده است بهترین‌های سوسیالیسم را به پیروان تری استوارتر و داند
کرد. حزب کمونیست اتحاد شوروی اعتقاد مستقیم زندگی مادی و فرهنگی زحمتکشان را محور فعالیت
های اجتماعی و اقتصادی خود قرار می‌دهد.
برتر سوسیالیسم کمونی در این زمینه نیز متجانس میشود که نظام اجتماعی سوسیالیسم زحمتکشان
علا بر این غیر قابل قیاس بیشتر از موزیکال پیروان و حقوق موزیکال آزادی می‌دهد و این حقوق
را برای آنان تضمین میکند.

بهترین نتیجه گنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی باریک‌بینی و سوسیالیسم را
خاطر نشان کرد. رفیق برژنف در سخنرانی خود متذکر شد: «همانکه موزیکال اصله و واقعی بدون
نظام سوسیالیستی وجود ندارد، سوسیالیسم هم بدون سبک و تکامل متولد موزیکال نمیتواند
وجود داشته باشد» (۲).

- ۱ - اتحاد گنگره بیست و پنجم حزب کمونیست اتحاد شوروی، ص ۳۳.
- ۲ - اتحاد بیست و پنجم گنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، ص ۸۵.

این وحدت و تقابلهای اصل شوروی بلکه بهترین جنبه فعالیت علی حزب کمونیست و ولت
شوروی است.

یکی از ارقامترین معیارهای موزیکال عبارت از آنست که محتوی سیاست حزب و ولت با
منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان مطابقت داشته باشد. از این معیار زندگی جامعه شوروی را بر سر
کنج بدوین عالمه می‌توان گفت که تا به حال یکی که حزب لنین در سیاست داخلی و خارجی در برابر خود
قرار دارد و قرار می‌دهد به یکراست با منافع خود شوروی مطابقت میکند.

یکی دیگر از معیارهای مهم موزیکال سوسیالیستی عبارت از شرکت فعال زحمتکشان در
اتخاذ تصمیمات و ایجاد شرایط برای شرکت خود و وسع و راداره امور اجتماعی و ولت است.
در این زمینه می‌توانیم بگوییم که تا به حال توجه اتحاد شوروی روشن و آشکار است. کاملاً واضح است که رشد
و تکامل و تحرک کمونی جامعه شوروی بدون تعمیق موزیکال و بطریق اولی با بعد و کردن آن
تحقق پذیر نیست.

بهترین نتیجه گنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی برنامه مشخص سبک و تکامل هر چه بیشتر
موزیکال سوسیالیستی را طرح ریزی کرد که در فاصله آن، تأمین شرکت هر چه وسیعتر زحمتکشان
در اداره جامعه، استحکام نهاد و موزیکال حاکمیت سوسیالیستی و ایجاد شرایط برای رشد
همه جانبه افراد جامعه است.

این واقعیت با واقعیت کشورهای سرمایه دارن متضاد بود و می‌آورد. پوزنیان
انحمار و دستبندگان آن در این اواخر در این کشورها به شدت به ستوردهای موزیکال
زحمتکشان نهاد آورده می‌گردد و در موارد یکده خوار و حق حاکمیت آنرا را می‌دهد و اقدامی حسی
براه انداختن کودکان را در تجاری و برادران زمینها شبه فاشیستی و دستبند است. تبلیغات
آنتی کمونیستی با تلاش برای استیلا بر این جنبه سیاست محافظ ارتدعایی و تضعیف نیروی جاذبه
تعمود موزیکال سوسیالیستی تبلیغات ضد شوروی که می‌تواند آن تمام انداخته است که هسته مرکزی
آمریکایی فقیران و موزیکال و «تغییر حق بشر» در اتحاد شوروی تشکیل می‌دهد. اما واقعیت
عبارت از آنست که در اتحاد شوروی حقوق اساسی انسانیت و سوسیالیسمی که در هر یک از کشورهای سرمایه
دارن به اجرا در می‌آورد و در مراعات و تمهید می‌شود. در اتحاد شوروی حق کار، تحصیل، امکان رشد
و ترقی و در هر چه است و در ترقی و او حق استفاده را با آن انداخته است برای تمام
برابر و برابری و در اتحاد شوروی به تمام شده است. در این میان می‌دهد که کاهشی
بر سر سبک سوسیالیسم سرمایه دارن و در هر چه به تمام شده است. تبلیغات پوزنیان و پوزنیان
بیکار و بی‌توانی و بی‌توانی اتحاد شوروی و دیگران در اتحاد شوروی را به تمام شده است. به همین
سبب است که سبک سوسیالیسم انواع تبلیغات ضد شوروی و آشکار و پنهان در سوسیالیسم کمونی یکس
از اینها هم بار بار علیه تبلیغات سرمایه دارن و در هر یک از اینها به تمام شده است. سبک
و موزیکال و سوسیالیسم در هر چه به تمام شده است.

در این سالها که اتحاد شوروی و موزیکال و سوسیالیسم و سوسیالیسم میان اتحاد
شوروی و دیگران سوسیالیسمی به اعتقاد بین‌المللی اتحاد شوروی و دیگران جامعه
که بر سر سبک سوسیالیسمی به تمام شده است و در هر یک از اینها به تمام شده است. سبک سوسیالیسم
لنینیستی که در این برادر در هر چه به تمام شده است. سبک سوسیالیسمی که در این
تقویت نیروی واقعی در هر چه به تمام شده است و سبک سوسیالیسمی که در این به تمام شده است
تغییر اتحاد و سبک سوسیالیسمی که در این به تمام شده است. سبک سوسیالیسمی که در این به تمام شده است
ایستاد اتحاد و سبک سوسیالیسمی که در این به تمام شده است. سبک سوسیالیسمی که در این به تمام شده است

نمودار میگرد که در صنایع کشورهای شوروی تعاون اقتصاد در سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۱ چهاربار
سرهمتر از صنایع کشورهای صنعتی رشد یافته سرمایه داری پیشرفت کرده است.

نتیجه آنتی کمونیسم دوباره در تلاش است که روابط اتحاد شوروی با دیگر کشورهای سوسیالیستی را تحریف کند و این روابط را وابستگی با حقوق غیر برابرمان دارد "سرکزه" یا کشورهای "افراد" داور گزارش داد. در حقیقت، جهان سوسیالیسم روابط کاملاً نوع جدیدی میان دول و خلقها بوجود آورده است. روابطی که بر پایه برابری حقوق، همبستگی و کمک متقابل برادرانه استوار است و با استثمار، ستم و مبارزه و رقابت که از مشخصات روابط میان کشورهای سرمایه داری، انحصارات چند ملیتی و غیره است تفاوت فاحش دارد. در جهان سوسیالیسم برابری در زندگی رشد کشورهای سوسیالیستی در جریان است و پیرو ستمزد یکی این کشورها تقویت میشود. در منطقه غیر سوسیالیستی جهان تفاوتهای عمیق میان کشورهای سرمایه داری رشد یافته و کشورهای وابسته کمتر دارند از دید ستم استثمار و استعمار و خود را خلاصی کنند، همچنان باقیست.

رفیق فیدل کاسترو در بیروال کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا ضمن ارزیابی برتری روابط بین-المللی نوع سوسیالیستی از روی نمونه روابط متقابل میان کوبا و اتحاد شوروی، طی سخنرانی خود در بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی اظهار داشت: "در طول تاریخ روابط بین المللی که هزاران سال بر پایه خود پرستی و اعمال زور بوده، چنین روابط برادرانه میان کشورهای رکن و کوچک به سابقه است. تنها سوسیالیسم است که برقراری چنین روابطی را میان خلقها امکان پذیر میسازد" (۱).

بعید نمائیم تا هیچ کار نیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و بدیهه وزنی در امر مبارزه کمونیستها و نیروهای مومکرات و ترقیخواه و سراسر جهان بشمار آید. این کنگره، کنگره همبستگی و وحدت انترناسیونالیستی کمونیست اتحاد شوروی با جنبش کمونیستی جهانی، با جنبشهای بخش ملی، با خلق و مبارزان راه آزادی و استقلال در ریشی و آنکلا و دیگر کشورهای کمونیستهای پرتقال و اسپانیا و هم نیروهای ترقیخواه و صلح دوست جهان بود. در این کنگره ۱۰۳ هیئت نمایندگی خارجی یعنی بیش از تعداد نمایندگان خارجی در کنگرههای گذشته حزب کمونیست بعنوان مهمان شرکت داشتند. این امر مبدء روشن استحکام روزافزون وحدت انترناسیونالیستی نیروهای انقلابی است. کاملاً بخود حق میدهم که بگویم در بیست و پنجمین کنگره نقشهای مجمع کمونیستهای شوروی بلکه مجمع همان نیروهای انقلابی جهان بود که امروز در اوج روزافزونی مسیر رشد و تکامل تاریخ را مشخص میسازند.

و باطل ارتباط جمعی آنتی کمونیستی درباره "اختلاف نظریات برادرانه" نشانی و فرایند "میان حزب کمونیست اتحاد شوروی و احزاب دیگر که گویا در بیست و پنجمین کنگره بازنایافته، زیرا در برگوشی کردند. بویژه در این مورد مطالب زیادی نوشته شده که گویا حزب کمونیست اتحاد شوروی برای بدست آوردن "هژمونی" بر دیگر احزاب کمونیست تلاش میکند. اما واقعیت امر آنستکه از کنگره و نه سیاست بین المللی حزب کمونیست اتحاد شوروی بطور کلی نمیتوان کوچکترین دستاوردی را برای ادعای سرکردگی از جانب حزب کمونیست اتحاد شوروی بدست آورد. در سندهای کنفرانس جهانی احزاب کمونیست و کارگری که سال ۱۹۶۶ در مسکو برگزار شد گفته شده است اکنون هیچگونه مرکز رهبری کننده و اندر جنبش جهانی کمونیستی وجود ندارد. رفیق برتوف از پیروان پیوست و پنجمین کنگره بار دیگر احترام کامل کمونیستها را شوروی را "بمعنای این که برابری حقوق و احترام

به استقلال هر حزب" تأیید نمود (۱). این استقلال شرط لازم گذار به سوسیالیسم با تشکیل گوناگون برادرانه ز رگرتن ویژگیهای ملی و شرایط مشخص هر کشور را بر اساس تطبیق خلاق قانونمندیهای عام مارکسیسم-لنینیسم است. مهمانان خارجی طی سخنرانیهای خود به کامیابیهای ساختمان کمونیستی ارتز فراوان دارند و اهمیت بین المللی شگرف اتحاد شوروی را خاطرنشان کرده و همبستگی و یگانگی انترناسیونالیستی خود را با نخستین کشور سوسیالیسم بیان داشتند.

بدین ترتیب نه اختلاف و نه رقابت، بلکه همبستگی انترناسیونالیستی و جمعیتهای بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست گردیده که بنوعی وحدت اهمیت روزافزون سیاسی واید تولیدیکی این سلاح آزمون شد و جنبش جهانی کمونیستی را تأیید و پیشرفت هر چه بیشتر اتحاد انترناسیونالیسم کمک کرد. این مطالب در این نیز که تجزیه و تحلیل خلاق و عمیق علمی تجربه ساختن کمونیستی در اتحاد شوروی و وضع جهان از جانب کنگره بر پایه استوار وید تولید، احزاب کمونیستی و کارگران یمنی بر پایه مارکسیسم-لنینیسم بعمل آمد متجلی گردید. بدین ترتیب بار دیگر تأکید شد که حزب کمونیست اتحاد شوروی با تائید خلاق اصول و مفولات تئوریک مارکسیستی - لنینیستی برای حل معضلات وودائی که پارتی اجتماعی جامعه بشری و پیشرفت علم و تکنیک و فرهنگ پیش میآورد و پیشرفت و تکامل این امر و نشر نقش شایان و چشمگیر و روشی انجام میدهد.

ما با عقیده و رفقای شوروی در این باره که اختلاف ناز و درباره مسائلی که اغلب میان کمونیستهای کشورهای مختلف بوجود میآید، باید از مواضع انترناسیونالیستی و در در بیان مباحثه کاملاً رفقانه حل و فصل شود و اینکه ضرورت استحکام وحدت تمام جنبش کمونیستی را همواره باید بخاطر داشت کاملاً موافق هستیم.

بنده را مواضع حزب کمونیست اتحاد شوروی نسبت به سیاست رهبران کمونی چین که بیش از پیش به متفقین ارتداعی ترین نیروهای امپریالیستی تبدیل میشوند، کاملاً اصولی و مارکسیستی-لنینیستی است.

بعید به اعلام این مطالب از جانب کمونیستها را شوروی که انترناسیونالیسم پرولتری به پیروجه با استقلال و خود مختاری هیچیک از احزاب، بخاطر که سیاستمداران واید تولیدی و یورژانی مدعی هستند، تمام و شاققین ندارد، فسوق العاده بهم و سرم است. تجارب حزب ما و جنبش جهانی کمونیستی بدون انکار باید بر مبدء آنستکه انترناسیونالیسم و منافعی ملی، استقلال، خود مختاری و برابری حقوق هر یک از احزاب یک واحد تفکیک ناپذیر تشکیل میدهد. در ضمن انترناسیونالیسم پرولتری همان همبستگی و تعاون متقابل میان احزاب برادر است که یکی از مهمترین منابع نیروی پیش جنبشها را تشکیل میدهد. ما عمیقاً معتقدیم که نفی و پاک نهادن به این جانب انترناسیونالیسم موجب تضعیف مواضع و امکانات هر یک از احزاب میشود و عملاً در حکم امتناع از این سلاح آزمون شده در مبارزات انقلابی طبقه کارگر است.

برای کمونیستها از تریه نشی و همبستگیها و ارتباطات بین احزاب و جنبشهای کمونیست اتحاد شوروی در مبارزه بخاطر صلح، آزادی و سوسیالیسم، از آنجمله در مبارزه ای که ما در تریه بدفاع از منافع طبقه کارگر و همبستگیها انجام میدهم راهنمای اطمینان بخشی است. بیپیتا بیست و پنجمین کنگره و فعالیت حزب کمونیست اتحاد شوروی برای تحقق بخشیدن به آنها بر جریان سیر تکامل آن جهان در آخرین ربع سده معاصر تأثیرات مثبت و ماهوی خواهد بخشید.

اثر ناسیونالیسم و نبرد در راه استقلال

فرانکنین امریکاری

معاون دبیرکل حزب کمونیست
پورتوریکو

مردم پورتوریکو از سال ۱۸۶۸، یعنی زمانیکه در نتیجه عصیان مسلح جمهوری اول اعلام گردید بهیازره قهرمانانه و بی در راه آزاد بی ملکی ادا میسند. در آن هنگام نیروهای مسلح اسپانیا قوای سپهستان پورتوگان را تا رومارگرد ولی مبارزه قطع نشد. در سال ۱۸۹۸ نیروی دریایی ایالات متحده امریکا در پورتوریکو پیاده شد، و پورتوریکو تا امروز متعمره امریکاییسم امریکا، که امتیازهای اقتصادی و سیاسی فراوانی بدست آورده، باقی میماند.

چیزهای دیگر، پایگاه نظامی و نقطه استراتژی برای تمام آمریکاها امریکای لاتین است. امریکاییسم امریکا از پورتوریکو که جمهوری دموکراتیک، گویا، و نیروی پانامای پرتوگورهای امریکای لاتین حمله کرده است (۱).

چیز دیگر داشته دارد راه استقلال و جنبش های همبستگی بین المللی با مردم پورتوریکو استعمارگران را مجبور به فروتنی میکند. آن در سال ۱۹۵۲ این جزیره را "کشور که آزادانه به امریکا پیوسته" اعلام کردند. معادلات با هم سرمایه داری آغاز "عصر نو" را در سیاست میان ایالات متحده امریکا و پورتوریکو اعلام داشت. این دروغ را تمام کسانی میتوانند باور کنند که حقیقت امر را نشان ندهند.

پورتوریکو یک کشور پیوسته است. وابستگی آن هم در حقیقت شخصیات عده کولونیاالیسم "کلاسیک" و هم در اشکال استوار شده و جنبه های استعماری استعمار و استعمارگر است.

در پورتوریکو کشور و زمین جمهوری امریکا تعلق دارد (و این دولت استعماری بدست نشاند) فقط میتواند مسائل جزئی را حل و فصل کند که بهیچوجه منافع سرمایه انحصاری برورد نمیکند و مصونیت اراضی و ساختمان های مهم استراتژیک را که امریکا از آنها استفاده میکند و آن کشور نیاز نیست به خاطر نی اندازد. وابستگی استعماری پورتوریکو از این نقطه نظر دارای خلعت "کلاسیک" است. از سوی دیگر، ساختار حکومت پارلمانی با اهری وجود دارد که در خارج از آن در چنین شبیه ای بوجود میآورد

۱- این جزیره به پانامای سرمایه بدست داده است. پاناما با اشغال ۳ درصد زمینهای حاصلخیز پورتوریکو جزایر کوچک و بزرگ و کوهها را بهیازره پاناما با یکدیگر پیوند میدهد و آنرا به یک منطقه استوار پایگاه برای عقب افتادن های سیاسی، موشکها و بیرون راندن های نیروی دریایی. مانورهای نظامی با فرماندهی آمریکا و پورتوریکو و افراد با سرمایه دارند و مردم را در معرکه خدایا میکنند و فرامیدهند. مردم پورتوریکو علیه استفاده از زمینهای این کشور منزله پایگاه برای انجام هدفهای نظامی و کارخانه های سرمایه میکنند. این واقعیت را هم میسرهای گوناگون میگوید تا باید میکند. بهیازره ۹۰ اهالی پورتوریکو و استانهای بیرون مرز ارتش و تحلیل پایگاههای نظامی امریکا است. بهیچگونه.

که پورتوریکو از ای حکومت و دولت ویژه برخوردار است.

هیچ چیزی مانند چنین تصویری در واقعیت نیست. حاکم اندام با هیچ کشوری، جزایر پرتو حکومت ایالات متحده امریکا، سیاستی برقرار سازیم. این امریکا است که باید معلوم کند کسسه پورتوریکو باکی میتواند روابط بازرگانی داشته باشد. ماحی حق اندام بهیچ خود را مورد و رد کسی به پورتوریکو با خود کسی تمام بگیریم. ما واحد پولی ویژه خود نداریم. پول رایج دلار است. این کشور سیستم اطلاعاتی هم ندارد. تلویزیون، رادیو، و پست، تلفن و کنترل دولت از آن امریکا است. کنشهای بازرگانی هم بدان تعلق دارد و از طرف امریکا کنترل میشود. اهالی پورتوریکو بهیچگونه نخواهند و بخواهند از زمینهای خود بدستور ادغام در مال برای مدت ۵۰ سال موافقت دارند و نیروهای مسلح امریکا بدست کنند.

وابستگی این است که ما هیچ وقت دولتی ویژه خود نداریم. همانا، برکه در گماندهم، بطور مثال، در گذشته چنین دولتی وجود نداشته. "کشور که آزادانه به امریکا پیوسته" حرف پوچی بیشتر نیست. امریکاییسم امریکا در سال ۱۹۵۲ با استفاده از خود در آن دوران در سازمان ملل متحد، موافقت گزارش مربوط به مستعمرات و دیگر راههای اندازد. در آن هنگام بود که پورتوریکو عنوان "کشور که آزادانه به امریکا پیوسته" گرفت. در نتیجه این بدست امریکاییان غارت سیاسی که در سازمانها را باقی ماند.

شرکت های سرمایه دارند ملتی آزاد و عمل نامحدود برای بدست آوردن سودهای کلان دارند. تفریحات با پیوسته است (بیش از ۱۰٪ واحد های صنعتی) و مزارع چند رتبه و پیشکر، کارخانه های بافندگی، شرکت های بیمه، سازمانها و همه آرزوهای انحصاری امریکاییان تعلق دارد.

۸۲ درصد اقتصاد پورتوریکو را "تجارت" سرمایه داران شمالی است که تا امروز در حدود ۳ میلیارد دلار خرید کرده اند. حکومت محلی این معیون با یکی دارا از بدست مالیات معاف میکند.

این جزیره با رشته های مختلف منابعی است (از زمین تا صنایع داروسازی) را نداشته صنعتی با مواد خام اقتصاد ایالات متحده امریکا و با راسد آفرینش کالا های صنعتی و سرمایه های دولت که امروز است. سرمایه کلان شرکت های چند ملیتی هم در بازرگانی عده فروشی هم در خرده فروشی عمل میکند. جیزوار پورتوریکو شرکت کوچک اندام های آمریکاییستی را پیوسته دارد.

از آن جزیره سازمانها بهیچگونه نیست. این دولت "آزادانه به امریکا پیوسته" بعلمت ماه نیست. استه بارش از بهیچ شریک بهیچگونه نیست. این شرکت های آمریکایی و اروپاییست. معیون و وقفه بسوی پرتوگه بود که گشتی اقتصاد میسند. "فرهنگ داری جزیره در سال ۱۹۷۴ نزدیک به ۴۰ درصد بود و سرمایه داران بود که بازاریا بود. این امر نشان میدهد که اگر بداند گان استعمار و دولت بهیچگونه با وجود توانسته که در این بیستی که بازاریا بود آورده اند خارج کنند" (۱).

وابستگی که مردم در این معیون اقتصادی هم (که نتیجه مستقیم رگد اقتصاد امریکا است) خود را نشان میدهند. این برخی آثار پیوسته تا اوایل سال ۱۹۷۴ شماره یکبار به ۴۰ درصد تعلق داشت. اهالی که در بازاریا اقتصاد بدست میکنند رسید. اما حتی آن هم که کار میکنند، بهیچگونه کفایتی

Pueblo "NO 12, Diciembre de 1975. - 1

سیاست بهیچگونه و زمانه فرقه این پورتوریکو در سال ۱۹۷۴ تا بهیچ ۱۲ درصد دلار و سرمایه گذاری و اختیار که در اختیار بدست بوده نزدیک به ۱۴ میلیارد دلار بوده است.

بار سنگین دویستمین سال

هانری وینستون

صدر ملی حزب کمونیست ایالات
متحدہ امریکا

همانطور که باخلاق رساندم صدر ملی حزب کمونیست ایالات متحدہ امریکا هانری وینستون در جلسه شورای هیئت تحریریه مجله سخنرانی کرد. او درباره برخی از مسائل شخصی که در باره حزب کمونیست، با بقا نگرونده های آنهو زحمتکشان ایالات متحدہ امریکا قرار دارد، مآلین بیان داشت. مآلین سخنرانی او را در اینجا خلاصه کردیم.

ایالات متحدہ امریکا دویستمین سال موجودیت خود را در شرایط بحرانی عمیق برگزار میکند که تمام جنبه های زندگی اجتماعی را فرا گرفته است. در صفحات کمیونسیت این سال بسیاری از ایده ها و واقعیت کونی عظیمترین کشور جهان سرمایه دارن روشن گردیده است (۱). رفیق گس هال دبیرکل حزب مارکسیست و کمین کنگر ملی هنگام تشریح بحران کمشورما و دیگر کشورها سرمایه دارن را فرا گرفته روی تائید تریخی از مظاهر بحران مانند تورم و بیگاری در وضع زندگی زحمتکشان بیوزنه تکیه کرد. تورم بطور مشخص چه چیز برای زحمتکشان "بارزدان" آورده است؟ یکصد و نمان سفید پیک فونتی که چند سال پیش از آن تا ۱۰۰ سنت قیمت داشت، حالا حداقل ۱۰۰ سنت است (۲) و بسته به کیفیت نان به آن به ۸۷ سنت هم میرسد (۳). بهای لوبیا از یک فونتی ۵۰ سنت به ۲۰ تا ۳۰ سنت ترقی کرده است. خرید گوشت برای زحمتکشان و بیوزنه نمایندگان اقلیت های ملی و سایر قشرهای فقیر اهالی روز بروز مشکل تر میشود. ماهی کتاد پرویز فراوان ترین ماهی غذائی در شهرستانی بود حالا یکی از گران ترین مواد غذائی است. بهای مواد غذائی ضروری در اکثریت روستاها رفته است که کارگران صنعتی هم حالا بدشواری میتوانند غذای خانواده خود را تأمین کنند تا چه رسد به کارگران سیاه پوست، پورتوریکو، چیکاگو، نیویورک و همایان شرق و غربت و امریکائی های که اصلشان آسیائی است.

کرایه خانه که بدوین وقفه زیاد ترمیشود بار سنگینی بدوش زحمتکشان است. چند سال پیش کرایه خانه کارگران نزدیک به یک چهارم درآمد کارگر بود و این مبلغ زیاد میشد. ولی این مبلغ امروز ۳۰ تا ۴۰ درصد وحشی ۵۰ درصد بیشتر شده است.

بزرگی میشود. یکی از تداوم این که امپریالیسم در کنه و ما بر علیه خنجر آزاد به تری ملی اتخاذ میکنند در واقع اندام بین انتخابات است که تداوم میتواند راه را برانند بدنه ارد مسئله پورتوریکو و در سازمان ملل متحد بیند. بدین ترتیب امپریالیسم از طرف سازمان ملل متحد تحت فشار افمن نتواند و بوند سالی مدال و فرصت بدست خواهد آورد.

اما مسئله بدین جا ختم نمیشود. احزاب سفاقره دره در بالا در خیابان آزادی بزرگ انتخابات به این بایل شکل بطور آشکارائی کمونیسم خود را نشان دادند. ما نمیتوانیم از نامزد های آگشتنی کمونیست پشتیبانی کنیم و از این رویا ما را همه به تمام مردم، به کارگران، به تالیان و شافلین کارگران فکری از نامیده و اسم در انتخابات شرکت نکنند. در سیتینگ ها، جلسه ها و کنفرانس های حزب کمونیست پورتوریکو که فهای این انتخابات استعمارن به ما در معادله بران مرد تشریح خواهد شد. و در تویکیا رچی سازمانها و زحمان اجتماعی که ما با نام او رفتار می کنیم بدربارده مسائل مختلف ایالات شور و شور و متکلم امکان میدهد حسیه گسترده نیروهای راکنده ایالات ایالات اندونیدو آفریم. این رویه در در واقع و احوان کونی عامل قنای شد بد مبارزه بر علیه امپریالیسم امریکا میگردد. کمونیست های پورتوریکوین دارند تشریف در شورای این موجودیت ایالات که به سده گرفته اند میتوانند احجام دهند، زیرا هر جا وحدت دست پیروز دست و دیرتود و بدست است که مردم پورتوریکو شور و استقلال خود را باز خواهند یافت.

و فادار به اول بنیاد مارکسیسم - لنینیسم و انتروا میونسیم پورتوریکو را ما حاضر موهبت خود میدانیم. به من سبب با فادار سبب پشتیبانی کامل خود را از سیاست مارکسیستی - لنینیستی انتروا میونسیم پورتوریکو که احزاب برادر و در ده اول حزب کمونیست اتحاد شوروی از پیروان میگرد. اعلام میدانیم. این موضوع بران ما قابل در نیست که در گونه امروز میتوان مسئله استقلال از انتروا میونسیم را که از دوران مارکس و لنین سلاح نیرومند کمونیستی جمعی است تالیان کرد. این سلاح در مبارزه در راه استقلال ملی شاکست میکند. ما میدانیم که تمام مخالفان امپریالیسم و استعمارگرن پشتیبان کمونیست ها و همین برسان پورتوریکو هستند. این شعار اصلی ما میشود که روز آرای پورتوریکو سبز باشد.

۱ - رجوع کنید به مقاله ای ج. پیمان و گ. آپتکر "مسائل حلج و سوسیالیسم" شماره ۷ سال ۱۹۶۵ و مقاله ج. پیرر شماره ۲ سال ۱۹۶۶ و مقاله گس هال، شماره ۱ سال ۱۹۶۶ که به موضوع ایالات متحدہ امریکا در آستانه دویستمین سال تأسیس اختصاص داده شده است. ترجمه مقاله گس هال بفراسی مجلسه (مسائل بین المللی) شماره ۲ (۸۰)، فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۵۵.

خشم و ناراضی روز افزون مردم یکی از نتایج بحران است. در درجه اول بر عهده و ففسب بافقارگر، ظلمت های ملی مذکور و قشرهای متوسط افزوده میشود. افزایش ناراضی مردم با کاهش اعتماد آنها به موسسات و داریا و سازمانهای دولتی همراه است. این پدیده در همه پرسن هائی منجر میگردد که از ادارات استیفتهای گالیوپ و هاین که افکار عمومی را مورد بررسی قرار میدهند، بغل نماید. این همه پرسن ها بطور مثال نشان میدهند که اعتماد مردم به پنتاگون بنابر تین سطح رسیده است و در همین حال گواه عدم اعتماد نسبت به قوسبیریه آنگره و از گنهای داریا است. مردم به سیاست مارش طبقات که از طرف رهبری، ف. ت. ک. پ. پ. ک. ج. یعنی صدارت آرنایمید دارد اعمال میگرد و اعتماد و پیروند دارند. نسبت به رهبران کلیسا های گوناگون نیز اعتماد و جوسود ندارند و این امر برای ایالات متحده و امریکا بدین اندازه است. از اعتماد به پزشکان هم کاسته میشود، چنین چیزی هم در گذشته بدینجهت نمیشد.

مدافعان انحصارها هر چه میخوانند بگویند، هر قدر هم اطمینان بدهند که از شدت بحران کاسته میشود و چشم انداز امید بخش و رنگینی برای افلاکی آینده و بدین امر میگرد و صاحبان عقل سلیم درک میکنند که، باوقتی که تغییر و تحول بنیادی در انحصارها که خواست جنبش عدالتخواهی و گسترده و نوع هائی است که نشان ایجاد یک دولت ضد انحصاری است، جا مفعول نمیشود هیچ امکان واقعی برای بهبود استوار و بر جای اوضاع بوجود نخواهد آمد. تنها چنین جنبشی قادر است با سرمایه داری دولتی - انحصاری مقابله بر خیزد.

افزایش خشم و انزجار و عدم اعتماد به حاکمیت انحصارها درک ضرورت تغییرات بنیادی بدین ترتیب، پدیده ای مثبت است. ولی بسیاری از مردم هنوز نمیدانند چه شکل های سازمانی و شیوه های عملی برای دفاع از منافع آنها ضروری است، همیشه درک نمیکند که مبارزه بر علیه سیاست ضد خلقی و وسیعانه انحصارها با مبارزه برداشتنی کمونیسم و نژاد پرستی، این دو سلاح عدمه ای که از طرف سرمایه انحصاری بر علیه جنبش کارگری و دموکراسی و در درجه اول مانند همیشه بر علیه حزب کمونیست امریکا میگرد و استفاده و قرار میگیرد، ارتباط ناگسستی دارد. نخستین وظایف ماکلیبه باید که کارگرونده ها است تا ضمن اقدامات متشکل و با شکل های مناسب این علاقه خود را به تغییر و تحول بنیادی که فعلا برآورده بشکلی نامفهوم و خود بخودی بروز میکند، بیان دارند.

این مشکل را باید بغیرت و از جمله در جریان مبارزات انتخاباتی برای انتخاب رئیس جمهور ایالات متحده و امریکا که در مانع او امر با مناسبت میشود، از پیش پدیدار شد. در جریان مبارزات انتخاباتی همیشه از احزاب سرمایه به انحصاری، نه در مبارزات و نه بعد از پیروزی و هان، نظرها بر نامه ای نخواهند داشت که مردم را با مبارزه قاطع ضد انحصارها، به مبارزه و راه دادن کار به بیکاران، ملی کردن صنایع تولید انرژی و استخراج کانیها و ملی کردن موسسات خدمات عمومی، مبارزه و راه ایجاد تغییرات کامل بنیادی در سیاست تبعیض نسبت به کارگران سیاه پوست برای متوقف ساختن جریان افزایش اختلاف میان دستمزد ها، درآمد ها و طول عمر امریکائیان سفید پوست و سیاه پوست، فراخوانند. فراخوانند مردم به مبارزه با چنین برنامه ای و جلب آنان به مبارزه و راه در گرونیپایان ضد انحصاری تنها از حزب توده ای سیاسی ساخته است که متشکل و طبقه کارگر باشد. در حال حاضر چنین حزبی در کشور وجود ندارد ولی چنین حزبی ضروری است.

بسیار کمین گنره ای حزب کمونیست امریکا با توجه با این وضع قرار خود را در باره اشتراک کمونیست ها در انتخاباتی که در ریه است به منصوب رساند تا بدینوسیله از مبارزات انتخاباتی برای وحدت نیرو های چپ کشور استفاده کند. باور میگرد اینم که رهبران و بهرنگ حزب و اوجا و ریه را تا بنصرد و سازمان حزب

کمونیست در ایالات نیویورک به ترتیب برای مقامهای ریاست جمهوری و معاون آن نامزد شدند. نامزد های حزب ماوتام اعضای حزب عقیده دارند که کمیلینپا را بدینده ای که تا حال در مبارزات انتخاباتی شرکت نکرده اند و میلیونها افراد و بگری که بشکلی منظم و بطور خود بخودی بر علیه پی آمده های بحران اعتراض کرده اند، منتظر نامزدی هستند که بتواند بگوید: "این است راه خروج از بحران، این است راه پیشروی ایالات متحده و امریکا، این است برنامه ای که میتواند مورد پشتیبانی شما قرار گیرد". مبارزه انتخاباتی حزب کمونیست برپایشی اصلی مایه ای مبارزه و راه سیاست کاستر تینتی و عمریستی سیاست آمیز استوار است. مانده خود را در این مبارزات بنیزده های انیسو و انتخاب کنندگان مستقل، اعضای ساره احزاب و موکرات و جمهر و پیاده و افراد ضد فاشیست و عدالتمیرالست و تمام افرادی که دارای افکار و روحیه دموکراتیک اند معطوف کرده ایم. هدف برنامه ما که به مردم برای درک این نکته است که پیشروی در راه صلح و ترافا دشمنی به استقلال هر چه بیشتر از هر دو و حزب موجود که در خدمت منافع انحصارها هستند نیازمند است، چنین خطشی نیازمند ایجاد حزب خودی توده ای ضد امپریالست است. معیار گسترده ایست که کسکی باید به کارگر باشد. هدف مبارزات انتخاباتی ما بطور ونگال جنبش توده ها است. زیرا فقط چنین جنبشی میتواند به ایجاد جهان حزبی انجامد.

بنیبرقم و عاوی مدافعان دموکراسی سرمایه داری و باره "آزادی" را ای مردم که گویا از خصائص این دو مؤثر است، معرفی نامزد های انتخاباتی برای کمونیست ها در انتخابات ایالات متحد امریکا به جوجه کار ساده ای نیست. در ایالات مختلف قوانینی وجود دارد که با هر سیم به ثبت رساندن نامزد ها را تضمین میکند. در ضمن تنوع و رنگ رنگی این قوانین هم معنادار ای خلعت آشکار و کمونیستی اند و معهود از آنها حفظ مواضع سلطه احزاب و موکرات و جمهر و پیاده و در زندگی اجتماعی است. برای شرکت در مبارزات انتخاباتی ما ناچار شدیم دست بکار تازه ای بزنیم. ما قوانین انتخاباتی و محدودیت هائی را که در ایالات مختلف برانباری دارند گان وضع کرده اند و خلعت و ماهیت موانع و اشکالاتی را که در انتخابات نامزد های ما است، همه را مطالعه و بررسی کرده ایم. ما در وجهیه بر علیه قوانین ضد کمونیستی مبارزه میکنیم و مبارزه توده ای یعنی فشار از پیش را با مبارزه و راه حقوق حزب و از گنهای داریا در تلفیق میکنیم. ما اطمینان داریم که بطریق قانون ضد کمونیست کسدر ایالات وجود ندارد. حزب امکان معرفی نامزد های خود را حداقل در ۳۰ ایالات از ایالات موجود و از آنها خواهد داشت. ثبت نام کمونیست ها در دفترست نامزد ها به حزب ما امکان میدهد میلیونها رای دهند را مخاطب قرار دهد و بهین سبب مهم هشتم برای دست یافتن به این مقصود از تمام امکانات خود استفاده کنیم.

میتوانیم بگوئیم که هم اکنون در مرکز کشور، در مناطق عمده صنعتی که بخش عمده ایقه کارگر در آنجا زندگی میکند به موقعیت هائی رسیده ایم. باورشال نامزد های حزب ما میتوانند در ایالات اوها یو خود را نامزد انتخابات کنند و این دارا اهمیت بسیار است. موسسات عظیم صنایع فلسزی، اتومبیل سازی و الکترونیک، در این ایالات واقع شده است. در نیسولانی هم که مراکز بزرگ صنعتی مانند سناقه پیتسبورگ و ویلا دلفی در آنجا قرار دارند از گنهای اعضا جمع آوری شده. با اطمینان کامل میتوان گفت که نامزد های ما دارند با نابا و بی نیل هم در رف و رست نامزد های انتخاباتی خواهند بود. هرگاه نیویورک را هم که ما در آنجا همیشه به ثبت نام نامزد های خود موفق میشدیم به این ایالات بیفزاییم، و در زمان خوبی برای اقدامات بعدی حزب در مبارزات انتخاباتی بدست خواهد آمد. ما نظری هم به موانعی میبندیم که مایه ای شرکت در انتخابات باید از پیش پدیداریم. بران مثال

کالیفرنیا را در نظر میگیریم. تا همین چند ی پیش حزب برای ثبت نام نامزد های خود در این ایالت میباید نزد یک به ۳۰ هزار امضا جمع آوری کند. در عمل این بدان معنی است که باید تقریباً بیست و میلیون منزل سرزد و با میلیونها نفر صحبت کرد. ولی شغای که سر راه بود مشکل دیگر راه هم شامل شدن آن اینکه امضا را باید کسانی میدادند که بشماره طر افراد از حزب دموکرات و جمهوری خواه ثبت نام نکرده باشند و امضا را از تمام بخش های ایالت کالیفرنیا یعنی از بخش هایی هم که در آنجا عدل زیاد و مرتجعین وابسته به جمهوریخواهان زندگی میکنند و در آنجا احوال و روحیه زیاد پرستانه و ضد کمونیستی حکومت میکند جمع آوری شود. حزب ما با استفاده از مراجع قضائی مخالفت خود را با این مقررات ابراز داشت.

هنگامی که معلوم شد جریان داد رسی ناگزیر بسود تمام خواهد شد، مجمع قانونگذاری ایالت کالیفرنیا مجبور به عقب نشینی شد و قانون را تغییر داد و چند ی پیش این قانون تازه را فرماد امضا کرد. طبق این قانون نامزد های مستقل را میتوان در صورتیکه تقریباً ۹ هزار امضا جمع آوری کرده باشند به ثبت رساند و امضا را هم باید طی شش ماه فراهم کرد. اگرچه این مقررات تازه راهم نمیتوان سبب ولت انجام داد اما اینک مبارزه برای جمع آوری امضا را آغاز کرد و آن امیدواریم که آنرا با موفقیت پایان برسانیم.

در ایالت میشیگان که قانون ملی سالهای زیادی به هر حزبی اجازه میداد نامزد های خود را در فهرست بگمارد، حزب ما باینکه شرطی را که برای انجام این کار لازم بود و آن جمع آوری امضا نزدیک به ۱ هزار تن از انتخاب کنندگان است، انجام رساند. اما پس از آنکه این ۱۰ هزار امضا به ثبت رسید، مجمع قانونگذاری ایالت قانون را عوض کرد. قانون جدید که از طرف فرماندار امضا رسیده از اصل با حقوق ابراز آمد. بنابراین قانون حزبی که تا حالا لازم امضا را جمع میآورد و در انتخابات عطف ماتی هم باید شرکت کند و در این انتخابات با تعداد ماتی که اینک احزاب دموکرات و جمهوریخواه و بجز نامزد های خود را میآزمایند باید حداقل ۵ هزار رای بدست آورد. حالا ما دست باقی گذاشتیم و زده ام که غیر قانونی بودن این خواسته های تازه را با اثبات رسانیم.

وضع در ایالت آلاباما بسیار بدتر است. درست است که در این ایالت فقط ۱۰ هزار امضا باید جمع کرد تا بتوان نامزدی را به ثبت رساند. ولی باید در نظر گرفت شرایطی که در آلاباما بوجه خود آمده، در ایالتی که فرماندارش روزوالا بر فاشیستهای مشهور است و در آنجا ترور و ترور گویی و نژاد پرستی حکمفرما است، گرد آوردن این اندازه امضا کار آسانی نیست. بطور مثال یکی از افراد ماکه بسمه گرد آوری امضا مشغول بود تا با آنها اصطلاح "سوا قصد به جان رکظمعاون ریاست جمهوری" که از قضا در آن هنگام در نیویورک بود و هزارا میل بالا با آنها صلح داشت، باز داشت کرد بد. افرادی که برای امضا گرد میآوردند در آلاباما در معرض خطر بازداشت بودند و این در حالی است که آنها از حقوقی که قانون اساسی بدانها داده استفاده میکردند. با اینهمه حزب این هدف را در برابر خود داشت که در آلاباما حداقل ۱۰ هزار امضا گرد آورد. امروز ما کاملاً معلوم است که به این هدف دست خواهیم یافت. ولی در آلاباما مشکل دیگری هم وجود دارد. طبق قوانین این ایالت نامزد حزب کمونیست اصطلاحاً شرکت در انتخابات آنجا ندارد. چنین قوانینی در برگزاریات در سال ۱۹۲۲ مغایر با قانون اساسی اعلام شد. ما خود را برای مبارزه و در راه الغای این قانون در آلاباما آماده میکنم و راهم اکنون با درونمای امید بخشی برای موفقیت در این مبارزه روبرو هستیم.

ایالات دیگری نیز وجود دارد که در آنجا قوانین ضد کمونیستی مورد اجرا گذاشته میشود و ما خود را برای مبارزه توده ای در راه الغای آنها آماده میکنیم. اینک ما برای شمعختر بودن این مبارزات به اساسهای قانونی خوبی نظیر قرارداد گاه های کشور براره قوانین ماگاری - ولتر و حمایت منکسی

هستم. مبارزه بر علیه قوانین ضد کمونیستی را چه بقایای دولت فدرال و چه در ایالات ما بجز بخش از مبارزه جبهان در راه دموکراتیزه کردن سیستم انتخاباتی تلقی میکنم. مبارزه بر علیه لایحه قانونی بیداد گرانه ای که هم اکنون مورد مذاکره است بنام "لایحه سنای (S.I.)" مشهور است و یعنی قانونی که بدولت حق میدهد بر علیه هرگونه تفکرات بد مخالف تدابیر پلیسی تشخیص و فشار بگذارد و خود خطری برای تمام طرفداران دموکراسی و دموکری و آزادی صفوف عایقه کار گر و اقلیت های ملی مظلوم است، جزئی از همین مبارزه است. تصویب چنین قانونی کشور ما را به عقبس به بدترین دوران حکمرانی ماکارتیسم سوق خواهد داد.

ما بر این عقیده ایم که در مبارزه با ماکارتیست نام نامزد های خود و در فهرست انتخاباتی حد اقل اکثر ایالات تا از ۳ ایالتی که از آنها یاد کردیم میتوانیم پیروز شویم. چند ی پیش شورای ملی حزب نقشه عملیاتی را که رسان نشان تا همین پیروزی مبارزه ما در راه مشارکت در انتخابات است به تصویب رساند. کمیته ویژه ای برای تبلیغ و تشویق ایجاد شده است. این کمیته بهترین استعداد های حزب را از میان نویسندگان، مبلغین، سازمان دهندگان و کارشناسان در مسائل مختلف بسیج میکند. ما میخواهیم از وقتی که معمولاً راد یوئل و یوزین بلورایگان و راخاتار نامزد های انتخاباتی میگذارند حواسمان را بکشم. در همین حال در این برای سخنرانی نامزد های انتخاباتی وقت اعلی بخریم. ما در خانه ها ملاقات و گفتگو ترتیب میدهم و میبندیم هائی تشکیل میدهم که تا مرد های انتخاباتی حزب در آنجا استراحت میکنند. همه باید صدای حزب ما را بشنوند. این واقعیت که سخنرانی رفیق هال در سمیت و مکیمن کنگر ملی حزب ماکه در صد هزار نسخه چاپ رسیده بود و مدت کوتاهی بفروش رفت به اتمام بخشیده است. ما این بدیده را سرفراز خواهی برای فعالیت خویش در راه انتشار نشریات حزبی، رساله ها (پروپاگند) و چاپ میلیون تیراژ شعار میآوریم.

حزب ما علاوه بر تمام موانع و دشواریها و رفر فعال از شرایط مساعد برای مبارزه استفاده میکند. در نکته مهم وجود دارد که نشانه های نیکی برای آینده است. یکی از جنبه های مثبت عمده اوضاع کنونی چرخش از "جنگ سرد" به گاهفتر تشنج است. در پروتودرت روز افزون جامعه کشورهای سوسیالیستی و ویژه کوششهای مستر اتحاد جماهیر شوروی و در جهت تحکیم صلح و در افر مبارزات بی کارگری جهانی و جنبش آزاد یبخش ملی فعالیت های ارتجاعی ترین محافل سرمایه انحصاری و طرفدار اتحاد و نهادهای دشوار شده است. علاوه بر این در جریان مبارزه بر علیه جنگ امپریالیستی ایالات متحده امریکا در رهتات و سیاست امپریالیستی و در آنکول و در مبارزه بر علیه بده بدهی و در کشور اکثریتی بد بد آمده است که خواهان صلح است. این اکثریت سیاست خارجی ایالات متحده امریکا را در بسیاری از مسائل مورد انتقاد قرار میدهد. این بد بد متاخر است. وظایف ما سازمان دادن این جنبش توده ایست که اغلب خود بخودی جریان مییابد. ما باید هدفهای این جنبش را روشن کنیم و آنرا در طبقه کارگر متحد سازیم. ما در این زمینه موفقیت هائی بدست آورده ایم، اگرچه هنوز اندازه کافی نیست.

نکته دوم مربوط به بدیده مهم دیگری است که آن بیداری و آگاهی اعضای جنبش سندیکائی است. افزایش ناراضگی کارگران از سیاست رهبری ارتجاعی آ.ف.د.ک. پ.پ. مبارزه آنها بر علیه رشوه خواری، و زدی و در ادارات دولتی، گانگستریسم و بر علیه سیاست همکاری با فاشیست سندیکاهای برخی از موارد به برکنار ساختن رهبران سندیکائی مرتجع که اعتبار خود را از دست داده اند و انتخاب افراد تازه ای که دارای نظریات مترقی اند و از ماضی کارگران دفاع میکنند انجامیده است. حزب در پیشرفت این جریانها با فقر سهمی ایفا میکند.

سازوۀ انتظامیاتی ما و سایر تبلیغات چنین مایباید مردم را متقاعد سازند که راه حل نهایی و کامل معطلاتی که در برابر طبقه کارگر و تمام مردم راجع به امریکا قرار دارد، راه مبارزه با فاجعه و تحولات بنیادی اجتماعی و مبارزه در راه دموکراسی واقعی است. مبارزه بر طبقه ما و طبقه هم که میگوید در جنبش کارگری با بهترین کشیدن شعار "هر چه بدتر بهتر" تفرقه و سردرگمی ایجاد کند و بدی است که مبارزه در زمانها زنده بماند مردم کارگران را باید به خاطر گوشه نشینی در راه برقرار در سریع نظام سوسیالیستی در ایالات متحده امریکا از برنامه حذف کرد، جزا همین مبارزه است. با بعضی است که چنین تالیفات آب به آسیاب بدترین دشمنان راجع به مردم میریزد.

من در میان سخن میگویم از نیروی این نکته که میگویم که افغان سرمایه داران میگویند با استفاده از برگزینی جشنهای و بستن سالگرد ایالات متحده امریکا و رونمای زیبا و امید بخشی در برابر دشمنان مردم برای کشور برای آینده سرمایه داران ترسیم کنند. اما امریکاییان ساده و معمولی هر چه بیشتر پیشگویی های پامیزان شکوفا می دهند و متاداران "عصر امریکا" آینده باور میکنند. این افراد هر چه بیشتر پیشگویی حاصل میکنند که احزاب سرمایه انحصاری قادر به رهائی بخشیدن کشور از اثرات تورانگری بران عمومی سرمایه داران نیستند. همین سبب یکی از جهات عدم تمام فعالیت تبلیغاتی است باید گفت به توده های انبوهی از دهقانان مستقل و اعضای اتحادیه های احزاب دموکرات و جنبه و پیرو خواه، ضد فاشیست ها، مخالفان امپریالیسم و تمام دموکراتهای واقعی باشند و هم اکنون مادر این راه گام برضد ارم - مایباید بدانها کمک کنیم تا بدین نکته واقف شوند که: چنین برنامه های هست، چنین راهی به پیش وجود دارد که امکان میدهد به استقلال با بقای هر چه بیشتر از حزب کمون دیند باید و راه برای حل فاشی معطلاتی که با قضا و مردم که در زمانها و پیرو هستند موجود است. این راهی است که کمونیست ها پیشنهاد میکنند. پیروزی مبارزات آنها جز جدائی ناپذیر سرمایه از مشترک مادر راه دموکراسی در کشور است که بارش آگاهی با فاشی و اتحاد ارتباط دارد. مسئولان گفت که در جریان این مبارزه ممکن است حزب توده ای ضد انحصار هم ایجاد گردد.

کشورهای در حال رشد و خلع سلاح

نعم اشپا

عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست
اردن

امپریالیسم برای جلوگیری از پیشرفت اجتماعی - اقتصادی کشورهای نوظهور از هیچ کوششی فروگذار نمیکنند، آنها را اداره صرف هزینه های غیر تولیدی و از جمله نظامی میکند و سعی دارد آنها را در تقسیم کار بین المللی سرمایه داران در همان تقریبا چیرگزشت یعنی منبع غارت و چپاول انحصارهای چندملتی نگذارد. تشدید وفات اوضاع بین المللی و دامن زدن به اختلافات موجود میان کشورهای جوان هم به همین شأن و ضرورت میگرد.

امپریالیست ها با دامن زدن به فتنه های داخلی که شده و وجود آوردن فتنه های تازه از آغاز سالهای پنجاه کوشید و اندر برخی از کشورهای جوان و در رده اول آنها ای که دارای رژیمهای محافظه کار و راجع اند، به دست بندی های تهاوکاری که خود سرهم بندی کرده اند بکشانند. فشار بر این کشورها به منظور برگردان آنها به نای سوسیالیسم و توسعه دامنه حاکمیت بهره کسردن اقتصادشان افزایش یافته است. امپریالیست ها با کشاندن برخی از این کشورها به بلوکهای نظامی در بد بکر کشورها عدم اعتقاد به گمانی بوجود آوردند و آنها را مجبور کردند خود را برای خنثی ساختن تهاویر آماده سازند، و این بدان معنی است که آنها را وادار به خرید اسلحه کردند و فتنه جنگ را شعله ور ساختند. در هر دو حالت دشمنان آزادی و استقلال خلقهای کشورهای در حال رشد بسود و منفعت رسیدند.

تجزیه و تحلیل تاثیر مستقیم و غیر مستقیم سیاستهای تهاویر بر کشورهای نوظهور با امکان میدهد چنین نتیجه گیری کنیم که خلقهای این کشورها در میان بخشیدن به افزایش ذخایر سلاحهای مدرکبار به شدت نینفع اند. نباید با این بودن سطح رشد و بکاره اقتصاد این کشورها، فقر منابع مالی بسیاری از آنها و نیازها و مستحیوسات مختلف برای تحقق برنامه های مهم حیاتی اجتماعی - اقتصادی را فراموش کرد. با این همه سهم این کشورها در هزینه های نظامی بقیا ر جبهاتی ۱۰٪ یعنی بیزمانی است که برای آنها غیر قابل تحمل است.

نمونه ایران را به منظور خیلی شبیه و بارز است. این کشور در شمار موسسان پیمان بغداد بود که اینک به پیمان ستون مشهور است. امپریالیست ها، به ویژه ایالات متحده امریکا اقدامات توسعه طلبانه و سفاکانه را به عنوان هیئت حاکمه ایران در منطقه دریای عرب و خلیج فارس را ترقیب و تشویق میکنند و بدان نفوذ اندازی را که با ساختار منابع انحصارهای بین المللی، به ویژه انحصارهای نفتی در خاور میانه است و اگر در اند. ایران برای اجرای این نفوذ نیازمند نیروهای مسلح بسیار قوی است. بدین ترتیب این کشور در برابر سابقه تسلیم حاکمیت کشاند و شد. اگر هزینه سالانه این کشور برای خرید اسلحه و مهمات

در سالهای پنجاه از چند میلیون دلار تجاوز نمیکرد و با اواخر سالهای ۶۰ از مرز ۷۰۰ میلیون دلار گذشت، در سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵ این هزینه ارتقا پیچید و به ۱ میلیارد و پانصد میلیون دلار رسیده شامل گردید. هزینههای جنگی اسرائیل (فوند) خود شاه (۱) راهم که یک واپروستیم بهتر از مجلسی است که آن بود چه رسمی دولتی باین رشته اختصاصی داد میشود، باید بدین مبلغ افزود. بدین ترتیب ایران فقط در سال ۱۹۷۵ بیش از ۷ میلیارد دلار به منظورهای نظامی خرج کرده است که این بود چه نظامی فرانسه اندکی کمتر است ولی بیشتر از بود چه نظامی ایتالیا است. این مسئله را حتی مذهبهای یهودی هم تأیید میکنند.

واشنگتن مایل است نقش مدافع منافع انحصاری ایالات متحده آمریکا در خاور نزدیک را بهرستان سعودی سپرد و پادشاه ارکند. در این کشور نیز ارتش نیرومند و یکپارچه است و گسترده است. عربستان سعودی اینک میان کشورهای واردکننده اسلحه از آمریکا مقام سوم را داراست و کشورهای جمهوری فدرال آلمان، یونان، اسپانیا و کانادا را پشت سر گذاشته است. دولت عربستان سعودی در نزد اردن تا سال ۱۹۸۲ ساختن ۱۰ واحد ساختمانی نظامی را بازگشایی ۱۰ میلیارد دلار به پایان برساند (۲). این واحد ها را میباید سن استحکامات ارتش آمریکا میبازند.

در خاور نزدیک وضع بحرانی بدیده آمده است. مسابقتهای در این منطقه از یکطرف در نتیجه دایره امپریالیسم وصال آن یعنی رهبری صهیونیستی اسرائیل بر طبق جنبش آزاد بخش ملی عربی پیچیده بر ضد شناسایی حقوق قانونی اعراب فلسطین ناشی گردیده و از طرف دیگر تصحیه و اکثر اعراب در مقابل این دسایس است. کشورهای این منطقه طی دوران ۱۹۴۸ (سال تأسیس دولت اسرائیل) تا ۱۹۷۲ برای مقاصد دفاعی دهها میلیارد دلار مصرف رسانده اند و این در حالی است که این پولها را به منظور پیشرفت اقتصادی و فرهنگی کشورهای خویش خیلی لازم دارند. هزینههای نظامی در خاور نزدیک پیچیده و پیچیده است و از جنگهای دهه ۱۹۶۷ که پوشیده اسرائیل شعله ور گردید و امپریالیسم آزاد این رزیدنت افزایش یافت. اسرائیل اراضی وسیعی از سرزمینهای اعراب را اشغال کرد و هنوز هم آنها را تصرف خود دارد. علاوه بر این به سیاست تجاوز کارانه خویش نیز ادامه میدهد. بهین سبب کشورهای عربی ناچارند به تدابیر متقابل دست بزنند و این خود نیازمند صرف هزینههای فراوان است. اگر هزینههای نظامی طی سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۴ در اسرائیل فقط ۷۰ درصد افزایش نشان میدهند این رقم برای خاور نزدیک ۷۸ درصد است! از این رو گمانگشاهای طبقه ای را که در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بهنگار بهیست وینچم بر پایه تحریز و تحلیل اوضاع در منطقه فارغوبندی شده مهم و متوقع میدانیم. ایمن وظیفه برقرار زیارت: "تمرکز کوششهای کشورهای صلح دوست بر این زمین بودن گانوبی یا باقیانند جنگ و در درجه اول عادی کردن اوضاع خاور نزدیک بطریق عادلانه و استوار. بررسی مسئله همکاری برای تأمین بخشیدن به مسابقتهای خاور نزدیک از طرف کشورهای که در این عادی کردن اوضاع سهم اند."

بخش اعظم مسئولیت اوضاع خاور نزدیک بعدد کشورهای امپریالیستی است. میدانیم که این

- ۱ - طبق دستور شاه در سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵ بیش از ۴۰۰ هواپیما ۵۰۰ هلیکوپتر، ۷۰۰ تانک، ۱۸ کشتی جنگی و هزاران موشک از سیستمهای گوناگون سفارش داده شده است. هیئت تحریریه
- ۲ - عربستان سعودی تنها طی سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵ ۱۸۰ فروند هواپیما و جنگی، ۱۵۰ تانک تعداد از هلیکوپتر، کشتیهای جنگی، موشک و انواع دیگر اسلحه و مهمات سفارش داده است. هیئت تحریریه

کشورها پیچیده ایالات متحده آمریکا بخش عمده اسلحه و مهمات را در اختیار اسرائیل قرار میدهند و این اقدام قدرت جنگی تجاوزکار را افزایش میدهد (۱). امپریالیست ها اسرائیل را بسبب بی اعتنائی به قراردادهای سازمان ملل متحد گمراه خارج ساختن نیروهای اسرائیل از سرزمینهای اشغالی اعراب را میخوانند ترغیب میکنند و تأسیس سیاسی در خاور نزدیک را با تشدید تشنج و ایجاد خطبیس درگیری جنگی و بگره رانود میسازند، و این پدیده مانند گدشته میتواند صلح و امنیت جهانی را به خطر اندازد.

مسابقتهای که از طرف امپریالیسم آغاز گردیده و اسرائیل نیز بدان پیوسته است، بیشتر از همه به کشورهای عربی و در درجه اول به قربانیان بلا واسطه تجاوز اسرائیل زبان میرساند. این کشورها را آزاد ساختن سرزمینهای اشغالی و آمادگی برای مقابله با خاور نزدیک تازه ناچارند نیروهای مسلح خود را تقویت کنند. بطور مثال جمهوری عربی سوریه با وجود محدود بودن منابع مالیش مجبور است سالانه بیش از یک سوم درآمد ملی خود را صرف هزینههای دفاعی نماید. این موضوع درباره مصر هم صادق است. جمهوری عربی مصر درآمد ملی در حدود ۱ میلیارد فونت مصری (۲) در سال ۱۹۷۳ یک میلیارد و سیصد میلیون فونت صرف هزینههای نظامی کرده است. این مبلغ برای ساختن و تسلیح برقی آبی انرژ اوسان کلاسیک، آتش فروزنده تازه ساخته شده است. اسرائیل که در منطقه با آقا شده، مانند گذشته اسرائیل است. امپریالیستهای آمریکا در تن ترین سلاحهای جنگی را در اختیار اسرائیل میگذارند که موشک "ششینگ" از جمله آنها است. این موشک قادر به حمل یک کلاهک هسته ایست. این نکته جالب توجه است که ایالات متحده آمریکا یکپار از اراضی و وسعین قرار دارد که مصر و اسرائیل (قرارداد سینا) که خود مانع آن بود، تحول این موشکها را به پیچیده گرفت. این تصدیق را هم بخوبی "گام مهمی در راه صلح" در خاور نزدیک قلمداد میکند. اما هدف واقعی امپریالیسم اقدام تأمین برتری نظامی اسرائیل بر همسایگان آنست که در جریان نبردهای اکتبر سال ۱۹۷۳ مورد شک و تردید واقع شد.

باید دانست که در این کشور مسلح میشود که الحاح و تعداد اراضی را قرار عدم اشاعه سلاح هسته ای امتناع میسرورد. لیدران اسرائیل گامیگاه به خود اجازه میدهند با کبریت خود اعلام کنند که اسرائیل میتواند سلاح هسته ای داشته باشد (۳). نشانههای خطرناک اینکه محافل امپریالیستی - صهیونیستی قصد دارند منطقه را به پروسه تازه افزایش تسلیحات بکشاند و این آشکار است. این پروسه خطرناک را در کمیته هسته ای خود بگیرد. چنین پدیده ای زبان جبران ناپذیری به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی تمام خاور نزدیک وارد میسازد و مانع از آن میشود که این کشورها مقاصب ماندگی را که از گذشته عادت برده اند بر طرف کنند و آنها را در برابر حمله و هجوم انحصارهای امپریالیستی غمخوارانان بگیرد.

- ۱ - هزینههای جنگی اسرائیل طی سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵ و ۱۹۷۵-۱۹۷۶ (تقریباً هفت میلیارد دلار بوده است. در گزارش که طی سالهای ۱۹۷۶-۱۹۷۷ بیشتر از ۱ میلیارد دلار مصرف برسد. تقریباً نیمی از درآمد ملی سال اسرائیل به صرف هزینههای جنگی میزند. این کشور از لحاظ هزینه جنگی نسبت به جمعیت کشور (۱۹۷۳) دلار در سال برای هر نفر) اینک مدت درازی است مقام اول را که اختیاری بر آن مترتب نیست، دارا میباشد.
- ۲ - بلقونیت مصر برابر با ۲۵۰ دلار آمریکا است.
- ۳ - در ضمن جندی پیش در مطبوعات آمریکا خبری انتشار یافت که بر اینکه اسرائیل هم اکنون ۱۳ کلاهک هسته ای در اختیار دارد. هیئت تحریریه

امپریالیسم در دیگر مناطق کره زمین هم گاه و بگاه ایجاد میکند و رگبازی و برخورد و برخورد میآورد. ولی حالا در بگرا امپریالیسم و حتی جنگ افروزیترین معادل آن ناچارا باید تغییرات بسیار در رزمه جهانی و تمعین تضاد دارد و گامد هان را (اضمحلال شغافو، پدیدههای بحرانی در ستون و حتی ناتو) بحساب میآورند. امپریالیسم میبویست هر چه بیشتر به تنوعهای و بگرمسار و به جنبش آزاد بیشتر ملی و سعی و کوشش کشورهای جوان برای پیشرفت و راه استقلال و ترقی دست بزند. میان این قبیل وسایل و شیوههایی هم تشدید فعالیت های خرابکارانه و جاسوسی از نوع سیا، تدارک و انجام توطئهای ضد و نیشا، اقدامات خرابکارانه بر علیه نیروهای متحرک و نیروی و موکراتیک و عمليا شتروویستی است (۱).

امپریالیست ها از صرف نیرو برای تحکیم رژیم های ارتجاعی کشورهای که آنها را پایگاه و دژ خود میدانند دریغ نمیورزند. رژیم اسرائیل در خاور نزدیک، ایران در خاور میانه، جمهوری آفریقای جنوب در قاره آفریقا و سربل در امریکا را لاین را آنها از این نوع رژیم ها میدانند. باید یاد آور شد که همیشه ای حکومتی که برخی از این کشورها به اسلحه ای که از شرکتی خود میخرند قناعت نمیکند و صنایع جنگی برای خود ایجاد میکنند کمترین ترس و وسایل تنگی جد پد ازمها به ما گرفته تا موکراتیک (۲) نمیکند (۳). علاوه بر این اطلاعاتی در دست است که سربل و جمهوری آفریقای جنوبی (مانند اسرائیل) با هم اکنون سلاح هسته ای و را اختار دارند و با اینکه هروقت بخوانند میتوان شدت آنرا تولید کنند.

نیازی با اثبات ندارد که فروش اسلحه سود های کلانی عاید انحصارهای صنایع جنگی میکند. علاوه بر این فروش اسلحه یک منبع مهم بدست آوردن ارز خارجی برای کشورهای امپریالیستی است که گویان به پرداخت های آنها را به خود میبخشد. اگرچه در اسلحه در سال ۱۹۶۳ در ۴۹ میلیارد دلار تخمین زد میشود، در سال ۱۹۷۳ این مبلغ به ۲۰۹ میلیارد دلار رسید که بهترا عظام آنها متعلق به ایالات متحده امریکا بوده است. ولی در سال ۱۹۷۴ تنها کشورهای امریکا تا ۲۰۹ میلیارد دلار اسلحه فروخته، و در ۲۰۹ دلار در که در سال ۱۹۷۱ این رقم را به ۱۲ میلیارد دلار رساند. کشور های در حال رشد از جمله خریداران این اسلحه اند و این اقدام برخلاف ویزان برنامه های پیشرفت آنها است.

مسابقه تسلیحاتی و مصرف رساندن مخالغ سرسام آور برای اعلان در بالاترین سطح عظمت غنده تورم است که جهان سرمایه داران را هر چه عمیق تر فرا میگیرد. میزان تورم در برخی از کشورهای سرمایه دار به ۱۲ تا ۱۵ درصد در سال بالغ گردیده است. تورم، با وجودیکه اندیم به بالا رفتن سریع قیمت کالا های صنایع غیر جنگی همچون سرگرد، در عین حال کشورهای در حال رشد از جمله معدترین وارد کنندگان چنین کالا هائی هستند.

اجزای کمونیست کشورهای در حال رشد عواقب هلاکتی را به تسلیحاتی را یاد آور میشوند و در عین حال راهبهای شخصی رهائی از تراهم نشان میدهند. باور مثال در قیافه نامه سیاسی در همین کشور حزب کمونیست هند و ستان (سال ۱۹۷۵) گفته شده است: "باید تدبیر فوری نه فقط به منظور مرتفع ساختن خطر جنگ، بلکه برای بازسازی بنیاد میمنه مناسبات بین المللی برپایه پیوسته (۱) - اسناد و مدارک کمپین کنگره امریکا مأمور رسیدگی به فعالیت سیا هم از جمله بدین امرگواهی میدهند.

۲ - در سال ۱۹۷۵ موسساتی در اسرائیل وجود داشته که در اوپها های جنگی میساختند (۱) کارخانم سازنده موتور هواپیما (۳) مرما و موشک (۸) و مسائل الکترونیکی (۳) و تانک و زره پوشر (۴)، کشتی های جنگی (۴) کارخانه (۱).

مسالمتآمیز، همکاری برابرسود مند برای هر دو طرف اتفاق گردد. تا بدین ترتیب تضمین های سیاسی و اقتصاد یک صلح باید آورده و چیدن تمام پایگاه های نظامی و در سرزمین های خارجی تاخیر گردد.

شرکت در سابقه تسلیحاتی در وضع اقتصادی و اجتماعی تمام کشورها، خواه کشورهای پیشرفته و خواه در حال رشد تاثیر میبخشد. این امر اسرائیل همسوط میشود، زیرا این کشور کمکیای عظیمی از کشورهای سرمایه دار و میزبانی بزرگ بیرون جهان سرمایه دار در اختیار میگیرد. محافل حاکمه اسرائیل از سال ۱۹۴۸ تا حال بیشتر از ۳۰ بار بهای ارز خود را کاهش داده اند. اگر در سال ۱۹۴۸ فونت اسرائیل برابر با ۴ دلار بود، حالا در سال ۱۹۷۶ در مقابل یک دلار ۴۰ فونت اسرائیلی میدهند.

مسابقه تسلیحاتی که کمکی کشورهای پیشرفته به کشورهای جوان را محدود میکند مانع از آنست که فاصله سطح پیشرفت میان آنها کاهش یابد. باور مثال در سال ۱۹۷۰ میزان محصول گلی ملی سرانند کشورهای پیشرفته سرمایه دار ۱۲ بار بیشتر از کشورهای در حال رشد بود (۱) (کنکه این کشورهای پیشرفته ۲۰۹ میلیارد نفر است). این فاصله و اختلاف میان کشورهای نامبرده نه فقط کاهش نیامده بلکه بیشتر میشود. اکثر کشورهای جوان اند که "منطقه نفوذ بدستی" واقعی را تشکیل بدهند. افزاین در آمد سرانه در این کشورهای ۱۰ سال اخیر فقط یک دوازدهم رسیده در سال بوده است. در این کشورها هر ساله ۸۰ هزار نفر از گرسنگی و بدی تغذیه مزمن جهان میپایزند. در آفریقا از هر سه کودک یکی به سالگی نرسیده تلف میشود.

وضع فلاکتی کشورهای جوان اتحاد شوروی را به دست زدن بابتکار میموی و داشت و در ماه دسامبر سال ۱۹۷۳ حیث نمایندگی آن پیشنهادی در باره کاهش ۱۰٪ از هزینه های نظامی پنج کشور عضو اشی شورای امنیت و واگذاری بخشی از این مبلغ به کشورهای در حال رشد به بیست و هشتمین دوره اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه کرد.

علیرغم تصویب این پیشنهاد از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد کشورهای امپریالیستی نه فقط بدان عمل نمیکند، بلکه به کمر بستن و وقفه به هزینه های نظامی خود می افزایند. در سال مالی ۷۵-۱۹۷۴ بودجه ای با اسلحه امریکا ۸۰۸ میلیارد دلار بود در سال ۷۲-۱۹۷۵، ۱۰۲۷ میلیارد دلار بود. پنتاگون بدین امید است که طی سال مالی ۷۷-۱۹۷۶، ۱۱۲ میلیارد دلار دریافت کند. هرگاه تمام این بودجه را میان اهالی کشورهای در حال رشد تقسیم کنیم، به هر یک از آنها به از ۱۰۰ دلار میرسد. چنین اقدامی در آمد متوسط سالانه صد هاملین نفر را در کشور هائی نظیر اندونزی، بنگلادش، افغانستان و بسیاری دیگر در آن واحد و پدیدار میسازد جهان تنها در سال ۱۹۷۲ مبلغی برابر با درآمد ملی کشورهای جنوب و جنوب شرق آسیا و قاره آفریقا را به صرف تسلیحات کرده است.

مسابقه تسلیحاتی تنها جنبه اقتصاد و سیاسی ندارد. این مسابقه در محیط سیاست داخلی و در اوضاع کلی در این یا آن جهان نیز معانی تاثیر میبخشد. رژیم های ارتجاعی با دستبرد زدن به ساخت زندگی زحمتکشان در عین حال و طبق معمول آخرین مانده های آزادیهای و موکراتیک را هم از میان می برند.

تجربه ای تلخ ارتباط ارگانیک میان مسابقه تسلیحاتی و تشدید بد حالت امپریالیستی در کار های کشورهای در حال رشد را که اغلب با فعالیت تجاوزکارانه همراه است با کمال وضوح نشان میدهند. جریان جنگ های کره، هند و چین، تجاوز سگانه علیه مصر (سال ۱۹۵۶)، بهانه شدن نیروی

در پناه امریکا و آلمان و گسپل داشتن ارتشهای انگلستان به اردن (سال ۱۹۵۸) و نوا ایسر
اینها نشان دهنده این واقعیت است .

فاکت ها بر روشنی تمام بینگران نکته اند که کشورهای در حال رشد بلا واسطه و در امر مبارزه در
راه پایان بخشیدن به مسابقه تصالحاتی ، خلع سلاح کامل و همگانی و صلحی استوار و سعادتمندانه
نیفتند .

جلب خلقهای کشورهای نوحه است به جنبش تحقق بخشیدن به این هدفها و ناساند و ستانه
و استفاده از وزن و اعتبار روز افزون آنها در موپین الطلی بمنظور فوق ازوف ایف تاریخی کومنیست
ها است .

تاریخ تکرار میشود

ل . واسیلیف

تناسب نیروهای سیاسی که در ده سال در یک سلسله از کشورهای جنوب غربی اروپا یک حال
مانده بود اینک به شدت تغییر کرده است . این تغییر معمولی است که به چپ انجام گرفته است .
اشتراک کومنیست ها در امر رهبری زندگی ملت ها در دستورها روز قرار گرفته است . حتی ایدئولوگ
ها و سیاستمداران امپریالیسم آشکارا با چپ آمدن این پدیده همانقدر در زمانه اجتناب ناپذیر
است که در ایالتها . حتی آنها اعتراف میکنند که برای برطرف ساختن این آمدن های دیکتاتوری
فاشیستی تقریباً حزب کومنیست در اسپانیا هم همانقدر ضروری است که ایفای این نقش در بریتانیا
ضرورت دارد . خود ما در مردم هرچه فعال تر کومنیست متراکمتر در هاستیانی میکنند و این پشتیبانی
تنها در اروپای "لاتین" جلوگیری نمیشود . اگر اعتبار کومنیست ها به میزان فراوانی در دیگر کشورهای
اروپای غربی هم افزایش یافته است .

احزاب مارکسیستی - لنینیستی همانند دسته اصلی اتحاد نیروهای مالم ملت تعامل میکنند .
استراتژی آنها با رویکردهای مانگرواستیانی اکثریت رحتشکن یعنی پایان دادن به قدرت مطلقه
انحصارها و بهر شکلی سرمایه داران و هموار کردن راه بسوی سوسیالیسم است . از این رو است که
موقعیت های سیاسی کومنیست ها بر روی راضی میکند . نوره های امید در پیروزی پیروزی برای گویز
از امکانات هرج و مرج اقتصادی و فقر و فلاکت اجتماعی که همراه باشد بدترین بحران ها سرمایه داران سال
های ۲۰ بیارزیده به خاموشی میگراید . این پدیده را اس از خود بخود میشود ، نمره میکند و بدین توجه
به موازین اخلاقی و ایدئولوژی خود و برخلاف موازین و قوانین خویش عمل میکند .

امپریالیسم ایالات متحده امریکا بطور صریح به کشورهای اروپای غربی هشدارهاش را می دهد که وجود
کومنیست ها را در آراگنهای واقعی رهبری دلت های آنها تحمل نخواهد کرد . اگرچه فشار خشونت آمیز
آنموی اقیانوس موجب اعتراض بالا جباری می آید و دول بورژوازی شد ، به آوری که مایه ها خشمید هندی
در واقع امر بر روی آتلانتیک پل و پلها تنگی بوجود آورده شده که روی آن ماهها است تبادل نظر
برتب و تانی جریان دارد . هدف از آن یافتن راهی برای این است که " چگونه از پیروی کومنیست
ها جلوگیری بعمل آید " . در این گیر و دار آنها توهم کتاماده است همیشه در روکش ها ها هنگ طلیسه
نیروهای چپ و کومنیست ها یکدست باشد ، بیگانه نشسته است . کارچانی رسیده که برخی از رجال
اروپای غربی بدون اجازه میدهند این فرمول و آشکارا به زبان آورند که : " راه دادن و بار آمدن
کومنیست ها در دلت مسئله است که باید در روشتن حل و فصل گردد " .

بدین ترتیب از یک سو و از آشکاروشدن به آزادی زندگی سیاسی ملی در کشورهای دیگر و بسوی
دیگر آزادی شایسته برای زیربنای این آزادی چشم میخورد . اعلامیه ها و پراخه ها در باره
احترام به حقوق ملی خلقها بدست فراموشی سپرده شده است . سرمایه بین الطلی حالا دیگر
فرصت و مجال احترام گذاردن به اصول دست و پا گیر ندارد . در لحظاتی که خطری منافع بنیادی

آنهاست بد میکند نقاب تبلیغاتی را از چهره بر میدارد و سرشت زاندامی خویش را بر میزند هد .
 سرمایه انحصاری به همین سادگی بهاراحتی خیال سوگند های ایدئولوگ های خویش را که
 امانت میدهند و مکرر اسیر بورژوازی احترام به آزادی انتخاب کنندگان را تضمین میکند و مانع این
 میشود که هرگز تمایلات سیاسی خویش را بر آزاد اراده نگذارد . این واقعیت انکارناپذیری
 است که فکراندگان بورژوازی تلالن فرانسه پیشاپیش خواستار آنند که اگر انتخابات سال ۱۹۷۸
 چپ ها بر آنها پیشی گیرند نتایج انتخابات طغی اعلام گردد . این هوا واقعیت است که در جریان
 انتخابات اخیر ایتالیای کارگران و اتحادیه های مرتبط با تولید هائی را که موافق کمونیست ها هستند نه فقط
 با جرایم آسمانی بلکه با مجازات واقعی و درونی زمین یعنی اخراج از گلیساتن بد میکردند .
 این هم واقعیت دیگری است که نمایندگان احزاب محافظه کار اروپائی غربی که برای شرکت در رکنگره
 اتحاد و موکرات مسیحی جمهوری فدرال آلمان در یکجا جمع شده بودند بایستی اعتنائی و تمسخر
 بهمنافق و وفل سلیم بالا غنائی میگفتند که ایدئال آنها یعنی " دموکراسی چند حزبی برای همه " .
 در درجه اول یعنی تسویه حساب با جنبش کمونیستی است .

در جبهه دیگری علیه کمونیست ها ارتجاع جهانی دیپلمات های پیمان آتلانتیک و ژنرالها
 سوداگران و زمینمن ها ، مذهبین خرافاتی و متعصبان ، فاشیست های مارکدار و ماجراجو ... و آن
 " چپ " را بر سرچرخ خود گرد آورده است . ارتجاع جهانی به تزلزل و کورده لی سوسیال دموکراسی
 امیدوار است و به خدمات لیبرال ها و وحشت زده و احوال و روحیه بازاری و تنگ نظری که در پیشانی
 از رختکنان وجود دارد دل بسته است .

" شعی در سراسر اروپا در گشت و گذار است . شیخ کمونیسم ، تمام نیروها را اروپائی که پس
 برای جبهه مقدس بر علیه این شیخ متحد شده اند . . . " . این سطور " مانیفست حزب کمونیست "
 پر از ۱۲۸ سال چنین مضمینی دارد که بنظر می رسد بران شماره فوق العاده روزنامه های امروز نوشته
 شده است . البته بعد از آن کمونیسم مدتهاست دیگر شیخ بی جسمی نیست . کمونیسم اینست که
 قابل اجتماعی و سیاسی زنده و سوسیالیسم کنونی رووند انقلابی جهانی تجسم یافته است . نیروها
 جهان که نه هم تغییر کرده است ، امپریالیسم برای دفاع از نظام محکوم بزوال چنان منابع تکنیکی
 اقتصاد و سیاسی و ایدئولوژیکی را یکجا میگرد که اتحاد بورژوازی ماقبل انحصاری و شاهان فئودال
 هم از ترس خواب نمیدید . ولی تاریخ تکرار میشود .

تاریخ در این بدیده تکرار میشود که این قانون خال ناپذیر هزاره طبقاتی مانند گذشته خود را
 نمودار میسازد که وقتی بی وینا بهره کشی طبقات استثمارگر شروع به فروپاشی میکند ، آنان بسی
 در رنگ اختلاف طبقاتی خود را در بار تمایلات و عادات خصوصی فراموش کرده و به فکر خواست مشترک
 سرمایه اشان را فرامیگیرد و آن وحدت بر علیه کمونیست ها است . و این هم بنوعی خود یعنی وحدت
 علیه تفرق اجتماعی و دموکراسی و بر علیه توده های مردمی است که خواستار نوسازی قاطع زندگانی
 اجتماعی هستند .

تاریخ تکرار میشود و این نکته را از نوبت باید میکند که هر قدر هم بحران جامعه بورژوازی عمیق باشد
 باقیه حاکم آن هیچ وقت را و طلیانه بطور جدی و محسوس از مواضع خود عقب نشینی نمیکند و تسلیم
 هیچ نوع بحث و گفتگوئی نمیشود . چنین میگفت : " نه ، زمین اینها و خوشبخت ساخته نشده است ،
 استثمارگران ، ملاکان درنده خود باقیه سرتاپه را بر افتاد تسلیم نمیشوند . . . هر قدر رفقا با بقایات
 ستکنش شد بدتر باشد ، هر چه این هدف نزدیک تر میشود که هر نوع ستم و استثمار را و از گسبون
 کنند . . . مقاومت استثمارگران بیشتر میشود " (۱) .

در فرانسه، انگلستان، چکوسلواکی، در کشورهای اسکاندیناوی، ایالات متحده آمریکا، در ونزوئلا، در افتاده و دیگر کشورهای آمریکای لاتین، هیئت‌های چندین هزار نفره و مجامع همگانی تشکیل می‌شد. کمیته‌های کمک بوجود می‌آمد برای ضد فاشیست‌های اسپانیایی و مسائل مختلف جمع آوری می‌شد. فقط طی در سال جنگ داخلی در اسپانیا در ۱۸ کشور جهان بمیزان ۸۰۰ میلیون فرانک افزایه، در اروپا سرگرد آوری و اسپانیا ارسال گردید.

رومن رولان در سال ۱۹۳۶ چنین نوشت: جامعه بشری (جامعه بشری) ترا مخاطب قرار می‌دهد! شمار مردم اروپا و آمریکا به کمک به اسپانیایی‌ها می‌خواهد! به کمک به ما! بدوستان! اگر حکومت ... فردا، هر آنچه را دوست نداشتید ... بنویسید خود نابود خواهد شد" (۱). افراد ضد فاشیست تمام قاره‌ها دست کمک در راه بنویسید جمهوری اسپانیا را بزرگند. از مبارز مردم اسپانیا در کشورهای سرمایه داری در درجه اول تمام کارگران و همگام با آن اکثریت قریب به اتفاق روشنفکران رشته‌های هنر و ادبیات و علم و فن، دانشجویان و استادان دانشگاه‌ها بدون قید و شرط پشتیبانی می‌کردند.

آلبرت اینشتین، فردریک زولیکورن، پل لانژون، لوئی آراگون، هانری باربوس، ژان پل سارتر، بلوک، ایل وایمان کورتیه، آندره مالرو، فرانس مازیل، هانس برنمان، توماس مان، پد رسون، ارست همنگوی، آرنولد تسویگ و بسیاری دیگر از بهترین نمایندگان دانش، ادبیات و هنر جهان با پیوستن و فعالیت‌های روزانه خویش به ضد فاشیست‌های اسپانیا کمک می‌کردند.

در جنبش همبستگی بین المللی با اسپانیا در کشورهای سرمایه داری کمیونست‌ها نقش قاطع داشتند، زیرا اکثر اسپانیایی‌ها هم برای آن‌ها به مفهوم انتزاعی، بلکه عقیده‌ای استوار و شیوه تفکر و آزادی و راه مردم زندگی روزانه است.

هاری پلویت بدین صفت چنین نوشت: "آندسته از دوستان اسپانیا که عضو حزب کمیونست نیستند مرا خواهند بخشید که با چنین افتخاری از خدمات تمام شعبه‌های اکثر اسپانیایی‌ها در پشتیبانی از دولت اسپانیا سخن می‌گویم. بدون وجود این اکثر اسپانیایی‌ها مبارزان انقلابی آید می‌دهد و با انضباط کمک مادی و معنوی به اسپانیایی‌ها کمک کامل نماید" (۲).

هنگامیکه شور و شوق فاشیستی نباشد، نمایندگانی کمیته اجرائیه کمیتز که در اسپانیا بودند بسیاری تجویز می‌کردند مردم به رهبری حزب کمیونست اسپانیا کمک کرد. بعد از هرگز از جلال مشهور کمیته اجرائیه اکثر اسپانیایی‌ها کمیونستی و برخی از احزاب با کمیونست به اسپانیا فرستاده شدند. در سال ۱۹۳۷ با محوریت‌های وارد اسپانیا شدند و نمایندگانی کمیتز بدین صفت فراخوانده شدند و روزی به رهبری کمیته هم آهنگی کمک به جمهوری اسپانیا که در بارش بود به ۷۰۰ کود و پیل و آگذا ر گردید.

در واقع هم با رشد کارهای سازمان دادن به جمع آوری ادولیان، اعزام آن‌ها به خارج و ورود به اسپانیا با وجود مرزها و سد‌های ایلی بیشمار کشورهای سرمایه داری، بدو حزب کمیونست‌ها کشورهای گوناگون و کمترین بطور کلی قرارداد داشت.

درک این واقعیت از طرف نیروهای دیگران که سراسر جهان که جنگ بر علیه مردم اسپانیا که بدست فاشیسم بین المللی شعله‌ور شد مرحله اول تحولات بر علیه خلق‌های اروپا است به افزایش

مقیاس و تعمیق مضمون کمک اکثر اسپانیایی‌ها بدست جمهوری اسپانیا منجر شد. جریان ورود دسته جمعی ادولیان به سلاح بدست زهرشمار، در راه آزادی و شعار آزادی

به جنگ بر علیه فاشیسم اسپانیا و جهان برخاسته بود بدین اسپانیا آغاز کرد. کوششی لوگو خاطر نشان ساخت که تشکیل گروه‌های "برگردان‌های" اکثر اسپانیایی‌ها به انگارند به جنبه فاشیستی خلق بود.

پیش از کاندانی نیروهای کمیتز که سازمان دهنده رساندن خون به زخمی‌ها بود و بدین ترتیب جان بسیاری از آنان را نجات داد و بحق قدرشناسی و شهرت جهانی بدست آورد، در یاد داری‌های خود درباره جنگ اسپانیا چهره افراد ادولیان را در اولاد آزادی را از افراد گروه‌های اکثر اسپانیایی‌ها را در آستانه این راه می‌دیدند (بخصوص ترسیم کرده است. یکی از زندگان را مستقیماً از میدان نبرد به بیمارستان گیارالا بار آوردند. سروصورت‌ها بدید و او غرق در خون بود. قطعه‌ای از خمسه به چشم او احداث کرده بود. بجای یک دست که قطع شده بود مقداری باند آویزان بود، پزشکان برای عمل کردن دست دیگر خود را آماده می‌کردند. او با صدای آهسته‌ای که برحمت شنیده می‌شد گفت: "در روز بهتر من در صحن بودم، فقط سه روز است که به اسپانیا آمده‌ام، به اسپانیا آمده‌ام و بلافاصله به جنبه رفتم. نخستین جنگ من بود و حالا من دیگر قادر نیستم که به هیچ‌چیز برافرازم. کیم من موفق نشدم هیچ کاری انجام بدهم". بشخص می‌نویسد: "ما به یکدیگر نگذاشتیم که هیچ کاری انجام نداد (چهارم می‌نویسد) چه مراد انگلی (چه روحی) اما روحی افراد گروه‌های اکثر اسپانیایی‌ها این چنین است. از همه هزارتن افراد معصوم و بی‌گناه بگریه و بدو شان نفسی اند می‌شدند، از خود گذشته اند و یک سخن از مصیبت آید و اند جان خود را فدای دوستان کنند. بزرگ‌ترین عشق برای انسان وجود ندارد" (۱).

در صف گروه‌های اکثر اسپانیایی‌ها کمیونست‌ها و نویسندگان اسپانیا، لیرال و اوغیر چنین‌ها کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها، نزدیک به ۴۰ هزار تن نمایندگان ملیت‌های گوناگون از ۵۰ کشور جهان می‌جنگیدند. بهمن هزار نفر از آن‌ها با کشته شدند، با درازتر زخمی‌ها می‌شدند و با سر بریده نیستند شدند.

۲۳ سپتامبر سال ۱۹۳۸ دولت جمهوری گروه‌های اکثر اسپانیایی‌ها را از جنبه فراخواند (۲). اسپانیایی‌ها بخون آغشته آنان را بدین مخاطب قرار داد: "برادران! تا بدو از یک فرزند تمام خلق با تمام نژادها! شما همانند برادرانند پسران اسپانیا، جادوان بنده ما آمدید ... رفقا اکثر اسپانیایی‌ها (۳). شما می‌توانید بدو بهالید: شما بدو تاریخ هستید، شما افسانه‌ها، شما نمونه فرمان آسانی همبستگی روح و موکراسی جهان‌شمولید" (۳).

مردم شوروی، خلیاتان و فاشیست‌ها، میهن‌دستان استحقاقات و ارتباط و معاشرت، کارشناسان نظامی و مترجمین در زمین و آسمان اسپانیا با آلودگی شکی می‌جنگیدند. تعداد آن‌ها در حدود سه هزار نفر و نزدیک به ۲۰۰ تن از آنان جان سپردند. در شرف خود یک بدید اکثر اسپانیایی‌ها است. بهمن جمعیت ۵۱ نفر از ادولیان شوروی که در جنگ اسپانیا به آزادی بزرگان متغیر بودند به دریافت لقب قهرمان

۱ - "The Canadian Tribune", November 30, 1964.

۲ - این تصمیم باعث به پیشنهاد کمیته بدو اخذ لندن درباره ساختن ادولیان خارجی اسپانیا بود. از آن زمان که اولین بار در دولت شوروی با آلودگی از بدو نقشه فراه و آند را نشان می‌دادند با ادولیان امتناع ورزید زیرا می‌توانست به دشمنان شوروی مردم را فریب دهد. ۳ - اسپانیا، روزی ۳۰۰۰۰ نفر به اسپانیا فرستاده شد. ۴ - اسپانیا، روزی ۳۰۰۰۰ نفر به اسپانیا فرستاده شد. ۵ - اسپانیا، روزی ۳۰۰۰۰ نفر به اسپانیا فرستاده شد.

۱ - رجوع کنید به ر. ایباروری، یگانه راه، مسکو، اداره نشریات سیاسی دولت، ۱۹۲۲، صفحه ۳۴۴.

۲ - نقل قول از کتاب "همبستگی خلق با اسپانیایی جمهوری"، مسکو، سال ۱۹۷۲، صفحه ۱۰.

اتحاد شوروی نایل شدند. یک بلغاری که به شوروی مهاجرت کرده بود بنام زاخاری زاخاریسوف پیرمچیلی ایتالیائی، ارنست شاخت آلمانی هم از جمله آنان بودند. ۱۹ نفر از این ۵۹ نفر عنوان قهرمان اتحاد شوروی را پرازد زود زندگی گرفته بودند.

دولت اسپانیایی خطاب به مردم شوروی آتروها نوشت: "شعاری را از اسپانیا بودید... اما با وجود این انعکاس صوتی را به ما بشما هم رسید. شما با دل و جان بندهای ما پناخ دادید و به ما گفتید: "در برابر محکم و استوار باشید. روحیه خود را از دست ندهید. بیاد داشته باشید گیسو ۱۷۰ میلیون تن بگوشه و فرزند ان شما هستند." و در آئینکام، رفقا، نیرگی و ولایت از برابر دیدگان ما رخت بر بست. راه ما معلوم و روشن شد. اسلحه ما هم به نیروی فنی ترشانه میگرفت. مردان ما در لهرتوزان ما از خود گذشته تر شدند" (۱). اکثریت متابعی ضد فاشیست های اسپانیاد را همین احصاءات شریک بودند.

دو طلبان آزادی، هنگام ترک اسپانیا سوگند یاد کردند که تا آخرین روز زندگی نسبت به اندیشه‌هایی که در راه آن در عرصه مبارزه بر زمین و آسمان می‌جنگیدند وفادار بمانند. آنها سوگند خود را با خون خویش، در دوران نبرد با فاشیسم آلمان در صفوف ارتش سرخ و در گروه‌های پارتیزانی بلوروسی و اوکرائین، در کارهای فاشیستی در اردوگاه‌های مرگ هیتلر، در جنبش مقاومت بلژیک، ایتالیا، فرانسه و دیگر کشورهای که در اشغال فاشیست هاید، جاودانه ساختند. قهرمانی انترناسیونالیستی دو طلبان آزادی و تمام ضد فاشیست‌هایی که بنگ جمهوری اسپانیا شتافتند سر مشق قهرمانانه خود را تمام و کمال برای نسلهای کنونی مبارزان انقلابی تمام قاره‌ها حفظ کرده است.

این نکته ای عقیق با روزنومه‌ها راست که فن نبرد و جنگ آوری را به فیدل کاسترو و گروه قهرمانانی که تحت فرماندهی او بودند، "گروه گرانما" و یکی از مبارزان کارآموز و جنگ اسپانیا یعنی آلبرتو باباویوخت، رویدادهای اسپانیا آگاهی سیاسی ارنستوچه گوارای جوان را شکل داده و تکمیل بخشیدند. شعارهای نبرد دلاورانه پشت دیوارهای مادرید: "آنها را راه نخواهیم داد!"، "استاد مردن بهتر از زنده ماندن و زینتن است!"، "در روزهای پرحادثه پلاک‌های سبیل ایمان کوبی انقلابی به پیروی شدند."

همین چند ی پیش هم رویدادهای قاره آفریقا، آنجا که کشورهای سوسیالیستی و در رتبه اول اتحاد شوروی و کوبا که همواره به اصول انترناسیونالیسم پروتزی صادق و وفادارند، همانند تمام نیروهای مترقی جهان به کمک آنکولا که در راه استقلال خودی جنگیده آمدند، یادآور این نمونه قهرمانی شدند. نبرد با ارتجاع امپریالیستی و فاشیسم هنوز پایان نرسیده است. سر مشق جمهوری اسپانیا و قهرمانی انترناسیونالیست‌ها، مانند گذشته شرکت کنندگان در مبارزه انقلابی امروز را الهام و تمام می‌بخشد.

لینا آرگشتی: ازبانوانی که در جنگ ملی انقلابی در اسپانیا شرکت کرده است.

پیشروی انقلاب در آفریقا

سمت گیری سوسیالیستی تثبیت میشود

مادر این شماره مجله ضمن ادامه انتشار اخبارات نمایندگان رژیمهای ترقیخواه آفریقا در صفحات مجله مسائل صلح و سوسیالیسم متن‌ها به خبرنگاران خود را با درمیان گینه و اتسویی منتشر می‌سازیم. انقلاب در گینه قریب به سی سال است که راه رشد خود را می‌پیماید، در حالیکه از انقلاب اتسویی هنوز دو سال هم سپری نشده است. رهبران این کشورها نسبت به مسائل که در کشورشان مطرح میشود نقطه نظر و برخورد های متفاوت دارند و از طرف مختلف به حل آن مسائل می‌پردازند. نظرات رهبران این کشورها درباره حزب و سازمان زندگی سیاسی متفاوت است ولی رژیمهای هر دو کشور می‌کشند بر اصول سوسیالیسم علمی متکی باشند.

حزب - دولت - خلق

لان سانامپانه عضو نیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکرات گینه، بازرسی کل حزب و وزیر دولت جمهوری گینه.

پرسش - بنظر شما از حوادث آنکولا برای آفریقا و سازمان وحدت آفریقا چه نتیجه گیری‌هایی میتوان کرد؟

پاسخ - گینه در این رویدادهای رزمینه دیپلماتی، سیاسی و حتی نظامی به وفور فعال شرکت نمود. ما واقعاً خود میدانستیم که نتایج امپریالیست‌ها را که تلاقی داشتند و آگاهی استقلال به آنکولا را به شکل تازه‌ای از وابستگی تبدیل کند، مقیم بگذاریم. خدمتگزاران گوشت پرمان امپریالیسم از قضا حلقه نبروت برای اسارت جد به آنکولا رزمینه فراهم میکردند. مداخلات مسلحانه نیروهای نظامی رژیم نژادپرست جمهوری آفریقا و جنبش بهمن‌خواه سازمان داده شد. اقدامات گینه در جریان بحران آنکولا نتیجه مواضع اصولی آن پناش از اندیشه و اقتصادات انقلابی و وفاداری عقیق آن نسبت به دموکراسی، آزادی و قبول بدون قید و شرط احترام به اراده تمام خلقها بود.

امپریالیسم نمیتوانست نسبت به این مسئله که در تعدادی از کشورهای آفریقا رژیمهای انقلابی استقرار یافته است بی‌اعتنا باشد. امپریالیسم بدون درنگ با استفاده از سلاح "اختلال در ثبات" یعنی ایجاد تفرقه در سازمان رژیمهای مترقی و کودتا بر علیه مأموران به راست، "تاسیس تکامل تاریخ" را نمیتوان متوقف کرد. امپریالیسم زیر ضربات مشترک خلقهای کشورهای سوسیالیستی، نیروهای ترقیخواه کشورهای سرمایه داری و توده های مردم در کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکا و لاتینسم عقب نشینی میکند. گواه این امر شکست آن در مستعمرات پیشین پرتغال و بقدم بر همه آنکولا است که امپریالیسم تلاش میکرد از رشد پروسه انقلابی در آن جلوگیری بعمل آورد.

در نتیجه رویداد های آشکارا وضع بحرانی پیدا آمد . سازمان دادن سریع وحدت عمل تمام دولت های افریقایی که "ام.پ.ال." را که مانگوارا ده افریقا است و با قاطعیت در راه استقلال میكوشد برسمیت می نشاند ضروری بود . احساسات افروزی و صیقل پرستی خلق های این کشورها می باید به نیروی سیاسی تبدیل شود که بتواند به "ام.پ.ال." و آشکارا لحاظ مالی ، منابع مادی و کارشناسی نظامی و ادار و فنی باری کند . در این زمینه میزان شایان توجهی موفقیت حاصل شد . امپریالیسم که ارتش جمهوری افریقای جنوبی را به یاری داده و با خود بخاطر رفت ، انقلابیون آشکارا هم توانستند برای گرفتن کنترل و ستان واقعی خود روی آورند . ارتش جمهوری افریقای جنوبی ناگزیر به فرار شد . مواضع امپریالیسم در افریقا بیشتر از پیش متزلزل و مستعد (۱) .

حوادث آشکارا نشان داد که ارتش نظامی پرست جمهوری افریقای جنوبی قادر نیست در برابر ارتش رهایی بخش ملی با سازمان خوب و نظامی پادار کند . ولی این حوادث همچنین گویای این مطالب است که کشورهای افریقا باید هشیار باشند و فعالیت در این باره امپریالیسم علیه کشورهای جوان را بطور مستقیم نباید بر ملا سازند . خود سازمان وحدت افریقا باید بین سازمان ضد امپریالیستی تبدیل شود . این سازمان بر حسب مرشد خود میبایست چنین سازمانی میبود . ولی فعلا خلعت ضد امپریالیستی آن همیشه با روشی بیرونیست . اما باید در این را بگویند و همه میبایست لازم را در این راه بکار گیرند . به عقیده ما این مطالب حائز اهمیت است که در درون سازمان وحدت افریقا نفوذ و تأثیر دولتی انقلابی افزایش باید تابانند مانند هشتم شرقی سازمان عمل کنند و هر چه بیشتر تعیین کننده خلعت و سیاست آن باشند . درست همین پیکان نبودن ساخت سیاسی واید طولی و سازمان وحدت افریقا نسبت به خلعت پروسه انقلابی در قاره است که در اختلاف ناهماهنگی اعضای این سازمان در مورد مسئله آشکارا بروز کرد . و شاید پروسه انقلابی عبارت از آنست که در راه وحدت افریقا بگویند و مگر افریقا به پایچه این درست امپریالیست تبدیل خواهد شد .

پروشر - جالب ترین جنبه های زندگی گینه معاصر از چه قرارند ؟

پاسخ - آنچه مقدم بر همه چیز وضعیت کنونی گینه جالب نمونه و راست عبارتست از مردم رانست بران رهایی از وابستگی خود در تائین و وابستگی . شده اما این است که سرزمین گینه باید خلعت را بخشد به گینه . در برابر بصورت مائیتوایم بگویم که در واقع در این کشور در این اوضاع سیاسی به کشورهای سالنامه معادل ۵۰ تا ۶۰ میلیون دلار است . این ارزش خارجی از مالیات محصولات طبیعی بدست میاید که شرکت های خارجی که مواد خام معدنی کشور را استخراج میکنند ، بدان متصدان می نمایند . تمام این مبلغ عملا برای خرید برنج از خارج مصرف می شود . اکنون دولت چنین هدفی در برابر خود قرار داده است که تا دو سال دیگر گینه باید حتی یک کیلوگرم برنج ویا مواد غذایی مهم دیگری را از خارج وارد کند . اما میزان دارم گفتوایم به این هدف نائل آئیم . در سال ۱۹۷۲ گینه سالانه ۶۰ هزار تن برنج وارد میکرد ولی در سال ۸۰ ری فقط ۱۰ هزار تن برنج از خارج خریداری می شد .

برای اجرای و تأیید یک در برابر ما قرار گرفته ، امروزه اوزن باید گانهیزه شود . اقداماتی برای

۱ - ضمن دیدار سازمان و روسا دول و کشورهای گینه ، کوبا ، آشکارا گینه به مسائل و اهمیت از نظر سیمونالیم پروتشی که در شرکت مداخله امپریالیست و از راه پیروزی و آشکارا نقش قاطع داشته است . خادار نشان گردید . رهبران این کشورها در این جلسه سیاست های عمیق خود را به گره های سوسیالیست و در برابر آنها از اتحاد شوروی و همه قلهای ترقی خواه در جهان اختصاصی روشی آنها با یکبار خدای آشکارا برابر داشته اند . (هیئت تحریریه مجله مسائل صلح و سوسیالیسم) .

حاصل خیزش کردن زمین بعمل آید و بیشتر تعاونی گسترش یابد . این کار در مدت اوج خسته وضع تجدید کننده اوزن با وسائل مکانیکی بهبود یافته تعاونی ها تولید نا مبرم می شود . تشکیل این تعاونی ها به تناسب تائین بیشتر کشاورزی با وسائل فنی گسترش می یابد زیرا جلب دهقانان به تعاونیها کشاورزی برپا به ابزار کشاورزی گسترش می یابد . البته در این راه دشواریهای بزرگی موجود است ولی حزب عزم را شش دارد و میدان از خط مشی این گمراهی میروی کند .

یکی دیگر از تأییداتی که جمهوری در برابر خود قرار داده بهره بردار از منابع عظیم ثروت های طبیعی است . چنانکه معبد اند استخراج بوکسیت در کشور ما توسعه یافته و اکنون ما سالانه شش میلیون تن بوکسید استخراج می کنیم و این مقدار را به ۱۰ میلیون تن خواهیم رساند . درنتیجه خوب خاوری کشور ما غنی ترین منابع سنگ آهن موجود است . سد بزرگی روی رود کنکوره ساخته می شود تا موسساتی را که در آئینده ساخته خواهد شد با نیروی برق تائین کند .

و آنچه دیگری نیز مطرح شده است از جمله گوشت برای افزایش سود موسسات صنعتی بخش دولتی است . ولی اکنون مسئله عده برای اعطای ساخت کشاورزی است . به نظر ما باید سازمان دهی تولید و با لای بردن ساخت معلومات کارشناسان فاضل گامیابی در اجرای این و آنچه می باشد . در دوران اعتدال بیشتر رهاش بخش ملی در گینه موقوف شدیم مردم را در این سازمان واحد مشخص شده سازمان - سپهر ما ساختار بیشتر رهاش بخش ملی را که هدفش بدست آوردن استقلال بود به سازمانی به شکل حزب که دفتر ساختار سازمان سوسیالیسم است تبدیل کردیم . در حال حاضر انقلاب گینه مرحله ای گام نهاده که ما آنرا " حزب - دولت " می نامیم . ماهیت این مرحله از چه قرار است ؟

پاسخ - این حزب با مردم باید در پیروسی و حل تمام مسائل مربوط به زندگی کشور شرکت کنند . نقش حزب آنست که امکان استفاده واقعی شود و در وسیع مردم از این حق را تائین سازد . حزب به نحوی اندیشه و آگاهی مردم و دولت یعنی کار و نه الهیت مردم . پروتشت احمد سکوتوره و بزرگ حبیب و موکرات در برابر الحاق انقلاب گینه می نویسند : " حزب - دولت یعنی در هم آمیزش دولت به منزله کار و افراد " (۱) .

تشکیلی خلقی و حزب بمنزله کار و افراد سیاسی خلق " (۱) . این تأیید در حقیقت بعضی در هم آمیزش سازمانهای حزب و دولت در یک سازمان واحد حکومت انقلابی است که و آنچه سیاسی و ادار را با هم با هم در پی انجام می رساند و بدین وسیله مسئولیت ارگان های پائین تر را گسترش میدهد (۲) .

1 - A. Sekou Toure. Strategie et Tactique de la Revolution.

Tom. XXI 2-ème ed Conakry 1976 p. 167.

۲ - پروتشت احمد سکوتوره در این مورد آید : " امروزه سیستم سیاسی مؤثر را باید گینه که " باید فعالیت تمام ارگانها را در اوقات حزب و دولت گینه " را در پیگیرد (همان کتاب ص ۱۱۱) و می نویسد : " ناهرت سیاسی باید هر چه جنگی تصمیم گرفته و در ساختار مختلف را به تصمیماتی که ارگانها بر عاقل اتخاذ می شود و تائین سازد . . . ارگانها ملی سراسر کشور مانند کنفرانسی ، مجله فقه و شورای ملی انقلاب تصمیماتی اتخاذ میکنند که برای ارگانها و ادارات و رکن و رکنی اجراست . به علاوه تائین تصمیمات نباید و تصمیمات به تصمیمات دیگر که از طرف ارگانها تائین اتخاذ شده در تضاد قرار گیرند (ص ۱۱۱) (۲) " ناهرت سیاسی باید با ناهرت مالی و ادار و فنی تشکیل شود . (ص ۱۱۲) . سکوتوره بدین نتایج بهر آن عوامل متشکل ناهرت گرسبایی یعنی بازرسان حزبی که باید این نقش را بر عهده بگیرند . گنده است ناهرتیانی را می دانست (ص ۱۳۰) (۳) (۴) (۵) (۶) (۷) (۸) (۹) (۱۰) (۱۱) (۱۲) (۱۳) (۱۴) (۱۵) (۱۶) (۱۷) (۱۸) (۱۹) (۲۰) (۲۱) (۲۲) (۲۳) (۲۴) (۲۵) (۲۶) (۲۷) (۲۸) (۲۹) (۳۰) (۳۱) (۳۲) (۳۳) (۳۴) (۳۵) (۳۶) (۳۷) (۳۸) (۳۹) (۴۰) (۴۱) (۴۲) (۴۳) (۴۴) (۴۵) (۴۶) (۴۷) (۴۸) (۴۹) (۵۰) (۵۱) (۵۲) (۵۳) (۵۴) (۵۵) (۵۶) (۵۷) (۵۸) (۵۹) (۶۰) (۶۱) (۶۲) (۶۳) (۶۴) (۶۵) (۶۶) (۶۷) (۶۸) (۶۹) (۷۰) (۷۱) (۷۲) (۷۳) (۷۴) (۷۵) (۷۶) (۷۷) (۷۸) (۷۹) (۸۰) (۸۱) (۸۲) (۸۳) (۸۴) (۸۵) (۸۶) (۸۷) (۸۸) (۸۹) (۹۰) (۹۱) (۹۲) (۹۳) (۹۴) (۹۵) (۹۶) (۹۷) (۹۸) (۹۹) (۱۰۰) (۱۰۱) (۱۰۲) (۱۰۳) (۱۰۴) (۱۰۵) (۱۰۶) (۱۰۷) (۱۰۸) (۱۰۹) (۱۱۰) (۱۱۱) (۱۱۲) (۱۱۳) (۱۱۴) (۱۱۵) (۱۱۶) (۱۱۷) (۱۱۸) (۱۱۹) (۱۲۰) (۱۲۱) (۱۲۲) (۱۲۳) (۱۲۴) (۱۲۵) (۱۲۶) (۱۲۷) (۱۲۸) (۱۲۹) (۱۳۰) (۱۳۱) (۱۳۲) (۱۳۳) (۱۳۴) (۱۳۵) (۱۳۶) (۱۳۷) (۱۳۸) (۱۳۹) (۱۴۰) (۱۴۱) (۱۴۲) (۱۴۳) (۱۴۴) (۱۴۵) (۱۴۶) (۱۴۷) (۱۴۸) (۱۴۹) (۱۵۰) (۱۵۱) (۱۵۲) (۱۵۳) (۱۵۴) (۱۵۵) (۱۵۶) (۱۵۷) (۱۵۸) (۱۵۹) (۱۶۰) (۱۶۱) (۱۶۲) (۱۶۳) (۱۶۴) (۱۶۵) (۱۶۶) (۱۶۷) (۱۶۸) (۱۶۹) (۱۷۰) (۱۷۱) (۱۷۲) (۱۷۳) (۱۷۴) (۱۷۵) (۱۷۶) (۱۷۷) (۱۷۸) (۱۷۹) (۱۸۰) (۱۸۱) (۱۸۲) (۱۸۳) (۱۸۴) (۱۸۵) (۱۸۶) (۱۸۷) (۱۸۸) (۱۸۹) (۱۹۰) (۱۹۱) (۱۹۲) (۱۹۳) (۱۹۴) (۱۹۵) (۱۹۶) (۱۹۷) (۱۹۸) (۱۹۹) (۲۰۰) (۲۰۱) (۲۰۲) (۲۰۳) (۲۰۴) (۲۰۵) (۲۰۶) (۲۰۷) (۲۰۸) (۲۰۹) (۲۱۰) (۲۱۱) (۲۱۲) (۲۱۳) (۲۱۴) (۲۱۵) (۲۱۶) (۲۱۷) (۲۱۸) (۲۱۹) (۲۲۰) (۲۲۱) (۲۲۲) (۲۲۳) (۲۲۴) (۲۲۵) (۲۲۶) (۲۲۷) (۲۲۸) (۲۲۹) (۲۳۰) (۲۳۱) (۲۳۲) (۲۳۳) (۲۳۴) (۲۳۵) (۲۳۶) (۲۳۷) (۲۳۸) (۲۳۹) (۲۴۰) (۲۴۱) (۲۴۲) (۲۴۳) (۲۴۴) (۲۴۵) (۲۴۶) (۲۴۷) (۲۴۸) (۲۴۹) (۲۵۰) (۲۵۱) (۲۵۲) (۲۵۳) (۲۵۴) (۲۵۵) (۲۵۶) (۲۵۷) (۲۵۸) (۲۵۹) (۲۶۰) (۲۶۱) (۲۶۲) (۲۶۳) (۲۶۴) (۲۶۵) (۲۶۶) (۲۶۷) (۲۶۸) (۲۶۹) (۲۷۰) (۲۷۱) (۲۷۲) (۲۷۳) (۲۷۴) (۲۷۵) (۲۷۶) (۲۷۷) (۲۷۸) (۲۷۹) (۲۸۰) (۲۸۱) (۲۸۲) (۲۸۳) (۲۸۴) (۲۸۵) (۲۸۶) (۲۸۷) (۲۸۸) (۲۸۹) (۲۹۰) (۲۹۱) (۲۹۲) (۲۹۳) (۲۹۴) (۲۹۵) (۲۹۶) (۲۹۷) (۲۹۸) (۲۹۹) (۳۰۰) (۳۰۱) (۳۰۲) (۳۰۳) (۳۰۴) (۳۰۵) (۳۰۶) (۳۰۷) (۳۰۸) (۳۰۹) (۳۱۰) (۳۱۱) (۳۱۲) (۳۱۳) (۳۱۴) (۳۱۵) (۳۱۶) (۳۱۷) (۳۱۸) (۳۱۹) (۳۲۰) (۳۲۱) (۳۲۲) (۳۲۳) (۳۲۴) (۳۲۵) (۳۲۶) (۳۲۷) (۳۲۸) (۳۲۹) (۳۳۰) (۳۳۱) (۳۳۲) (۳۳۳) (۳۳۴) (۳۳۵) (۳۳۶) (۳۳۷) (۳۳۸) (۳۳۹) (۳۴۰) (۳۴۱) (۳۴۲) (۳۴۳) (۳۴۴) (۳۴۵) (۳۴۶) (۳۴۷) (۳۴۸) (۳۴۹) (۳۵۰) (۳۵۱) (۳۵۲) (۳۵۳) (۳۵۴) (۳۵۵) (۳۵۶) (۳۵۷) (۳۵۸) (۳۵۹) (۳۶۰) (۳۶۱) (۳۶۲) (۳۶۳) (۳۶۴) (۳۶۵) (۳۶۶) (۳۶۷) (۳۶۸) (۳۶۹) (۳۷۰) (۳۷۱) (۳۷۲) (۳۷۳) (۳۷۴) (۳۷۵) (۳۷۶) (۳۷۷) (۳۷۸) (۳۷۹) (۳۸۰) (۳۸۱) (۳۸۲) (۳۸۳) (۳۸۴) (۳۸۵) (۳۸۶) (۳۸۷) (۳۸۸) (۳۸۹) (۳۹۰) (۳۹۱) (۳۹۲) (۳۹۳) (۳۹۴) (۳۹۵) (۳۹۶) (۳۹۷) (۳۹۸) (۳۹۹) (۴۰۰) (۴۰۱) (۴۰۲) (۴۰۳) (۴۰۴) (۴۰۵) (۴۰۶) (۴۰۷) (۴۰۸) (۴۰۹) (۴۱۰) (۴۱۱) (۴۱۲) (۴۱۳) (۴۱۴) (۴۱۵) (۴۱۶) (۴۱۷) (۴۱۸) (۴۱۹) (۴۲۰) (۴۲۱) (۴۲۲) (۴۲۳) (۴۲۴) (۴۲۵) (۴۲۶) (۴۲۷) (۴۲۸) (۴۲۹) (۴۳۰) (۴۳۱) (۴۳۲) (۴۳۳) (۴۳۴) (۴۳۵) (۴۳۶) (۴۳۷) (۴۳۸) (۴۳۹) (۴۴۰) (۴۴۱) (۴۴۲) (۴۴۳) (۴۴۴) (۴۴۵) (۴۴۶) (۴۴۷) (۴۴۸) (۴۴۹) (۴۵۰) (۴۵۱) (۴۵۲) (۴۵۳) (۴۵۴) (۴۵۵) (۴۵۶) (۴۵۷) (۴۵۸) (۴۵۹) (۴۶۰) (۴۶۱) (۴۶۲) (۴۶۳) (۴۶۴) (۴۶۵) (۴۶۶) (۴۶۷) (۴۶۸) (۴۶۹) (۴۷۰) (۴۷۱) (۴۷۲) (۴۷۳) (۴۷۴) (۴۷۵) (۴۷۶) (۴۷۷) (۴۷۸) (۴۷۹) (۴۸۰) (۴۸۱) (۴۸۲) (۴۸۳) (۴۸۴) (۴۸۵) (۴۸۶) (۴۸۷) (۴۸۸) (۴۸۹) (۴۹۰) (۴۹۱) (۴۹۲) (۴۹۳) (۴۹۴) (۴۹۵) (۴۹۶) (۴۹۷) (۴۹۸) (۴۹۹) (۵۰۰) (۵۰۱) (۵۰۲) (۵۰۳) (۵۰۴) (۵۰۵) (۵۰۶) (۵۰۷) (۵۰۸) (۵۰۹) (۵۱۰) (۵۱۱) (۵۱۲) (۵۱۳) (۵۱۴) (۵۱۵) (۵۱۶) (۵۱۷) (۵۱۸) (۵۱۹) (۵۲۰) (۵۲۱) (۵۲۲) (۵۲۳) (۵۲۴) (۵۲۵) (۵۲۶) (۵۲۷) (۵۲۸) (۵۲۹) (۵۳۰) (۵۳۱) (۵۳۲) (۵۳۳) (۵۳۴) (۵۳۵) (۵۳۶) (۵۳۷) (۵۳۸) (۵۳۹) (۵۴۰) (۵۴۱) (۵۴۲) (۵۴۳) (۵۴۴) (۵۴۵) (۵۴۶) (۵۴۷) (۵۴۸) (۵۴۹) (۵۵۰) (۵۵۱) (۵۵۲) (۵۵۳) (۵۵۴) (۵۵۵) (۵۵۶) (۵۵۷) (۵۵۸) (۵۵۹) (۵۶۰) (۵۶۱) (۵۶۲) (۵۶۳) (۵۶۴) (۵۶۵) (۵۶۶) (۵۶۷) (۵۶۸) (۵۶۹) (۵۷۰) (۵۷۱) (۵۷۲) (۵۷۳) (۵۷۴) (۵۷۵) (۵۷۶) (۵۷۷) (۵۷۸) (۵۷۹) (۵۸۰) (۵۸۱) (۵۸۲) (۵۸۳) (۵۸۴) (۵۸۵) (۵۸۶) (۵۸۷) (۵۸۸) (۵۸۹) (۵۹۰) (۵۹۱) (۵۹۲) (۵۹۳) (۵۹۴) (۵۹۵) (۵۹۶) (۵۹۷) (۵۹۸) (۵۹۹) (۶۰۰) (۶۰۱) (۶۰۲) (۶۰۳) (۶۰۴) (۶۰۵) (۶۰۶) (۶۰۷) (۶۰۸) (۶۰۹) (۶۱۰) (۶۱۱) (۶۱۲) (۶۱۳) (۶۱۴) (۶۱۵) (۶۱۶) (۶۱۷) (۶۱۸) (۶۱۹) (۶۲۰) (۶۲۱) (۶۲۲) (۶۲۳) (۶۲۴) (۶۲۵) (۶۲۶) (۶۲۷) (۶۲۸) (۶۲۹) (۶۳۰) (۶۳۱) (۶۳۲) (۶۳۳) (۶۳۴) (۶۳۵) (۶۳۶) (۶۳۷) (۶۳۸) (۶۳۹) (۶۴۰) (۶۴۱) (۶۴۲) (۶۴۳) (۶۴۴) (۶۴۵) (۶۴۶) (۶۴۷) (۶۴۸) (۶۴۹) (۶۵۰) (۶۵۱) (۶۵۲) (۶۵۳) (۶۵۴) (۶۵۵) (۶۵۶) (۶۵۷) (۶۵۸) (۶۵۹) (۶۶۰) (۶۶۱) (۶۶۲) (۶۶۳) (۶۶۴) (۶۶۵) (۶۶۶) (۶۶۷) (۶۶۸) (۶۶۹) (۶۷۰) (۶۷۱) (۶۷۲) (۶۷۳) (۶۷۴) (۶۷۵) (۶۷۶) (۶۷۷) (۶۷۸) (۶۷۹) (۶۸۰) (۶۸۱) (۶۸۲) (۶۸۳) (۶۸۴) (۶۸۵) (۶۸۶) (۶۸۷) (۶۸۸) (۶۸۹) (۶۹۰) (۶۹۱) (۶۹۲) (۶۹۳) (۶۹۴) (۶۹۵) (۶۹۶) (۶۹۷) (۶۹۸) (۶۹۹) (۷۰۰) (۷۰۱) (۷۰۲) (۷۰۳) (۷۰۴) (۷۰۵) (۷۰۶) (۷۰۷) (۷۰۸) (۷۰۹) (۷۱۰) (۷۱۱) (۷۱۲) (۷۱۳) (۷۱۴) (۷۱۵) (۷۱۶) (۷۱۷) (۷۱۸) (۷۱۹) (۷۲۰) (۷۲۱) (۷۲۲) (۷۲۳) (۷۲۴) (۷۲۵) (۷۲۶) (۷۲۷) (۷۲۸) (۷۲۹) (۷۳۰) (۷۳۱) (۷۳۲) (۷۳۳) (۷۳۴) (۷۳۵) (۷۳۶) (۷۳۷) (۷۳۸) (۷۳۹) (۷۴۰) (۷۴۱) (۷۴۲) (۷۴۳) (۷۴۴) (۷۴۵) (۷۴۶) (۷۴۷) (۷۴۸) (۷۴۹) (۷۵۰) (۷۵۱) (۷۵۲) (۷۵۳) (۷۵۴) (۷۵۵) (۷۵۶) (۷۵۷) (۷۵۸) (۷۵۹) (۷۶۰) (۷۶۱) (۷۶۲) (۷۶۳) (۷۶۴) (۷۶۵) (۷۶۶) (۷۶۷) (۷۶۸) (۷۶۹) (۷۷۰) (۷۷۱) (۷۷۲) (۷۷۳) (۷۷۴) (۷۷۵) (۷۷۶) (۷۷۷) (۷۷۸) (۷۷۹) (۷۸۰) (۷۸۱) (۷۸۲) (۷۸۳) (۷۸۴) (۷۸۵) (۷۸۶) (۷۸۷) (۷۸۸) (۷۸۹) (۷۹۰) (۷۹۱) (۷۹۲) (۷۹۳) (۷۹۴) (۷۹۵) (۷۹۶) (۷۹۷) (۷۹۸) (۷۹۹) (۸۰۰) (۸۰۱) (۸۰۲) (۸۰۳) (۸۰۴) (۸۰۵) (۸۰۶) (۸۰۷) (۸۰۸) (۸۰۹) (۸۱۰) (۸۱۱) (۸۱۲) (۸۱۳) (۸۱۴) (۸۱۵) (۸۱۶) (۸۱۷) (۸۱۸) (۸۱۹) (۸۲۰) (۸۲۱) (۸۲۲) (۸۲۳) (۸۲۴) (۸۲۵) (۸۲۶) (۸۲۷) (۸۲۸) (۸۲۹) (۸۳۰) (۸۳۱) (۸۳۲) (۸۳۳) (۸۳۴) (۸۳۵) (۸۳۶) (۸۳۷) (۸۳۸) (۸۳۹) (۸۴۰) (۸۴۱) (۸۴۲) (۸۴۳) (۸۴۴) (۸۴۵) (۸۴۶) (۸۴۷) (۸۴۸) (۸۴۹) (۸۵۰) (۸۵۱) (۸۵۲) (۸۵۳) (۸۵۴) (۸۵۵) (۸۵۶) (۸۵۷) (۸۵۸) (۸۵۹) (۸۶۰) (۸۶۱) (۸۶۲) (۸۶۳) (۸۶۴) (۸۶۵) (۸۶۶) (۸۶۷) (۸۶۸) (۸۶۹) (۸۷۰) (۸۷۱) (۸۷۲) (۸۷۳) (۸۷۴) (۸۷۵) (۸۷۶) (۸۷۷) (۸۷۸) (۸۷۹) (۸۸۰) (۸۸۱) (۸۸۲) (۸۸۳) (۸۸۴) (۸۸۵) (۸۸۶) (۸۸۷) (۸۸۸) (۸۸۹) (۸۹۰) (۸۹۱) (۸۹۲) (۸۹۳) (۸۹۴) (۸۹۵) (۸۹۶) (۸۹۷) (۸۹۸) (۸۹۹) (۹۰۰) (۹۰۱) (۹۰۲) (۹۰۳) (۹۰۴) (۹۰۵) (۹۰۶) (۹۰۷) (۹۰۸) (۹۰۹) (۹۱۰) (۹۱۱) (۹۱۲) (۹۱۳) (۹۱۴) (۹۱۵) (۹۱۶) (۹۱۷) (۹۱۸) (۹۱۹) (۹۲۰) (۹۲۱) (۹۲۲) (۹۲۳) (۹۲۴) (۹۲۵) (۹۲۶) (۹۲۷) (۹۲۸) (۹۲۹) (۹۳۰) (۹۳۱) (۹۳۲) (۹۳۳) (۹۳۴) (۹۳۵) (۹۳۶) (۹۳۷) (۹۳۸) (۹۳۹) (۹۴۰) (۹۴۱) (۹۴۲) (۹۴۳) (۹۴۴) (۹۴۵) (۹۴۶) (۹۴۷) (۹۴۸) (۹۴۹) (۹۵۰) (۹۵۱) (۹۵۲) (۹۵۳) (۹۵۴) (۹۵۵) (۹۵۶) (۹۵۷) (۹۵۸) (۹۵۹) (۹۶۰) (۹۶۱) (۹۶۲) (۹۶۳) (۹۶۴) (۹۶۵) (۹۶۶) (۹۶۷) (۹۶۸) (۹۶۹) (۹۷۰) (۹۷۱) (۹۷۲) (۹۷۳) (۹۷۴) (۹۷۵) (۹۷۶) (۹۷۷) (۹۷۸) (۹۷۹) (۹۸۰) (۹۸۱) (۹۸۲) (۹۸۳) (۹۸۴) (۹۸۵) (۹۸۶) (۹۸۷) (۹۸۸) (۹۸۹) (۹۹۰) (۹۹۱) (۹۹۲) (۹۹۳) (۹۹۴) (۹۹۵) (۹۹۶) (۹۹۷) (۹۹۸) (۹۹۹) (۱۰۰۰) (۱۰۰۱) (۱۰۰۲) (۱۰۰۳) (۱۰۰۴) (۱۰۰۵) (۱۰۰۶) (۱۰۰۷) (۱۰۰۸) (۱۰۰۹) (۱۰۱۰) (۱۰۱۱) (۱۰۱۲) (۱۰۱۳) (۱۰۱۴) (۱۰۱۵) (۱۰۱۶) (۱۰۱۷) (۱۰۱۸) (۱۰۱۹) (۱۰۲۰) (۱۰۲۱) (۱۰۲۲) (۱۰۲۳) (۱۰۲۴) (۱۰۲۵) (۱۰۲۶) (۱۰۲۷) (۱۰۲۸) (۱۰۲۹) (۱۰۳۰) (۱۰۳۱) (۱۰۳۲) (۱۰۳۳) (۱۰۳۴) (۱۰۳۵) (۱۰۳۶) (۱۰۳۷) (۱۰۳۸) (۱۰۳۹) (۱۰۴۰) (۱۰۴۱) (۱۰۴۲) (۱۰۴۳) (۱۰۴۴) (۱۰۴۵) (۱۰۴۶) (۱۰۴۷) (۱۰۴۸) (۱۰۴۹) (۱۰۵۰) (۱۰۵۱) (۱۰۵۲) (۱۰۵۳) (۱۰۵۴) (۱۰۵۵) (۱۰۵۶) (۱۰۵۷) (۱۰۵۸) (۱۰۵۹) (۱۰۶۰) (۱۰۶۱) (۱۰۶۲) (۱۰۶۳) (۱۰۶۴) (۱۰۶۵) (۱۰۶۶) (۱۰۶۷) (۱۰۶۸) (۱۰۶۹) (۱۰۷۰) (۱۰۷۱) (۱۰۷۲) (۱۰۷۳) (۱۰۷۴) (۱۰۷۵) (۱۰۷۶) (۱۰۷۷) (۱۰۷۸) (۱۰۷۹) (۱۰۸۰) (۱۰۸۱) (۱۰۸۲) (۱۰۸۳) (۱۰۸۴) (۱۰۸۵) (۱۰۸۶) (۱۰۸۷) (۱۰۸۸) (۱۰۸۹) (۱۰۹۰) (۱۰۹۱) (۱۰۹۲) (۱۰۹۳) (۱۰۹۴) (۱۰۹۵) (۱۰۹۶) (۱

بسیاری از افسران ارشد با رژیم کهنه پیوند باقانی داشتند و بدینجهت ارتزاقگاهانه این عناصر را از شرکت در حکومت جدید برکنار کرد. رژیم باقی بمانی که در ۲۰ سپتامبر ۱۳۷۱ انتشار یافت به انجام اقداماتی در جهت تجدید سازمان مناسبات اقتصادی و اجتماعی و موزکراسی کردن زندگی سیاسی کشور دست زد. اعلام شد که انقلاب ساختمان سوسیالیسم را هدف خود قرار میدهد. با توجه به این نکات یک رشته تدابیر منع توده‌های مستکثر اتخاذ گردید.

۱- باقی قانون اصلاحات ارضی در تمام نواحی روستایی زمین ملی گردید و مالکیت بزرگ بر زمین لغو شد و مملوینها هکتار زمین بدو هکتار داده شد. فرم‌های سرمایه داری و پاره‌ای از اموال بزرگ بمالکیت دولت درآمد. برای اداره امور زمینهای ملی شده شرکتها در باقانی تشکیل شد. هدف با معارف آنستکه این شرکت ها توسعه یابند و تکمیل شوند و میراثجام به تعاونیهایی تولیدی تبدیل گردند. حق شرکت و دهقانان و رازگاریان حاکمیت محلی اعلام شد.

دشواریم این عملهای گدیر چربان احزاب اصلاحات ارضی بدین امر بود که در عبارت از نبودن کار رخصت و شیوه تفکر محافظه کارانه دهقانان بود. بدینجهت کارزار هکسانی بسود کار رخصت عنوان "رشد و توسعه از طریق همکاری" تشکیل داده شد که در چنان آن ۶ هزار دانشجو، دانش آموزان کاهای بالا و مملوین بنواحی روستایی اعزام شدند. هدف از این تبلیغات عبارت از آن بود که سطح آگاهی توده‌ها بالا برده شود و آرا را برنامهدار و دولت تضمین گردد.

در جریان این فعالیت تبلیغاتی دشواریم این فراوانی پیش آمد. پاره‌ای از این دشواریمها مربوط به ماهکونی و دانشجویان و دیگر شرکت کنندگان در این اقدامات اصلاحی مناسبات اجتماعی بود (میان آیم کسان بودند که خانواده شان در رنج محلی کردن اراضی از داشتن زمین محروم شده بودند). دشواریمهای بسیار دیگر مربوط بمقاومت عودانه ارتجاع بود. در ضمن خود این اقدامات هم تاریکی داشت و ناشناختن بزرگی سازمان داده شده بود (مالکین و ارباب که اقدامات بعدی باند اربابان بهتری انجام شد). ولی از این اقدامات هم نتایج نیکی بدست آمد که مالکین حاکم حاکم در اصلاحات ارضی موجد آنست. در آنآزاد دهقانان میترسیدند زمین را که بآنها داده میشد قبول کنند. امیر از اینکه خدمتین محمول را بران برداشت کردند، ضایع حاصل از اصلاحات ارضی را احساس کردند. اکنون دهقانان مشترکاً کار میکنند، این هنوز تعاونی تولید نیست ولی از همکاریهای سنتی میان دهقانان فراتر رفته است. مهمترین و باقیمرر ما آنستکه بتوانیم از این کشور از اصلاحات خواریا بدو تا من کنیم.

۲- ملی شدن زمین دشواریمها نیز اجرا شده است. خانه‌ها به اصلاحات اعطای نیز ملی گردید بدین ترتیب که برای هر خانواده یک خانه باقی گذاشته شد. کمیده‌های دهبران کش و را امورا در این تشکیل گردیده است.

۳- تمام وسائل عمده تولید و توزیع - بانکها، شرکتها، بیمه، موسسات اجتماعی بزرگ، موسسات راهپوشا و نقدیه و بازرگانی ملی شدند. بخش اقتصاد دولتی ایجاد گردید که اکنون در اقتصاد کشور نقش قابل ملاحظه ای دارد.

۴- قوانین کارگری مترقی برقرار گردید وین شد: استراحت برای توده‌های کارگران انحصاری، حق کار، روزگار، ساعت، معیار جدا قلم متحد تا من یکم از پیشکی. مرخصی حالیه نیز به یاد یافت و معتمد و غیره بموجب قانون تشکیل شده است. برای این تدبیر از افراد اتحادیه‌ها کمیده‌های تشکیل یافته است. در هر موسسه یک نفر از ۳ نفر کارگران را انتخاب دارند و این کمیده‌ها وظیفه تشکیل میشود. چند موسسه کوچکی که در یک رشته فعالیت میکنند میتوانند کمیده‌های مشترک

تشکیل بدهند. هدف از این اقدامات علاوه بر تامین حقوق کارگران، آنستکه برای ارتقاء سطح تولید کوششهای بعمل آید. باقی قوانین کارگری برای زنان، مادران و غیره امتیازاتی منظور شده است.

به سازمانها توده‌های دیگر نیز توجه فراوان مبذول میشود. کمیتزبان وزارت جوانان و ورزش تأسیس شده است. بشورای نظامی ادارای موقت قصد دارد شرکت موثر توده‌های خلخرا را در امور اداره کشور تا من کند. اکنون مادران بنگاه‌های ادارای به تغییر دادن شغل و مقام کارمندان مشغولیم. تصمیم گرفته شده است که در سطح پایین تر از پیشتر به مردم امکان داده شود مسئولین ادارای را انتخاب کنند.

در این بین نیروی حقوق مذاهب (اسلام و مسیحی) شناخته شده و بهیتر از همه تفکیک گسما در ولت اعلام شده است.

تمام اقداماتی که شورای نظامی انجام میدهد در عمل ثابت میکند که این شورای اراد ماهیت یک دولت انقلابی موقت است. این شورای (چنانکه بهیتر از این است) میگوید (میگوید) یک دین و نای نظامی نیست. اعضای این شورایا بشود و موزکراسی، انتخاب شده اند. این شورایا شقی افسران جاه طلب نیستند که بخواهند ویرسیدین بهما کمیتزب کارگرد باشند. شورای ادارای انقلابی از کسانیک تشکیل یافته است که در سرمایه و بده این بین پرورش یافته اند و در سرمایه فقدان حزب پیشرو یعنی حزب باقی کارگرمی تولید رشد و توسعه انقلاب را بهیتر از این گرفته اند.

این اقدامات انجام داده میشود میتوان در باره سستی که رژیم مایور گزیده و دوری کرد. دشواریمها سوسیالیسم را و انتخاب مانع بیروناید بر است. ضامن و رها از سوسیالیسم بیگانه سوسیالیسم علی است که بر اصول مارکسیسم - لنینیسم و آموزش و درباره دهکاتوری پروتار با منیتی باشد. بدین سبب است که ما ضمن کوشش برای تحقق یافتن آن در زندگی شرایط مشخص انحصاری را در نظر میگیریم.

پرستش برترین مسائلی که شورای نظامی ادارای معتمد دارد آنرا ارجاع کند که اندام؟ پاسخ: البته معضلات بزرگ فراوانی در باره شرکت در قرار گرفته است. توده‌های امپریالیستی و نیروهای ارتجاعی درون کشور و بیرون را بهیتر از این میگویند.

یکی از جدترین مسائل مسئله اریتره است. ارتجاع و امپریالیسم میکنند از این مسئله مانند و بهیتر از این بران کفر کردن انقلاب را مستحده کنند. شورای انقلابی معتقد است که این مسئله را از راه اعتدال آمیز میتوان حل و فصل نمود. به عقیده ما بگاهه را من این مسئله راه انحصاری یعنی شناسایی حق تعیین سرنوشت خلقها است. ما بدینهم که در یک روز ما خلق را بسیاری و بیگانه‌ها را از افراد آن بهیتر که حقوق خود مختاری همه خلقها را انحصاری از بدله خلقهای که در اریتره زندگی میکنند بدین اشتباه برسمیت شناخته شود. در ضمن باید بدان حق خود مختاری داخلی به خلقها باید شرکت فعال توده‌های خلخرا و تحقیق بخشدین به این حقوق و اداره امور در نظر گرفته شود.

مسئله اریتره همرا به رشد و تکامل انقلاب حل خواهد شد. این مسئله، مسئله مبارزه باقانی است و آنرا توده‌های وسیع مردم باید حل کنند. ما اعتقاد داریم که آنها در این مسئله کمینده آنها با توده‌های وسیع خلخرا و دیگر نواحی انحصاری تفاوت نیست. بهیتر ترین مسائلی به انتخاب راه سوسیالیستی از بار با منیتی دارد. بهیتر است که ارتجاع با آن مخالف است و علیه آن مبارزه میکند. دامنه کارگران از جانب بورژوازیها، بازرگانان و عناصر بورژوازی توسعه می یابند. درباره این مناطق طبقه کارهای برای پیشرویهایی مسلحانه بعمل می آید. دهقانان به اتفاق نیروهای انحصاری علیه اربابان اقدامات مبارزه برآوردند و بسیاری از کانونهای مقاومت را نابود کردند. بسیاری از افراد و الحاکم

پیشین که خواستند آن شاه سابق بودند از کار برکنار شدند. در خان ارگور نیز سلطنت پادشاهان
فوق اله بود مگر دشمنان انقلاب با پشتیبانی جدی امپریالیستها و دیگر نیروهای ارتجاع خارجی
متشکل میشوند.

با وجود تمام نتایج های دشمنان انقلاب، شورای انقلابی موقت عزم راسخ دارد گامهای مهم
بعدی را در راه پیشرفت انقلاب بردارد. برنامه حداقل یعنی برنامه انقلاب ملی دموکراتیک را
شورا تصویب نموده است. سمت عده این برنامه انقلاب ضد فئودالی و ضد امپریالیستی است. ما
اما میدان داریم که همه نیروهای که علیه فئودالیسم و امپریالیسم مبارز میشوند این برنامه را خواهند
پذیرفت و بهرمان آن متحد خواهند شد و بدین ترتیب پایه تشکیل جنبه انقلابی خلق در کشور ایجاد
خواهند شد. در برنامه این وظایف مهم است که حقوق مردم تضمین شود و تحقق یابد.
التماسهای دیگر نمیتواند پیشگویی کند که سیستم سیاسی کشور چه شکلی خواهد گرفت. کاملاً احتمال
دارد که در مراحل اولیه چند حزب سیاسی پدید آید. مثلاً دهقانان هنوز آمادگی آنرا ندارند
که به حزب مارکسیستی - لنینیستی وارد شوند و به احتمال قوی آنها سازمان سیاسی خود را تشکیل
خواهند داد. این مطالب در مورد گروههای معینی از روشنفکران هم صدق میکند. ولی ما احتمال
میدهم که همه این سازمانهای نیروهای ضد فئودالی و ضد امپریالیستی در چهارچوب جنبه
انقلابی متحد خواهند شد و این شکلی است که با مرحله انقلاب ملی دموکراتیک مطابقت دارد.
بنابراین ما به بعد باید تحولی در برخی بک حزب مارکسیستی - لنینیستی تغییر تحول پیدا
خواهد کرد. هدف استراتژیک انقلاب اینجاست عبارت از تشکیل یک جمهوری ملی دموکراتیک به
رهبری حزب با قیاد کارگران. ما باید این مطالب را در نظر داشته باشیم که با قیاد کارگر در کشور ما هنوز
کم شمار است. ولی با قیاد کارگران در راه حقوق خود مبارزه کرده و بیشتر بزرگی آنان به موقعیت
و فقر خود در جامعهها گاهی یافته است. علاوه بر این چنانکه لنین میفرمود آگاهی سیاسی پرولتری
میتواند نباید از خارج بدون پایه کارگر برده شود. ما معتقدیم که نمایندگان روشنفکران که مجهز
بدانش سوسیالیسم علمی هستند میتوانند این عمل را انجام دهند و در راس حزب پرولتری قرار گیرند.
در اتوبیو بیوری سازماندهی ملی موقت ایجاد شده که نمایندگان روشنفکران جوان که دارای
معلومات مارکسیستی - لنینیستی هستند در آن داخل شده اند برای کار در این بیوریکسیاتی انتخاب
شده اند که با مبارزات خود از جمله در بیشتر دانشگاهی و شرکت در جنبش انقلابی در داخل و خارج
از کشور و فانداری خود به سوسیالیسم و اصول و ایدئولوژی آن راه اثبات رسانده اند. این بیورو
برنامه حداقل را بهر مورد اجرا خواهد کرد و بهر آن آنرا در خواست نمود (۱).
این بیورو دارای چند شعبه است که یکی از آنها شعبه تبلیغات و سازمان است که به ترویج و اشاعه
مارکسیسم - لنینیسم خواهد پرداخت. تحت رهبری بیورو و موسساتهای ایدئولوژیک تا سیر گردید
و گامهای آموزشی لازم مشغول فعالیت اند. (۲)

ما بدین راهی را که برگزیده ایم راه دشوار است. ولی عزم راسخ داریم همه مشکلات را
برطرف سازیم و در این مورد از کشورهای سوسیالیستی انتظار کمک و پشتیبانی داریم.

۱ - برنامه ۱۱ آوریل سال ۱۹۷۶ در آن پس از آباء انتشار یافته است. در اعلامیه بیوری سازماندهی
ملی موقت کمیته ایدئولوژی انقلاب دموکراتیک در آن تشریح شده است تاکید گردیده که: "هدف این
مرحله تحولات انقلابی عبارت از تأمین چنان آمادگی سازمانی و سیاسی توده های مردم است که بتوانند
در آینده نزدیک نقش عده را در انقلاب به عهده بگیرند". در این اعلامیه از جمله انتخابات مجلس
انقلابی ملی هم پیش بینی شده است.

ریشه های چپ گرایی افراطی معاصر

در صورت شتابناک

فهرست حزب کمونیست
آلمان

جریانهایی چپ گرای افراطی معاصر از سالهای ۶۰، پیوسته تقریباً همزمان در روند کشور عده
امپریالیستی، پرولتر، و رزمنه اجتماعی این جریانهایی عده، بیانگر خواستها و روشنفکران جوانی
است که در آن هنگام از مرکز اسس بیوزوایی روگردان شدند اما نه براساس بلکه به چپ، نه سمت به
فاشیسم بلکه سمت به چپ گرایی افراطی. ایدئولوژی چپ های افراطی مجموعه ای از اجزای اندیشه
های بسیار گوناگون است که از آن جمله است: سوسیالیسم تخیلی، آنارشیزم، تروتسکیسم،
مائوسیزم، سوسیال دموکراتیزم، جریانهایی لیبرال بیوزوایی و همچنین تفسیرهای گوناگون
مارکسیسم، گروههای چپ گرای افراطی در مواضع سیاسی متفاوت و اغلب کاملاً متضاد قرار دارند.
من به علل چندی اصطلاح "جریانهایی چپ گرای افراطی" را بر شما هم درست تر از نقطه تأسیس
ایدئولوژیک مانند اپورتونیزم "چپ" ترجیح میدهم و این علل شرح زیر است: ماهیت اپورتونیزم
عبارتست از همکاری طبقاتی و مصالحه شدن طبقاتی با سرمایه داری. فرقه گرایی چپ روانه افراطی
به بیوزوایی با قیاد کارگران از مبارزه طبقاتی میترساند، اما در اینجاست که مهم وجود دارد. اگر
اپورتونیزم راست با تبلیغ سیاست "هم آهنگی" با طبقاتی بهم میبندد و زمینشان با سیستم سرمایه
داری می انجامد، فرقه گرایی چپ روانه بیوزوایی مبارزه طبقاتی را نمیگذارد، هر چند نظریه آنها
در مبارزه مسلحانه خلاصه میگردد.

ضمن این مقاله ما باید آنرا به تجربه جمهوری فدرال آلمان بهر عده به تشریح علل بیشتر به
را با دیدیم چپ گرایی می بردیم، بدون اینکه اشکال سازمانی، ایدئولوژی و فعالیت سیاسی
کثرت چپ گرایان افراطی را مورد بررسی قرار دهیم و زیرا این مسائل بدین بایدها مناسبت تا حال
در صفحات مجله روشن شده است (۱).

هنگام به ایدئولوژی جریانهایی چپ گرای افراطی معاصر مبارزه سوسیالیسم و سرمایه داری در مرحله
تازه ای وارد شد. شکست مائزاجی "سوتز"، مغلوب شدن ضد انقلاب در مجارستان در سال
۱۹۵۶، شکست کوششهای ایالات متحده آمریکا برای هم شکستن کوبا، و شکست آفکار و مبارزات
ناخوابست به جمهوری دموکراتیک آلمان در سال ۱۹۶۱، همه به جز این مناسبت "سوتز" بزرگ
انجامد.

۱ - رجوع کنید به مقاله به مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"، شماره های ۷، هفده (۲۳-۲۴)
و شماره ۸، صفحه (۲۴-۲۸)، سال ۱۹۷۴.

گلی، بلکه باعث افزایش تدریجی درصد افراد وابسته به خانواده های کارگری، مستخدمان جزئی و کارمندان جزئی ادارات دولتی میان آنان میگردد (۱). در سیستم آموزشی هم انواع تضادها مشاهده میگردد.

البته اعتراضات برعلیه شرایط نامساعد آموزش در پدید آمدن جریان جنبه گرایانه افزایش یافته و نقش قاطع ندارد. این اعتراضات هارزمنه رافراهم میباشند، بند ریج ولی بدام ماده ای موجود آورده اند که ازجمله اعتراضات سیاسی برعلیه جنگ ایالات متحد و امریکادرویتنام و تظاهرات برعلیه صلح شدن جمهوری فدرال آلمان به سلاح اتمی و قوانین فوق العاده، مشتمل شد.

پدیده دیگری را هم یادآور میشویم. موقعیت افراد مشغول به کار در تمام رشته های جریان تولید مسئولیت بیشتری کسب میکند. ولی در همین حال با حقوق اجتماعی آنان با موقعیتشان تناسب نیکند. این تضاد شدید تر از همه در زمین رشته "علوم اجتماعی" بروز میکند زیرا در این جاد و گرایش بهم برخورد میکند. از یک طرف، تشدید نظام و ترتیب در روند آموزش و آسویی دیگر تلاش دانشجویان برای آزادی بیشتر در انتخاب شکل و موضوع آن، این برخورد بهمان نسبت کبیله ای دولتی سنتی بورژوازی از "آزادی انتخاب کردن" بازچیده در رشته آموزش تئوریک و توصیفی میکند شدیدی در تضاد تراست. همین حالا هم فرهنگ بورژوازی روشنفکران را با روحیه "آزادی انتخاب کردن" تعلیم پرورش میدهد. چنین ایدئولوژی در زمان خود، هنگام مبارزه بورژوازی با قوای مافوق و مقررات فئودالی، به روشنفکران امکان میداد با جریان کلی نیروهای اپوزیسیون در هم آمیختند. ولی در زمان دست آزادی امروز تصور باطلی از موقعیت ویژه "حرفه های آزاد" ایجاد میکند و کلیت مانع از آن میگردد که خودهای روشنفکر در وضع موقعیت واقعی خود را اجتماع اندیشه و تعامل و با اینهمه یادآور این نکته حائز اهمیت است که این برخورد اجتماعی نقش خود را در این جریان که بخشی از روشنفکران عدم تطابق منافع خود را با منافع سرمایه دار پدید و لیتی - انحصاری درک و احساس کرده اند نشاندهود.

مجموعه ویژه ای از تضادها در این زمینه پدید میآید. از یک طرف، چنین بندها میآید که به شرح شایان توجهی از روشنفکران معاصر امروز از امکانات بیشتری نسبت به گذشته برخوردار است. بطور نمونه در جمهوری فدرال آلمان اینک معلمین برای انتخاب کتابهای درسی و شکل و شیوه آموزش، امکانات بیشتری دارند. ولی آرسوی دیگر آن باید همیشه آماده باشند که در خطی در زمان تحصیل خود را از ایدئولوژیک دمساز کنند و هرگز دیگران شوند، در غیر این صورت باید هادمانست از اشتغال به کار حرفه ای آنب اراد ر معترض خارج در اعتراضات از زندگی حرفه ای قریصاده. در اوضاع و احوال سرمایه دار دولتی - انحصاری ما با آمدن ویت خشونت بار، چه در روند آموزش و پرورش و چه در استفاده و حرفه ای از روشنفکران رشته های علوم اجتماعی، سروکار داریم.

هرچند با از "جامعه باز" که در رتبه مقابل "رژیم توتالیتر" قرار دارد صحبت میکنند، ولی بند روشنفکر جوان در همان جریان تحصیل ویران در انتی اگرای روشنی که با وجود او هستند در شروع بدین این مسئله میگرد که "مصلحت تابع" مصلح کار" (اقتصادی که بر پایه سود سرمایه میگرد) باشد درست همین "مصلح" خدمت جامعه و ساختار اداره امور آنرا تعیین میکند و مضمون و موزهای باصلاح "آزادی" را مشخص مینمایند. این تضاد که در سیستم آموزش و پرورش و همچنین

(۱) هنگام تظاهرات دانشجویان در جمهوری فدرال آلمان (که عبارت از تظاهرات بورژوازی گرای افراطی و سوسیالیستی بود) فقط بخش کوچکی از "جدیدهای" جنبش چپ گرایان افراطی وابستگان به طبقه کارگر بودند. بخش بزرگی از آنان از افراد وابسته به قشرهای متوسط مستقل و قشرهای متوسط با کار مزدی یعنی طبقه معقول از طبقه کاره بورژوازی بودند.

در شرایط کار زندگی ریشه دوانده و نژاد گرای "آیند پوید و آلیسم" وجود تشکک بود و میآورد تا نو نندانه به مقابله و مبارزه با نظام و ترتیب و بعد ویت های دولتی - انحصاری می انجامد.

این پدیده نمونه و راست که تعداد هر چه بیشتری از این قبیل روشنفکران بهمان وقتها سی که مبارزات سیاسی کشانده میشوند دست بدین کار میزنند و آنهم نه بخاطر حفظ امتیازهای کهن و منسوخ روشنفکران، تحت تاثیر تئوری علمی و پراکتیک سوسیالیسم این نژاد به غلبه پیدا میکند که وارد گردن علم و از جمله علوم اجتماعی، در روند تولید از لحاظ اجتماعی ضروری است. به همین سبب هم نه برعلیه این گرایش قانونمند تاریخی، بلکه برعلیه مستگیری روند تولید بر پایه اصل پیرامه دارن بدنیال سود و درآمد بدین مبارزه میشود.

اگر دانشجویان وابسته به طبقه کارگر و دیگر قشرهای اجتماع، بزرگی حرفه ای، بمنزله کارگران مزد بگیر که از قشرهای متوسط به عاری آید گاهی نبیند. این قشر از رتبه و نژاد رتبه فعالیت که مشروط به آمادگی کیفی عالی تر و گرانتر حرفه ای است به باقی کارگر تعلق ندارد. اما به مقام و حد ممتاز روشنفکران سنتی و نیمه مدرن، در رشته این اوضاع در برابر چشم مانع تازه ای از فرد گرایی وجود میآید. پایه های این فرد گرایی را با بقدر اوضاع از امکانات خصوصی سوسیالیستی تولید تشکیل نمیدهد که از قشرهای متوسط و خود سرمایه دار و ترتیب و لیتی - انحصاری روند تولید. این پدیده فقط مستگیری ضد امپریالیسم اپوزیسیون چپ گرای افراطی بلکه تضاد با سوسیالیسم و جنبش کارگری با ویژگی هم پدید میآید. طبیعی است که سرمایه های کلان برای استفاده از این جریان فرصت را از دست ندادند تا بدین ترتیب برای تاثیر ایدئولوژیک روی روشنفکرانی که تازه با پهره اجتماع نهاد اند از راه اشاعه انواع نژاد و کترین های اجتماعی غیر-رولتسری و غیر مارکسیستی سعی و کوشش خود را بکارانند.

پهر از جنگ جهانی دوم ایدئولوژی های بورژوازی تلاش کردند در قدر و منزلت را که در مکرر سوسی بورژوازی از خود در جریان مشارکت گذرهای امپریالیستی در نبرد ضد فاشیستی خلق قیادت آورد بدون با آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم "بورژوازی مکرر" پیوند در میرا به تشبیه فاشیسم و سوسیالیسم نودهای زحمتکار را بدنیال عرایه امپریالیسم بکشانند. ولی اتفاق وانهاد امپریالیسم "آزاد و مکرراتیک" با هر نوع رژیم ارتضای فاشیستی در جهان، از فرانکو، سالازار و فوستر تا پهنه، منت خسانه امپریالیسم به آزادی و خلق او هم چنین (به رویه جنگ ویتنام بروشنی ویژه آن نشان داد) استفاده امپریالیسم از حقیقتاترین انواع جنگ افراها برای دست یافتن به هدفهای خویش و رتبه مقابل تلاشهای آنها یعنی ورنه دادن سرمایه دارن بمنزله تکیه گاه "آزادی" و "مکرر سوسی" قرار گرفته بود.

و راجی و پهر حریفی درباره مکرر سوسی مطلق و آزادی مطلق برای هدف انسان سرمایه دارن نتیجه معکوس بهار آورد. بسیاری از فردم سکول میگردند که چه بسا این آزادی و مکرر سوسی آمد؟ البته صحبت بر سر این نیست که شک و تردید بنیادی در وجود اندیشه آزادی و مکرر سوسی پدید آمد، بلکه در این باره است که تفاوت میان تفسیر بورژوازی این اندیشه و واقعیت شناخته شد و نتیجه آن گروههای هر چه بیشتری از این پندگان روشنفکران شروع به جستجوی راه ارضیان بردن این تفاوت میکنند.

بخش از روشنفکران جوان که گرایش به مخالفت با وضع موجود از خصایصی آنست تا انداز زیادی نژاد نژاد "چپ گرایانه" را می پذیرد و با احزاب "چپ" پشتیبانی میکند. آنها به مارکسیسم روی میآورند، ولی به مارکسیسم با شرف و تفسیر بورژوازی آن که در جمهوری فدرال آلمان بسیار شایع و رایج است. افزایش فوق العاده زیاد انتشار رساله و کتابهای مارکسیستی کاتب از او اسط.

سالهای ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۸) در جمهوری فدرال آلمان نزدیک به ۵۰۰ اثر درباره مارکس و انگلس انتشار یافت. (در آلمان سالانه فقط ۱۸ کتاب حاوی متن آثار مارکس و انگلس منتشر شد). نمیتوان ازنگسباده انتشاراتی کم و بیش بزرگ سرمایه داری در جمهوری فدرال آلمان نام برد که طی این سالها اثری درباره "مارکسیسم" انتشار نداده باشد. این سالها دوران "شوکانی" مارکس شناسی، پژوهش درباره مارکس و نظریات و تئوریهایی گوناگون ضد مارکسیستی بود. تمام نمایندگان این جریانها بدون استثنا میکوشیدند با استفاده از علاقه جوانان به اندیشههای سوسیالیستی این معاهده همسود را از دست ندهند و البته سعی میکردند جوانان را در همین حال، واحدگان برای نادرسبت و کلی سوق دهند.

سرگرمی و شغولیت جوانان باید تلویزی خرد بورژوازی در جمهوری فدرال آلمان به علی چند تسهیل میشد. یکی از این علل غیر قانونی اعلام شدن حزب کمونیست بود، زیرا این امر کار ارتباط با جناح انقلابی طبقه کارگر را دشوار میساخت و بدین ترتیب به روح و اشاعه سنگینی نادرست و اشتباه آمیز کمک میکرد؛ رفداران جوان جنبش ضد امپریالیست همم شدند که باید همه چیز را از آنها گرفتند. علت دیگر این بود که زمینه برای روح و انتشار باید تلویزی خرد بورژوازی میان جوانان دانشجو با اقدامات برخی از نمایندگان مشهور اتحادیه ای جمهوری فدرال آلمان (مثلا در درجه اول نمایندگان مشهور مکتب فرانسه، یعنی افرادی نظیر م. هورک هیر و ت. آدورنو را در نظر داریم) که گویانمارکسیسم سخن میگفتند، آماده شده بود (۱).

آنها متعجب آنراست که در چنین وضع اجتماعی - سیاسی وضعی معنوی را در یکالیم چسب گرایانه افراطی ضد شوروی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری باید تلویزی مائوئیستی ضد شوروی با جملات انقلابی و بی اعتنا نشیر به مبارزه با طبقه کارگر و فعالیت کمونیست ها در راه سازمان دادن به جنبش ضد امپریالیستی خود ها، نسبتا خیلی زود پیوند یافت.

تفرق نهادن میان جریان سکتاریستی چپ گرای افراطی معاصر از یکطرف و اشکال مختلف، بورژوازی و سوسیالیسم راست از طرف دیگر در همین حال انتشار دارند. اشتن این نکته کمیان این جریانهای اپورتونیستی وجه مشترک درونی وجود دارد، از لحاظ سیاسی حائز اهمیت است. آنتی کمونیسم واقعی سوسیالیسم، و بر خورد منفی و اغلب اوقات همسانه نسبت به طبقه کارگر و حزب کمونیست آن از هم ترین مسائل در این وجه مشترک است. نزدیک درباره دیگر مسائل هم بر همین اساس صورت مسمی پذیرد. بهای و مسائل، اپورتونیست های راست می خواهند سدی به کارهای بنوعی بنگاه "خدمات اجتماعی" سیستم سرمایه داری معاصر مد سازند و "چپ گرایان" که از سیاست ضد اتحادیه های کارگری پیروی میکنند در این جریان بد آنها کمک و یاری میبرانند. در رشته فعالیت های پارلمانی، در مسائل وحدت عمل و اتحاد های ضد انحصاری، در ارزیابی نقش انقلابی با طبقه کارگری بسیاری از مسائل دیگر هم چنین شباهتی بر میبیند.

۱ - مکتب فرانسه و گروهی از نمایندگان آن مانند م. هورک هیر، ت. آدورنو و ا. فروم که در سالهای ۳۰ در اندیشه پژوهش های اجتماعی و روانشناختی کار میکردند یک سلسله از اندیشه های مارکسیسم را که از هنر گرای شیوه رفداران چپ گرایان هگل نمایی و تحقیر میشد، اقتباس کرده بودند. این امر یکی از ویژگیهای عهد مکتب فرانسه است. این مکتب که به بررسی معضلات بشری میپرداخت از فروتنی توده ای و یکسان کردن روابط خصوصی میان انسانها و گرایش به اداره امپریشیو تئوتاتیرا که همساز ویژگیهای سرمایه داری معاصر است مورد انتقاد شدید قرار میگیرد.

لیدران راست گرای سوسیال دموکراسی در جمهوری فدرال آلمان میکوشند مردم زحمتکش را از مبارزه مستقل سیاسی و سندیگائی باز دارند و نقش رای دهنده غیر فعالی را بدین ها تحمیل کنند و در همین حال مانع از آن شوند که نمایندگان دیگر منابع با طبقه کارگر اصولا در مصیبات پارلمانی ظاهر شوند. سکتاریست های "چپ" هم با "اپورتونیستی" نامیدن مهمترین اشکال مبارزه و سازمان های طبقه کارگر میخواستند که در پارلمان تاریم واکوشت را با استفاده از شرکت در انتخابات به وسیله مبارزه بر علیه کمونیست ها در واقع همینطور عمل میکنند آنها به سدی که با اینها مبارزه سازمانهای دشمن امر انقلاب نگامیکند و از تانکی پیروی میکنند که هدف از آن منفرد ساختن آن پیروهای سندیگائی است که دارای نظریات سوسیالیستی هستند. نیروهای بورژوازی و سوسیال دموکراتیک آشکارا میخواهند طبقه کارگر را منفرد سازند و میکوشند میان آن نیروها که در اتحاد با طبقه کارگر شرکت دارند و کارگران مانع تازه ای بوجود آورند. نفی ضرورت اتحاد ضد انحصاری با طبقه کارگر را میگزیند سکتاریسم و محافظ معنی از بورژوازی از طرف چپ گرایان افراطی و سکتاریستی معاصر هم در آخرین تحلیل به همین نتیجه میرسد.

لیدران سوسیال دموکراسی با ورافرا آمیزد عوی میکنند که گویا کمونیست ها با دموکراسی مخالف اند. چپ گرایان افراطی و سکتاریستی معاصر ارتباط متقابل مبارزه در راه دموکراسی و مبارزه با خطر سوسیالیسم را نفی میکنند و کمونیست ها که این ارتباط را می بینند تهمت و افترای بندند و موضع آنانرا تجدید نظر و نه انکار می نمایند. راست گرایان در جمهوری فدرال آلمان مارا سرزنش میکنند که ماگوسا طبق تقصیری خود فقط میتوانیم بشکل محافظ پنهانی توجیه فکری وجود داشته باشیم که به شیوه های غیر طبیعی و مسلحانه سازمانی و مبارزه ای مدد می یابند و اگر هم این محفل ها بشکل عینی فعالیت میکنند، گویا آنها این اشکال علنی را برای مخفی نگهداشتن و استتار هدفهای غیر علنی مورد استفاده قرار میدهند. در حالیکه این خود چپ گرایان افراطی هستند که به این نقشه عمل میکنند. آیا این آنها هستند که علا فقط اشکال غیر علنی و مسلحانه مبارزه و سازمانی را انقلابی اعلام میکنند؟

بدین ترتیب ما باید فراموشی را با اشتراک شگفت انگیز سیاست اپورتونیسم راست گرواسیاست چسب گرایان افراطی و سکتاریست معاصر برخورد میکنیم. برای کمک به نمایندگان جوان و روشنفکرانی که واقعا در جستجوی آند که بصرفه مبارزان واقعی و فعال بر علیه امپریالیسم میبوندند ضرورتا است که ما این وجه اشتراک را بیطرفانه نشان دهیم.

در همین حال اوضاع جهان در حال تغییر است. بسیاری از طبقه های چپ گرایانه افراطی سکتاریستی شدند و با این اشاره کردیم اینک اتحاد و ی ازین رفته است. مردم هند و چین مبارزه را با پیروزی به پایان رساندند. در ایران جوانان شدیدی که اینک در کشورهای عده سرمایه داری به چشم میخورند امکان انجام اصلاحات معدود گردید و سیاست دولت اندکی برآتش گراش پیدا کرده است. و لیتوانی که سوسیال دموکراتها را بر سر آتش قرار دارند از جمله دولت کمپرومیه برخی رفورمها در رشته مدارس عالی دست زدند که در نتیجه آن اعتراض و مخالفت با ورموقت تضعیف گردید. انتشار را باید نمایندگان جریانهای چپ گرای افراطی که از مبارزه واقعی با طبقه کارگر جدا شده و به پیروزی سریع بر امپریالیسم دل بسته بودند برآورد شدند. این پدیده بقایار گسترده آن تصورات واهی و ازین برد و زینه را برای پدیدار طبقه های مخالف در محافل جنبش دانشجویی آماده ساخت.

بخشی از آنان که نوع تازه ای از اندیشه گنه "سوسیالیسم ضد اتوریته" را تبلیغ میکنند، بنوعی ترکیب نظریات زینرمانی - دموکراتیک و کمونیستی آنارشیستی روی آورده است که از مشخصات

جریانهای چپ گرای افراطی سکتاریستی در سالهای ۶۰ بود. نمایندگان اینان گاهی از اتهاماتی که به سوسیالیسم موجود وارد میکردند پشتیبانی میکنند و زمانی هم تاندازه ای بر علیه این اتهامات اعتراض میکنند.

بخش دیگری که به قطع ارتباط خود با اندیشه های جریانهای چپ گرای افراطی آغاز کرده بنا به تیرهای چپ گرای سوسیال دموکراسی متحد میشود. هم اکنون در جمهوری فدرال آلمان تمایل به ایجاد حزب تازه چپ سوسیال دموکراتیک چشم میخورد. رهبران قدیمی و دانشجویان از دوره نیمه دوم سالهای ۶۰ مانند رودی و وچکه به ورفعال در این جهت عمل میکنند.

برخی از نمایندگان چپ گرای افراطی گفتند تاثير شدیدی بر لولوی آنتی سوسیالیسم قسارار دارند در اوضاع ضد کارگری، خویش پرورد و غیردولتگی و معنی نسبت به دموکراسی بورژوازی در مقابل پذیرش نظریاتی که نزدیک به راستگرایی افراطی ارتجاعی است حساسیت پیدا کرده اند. این حقیقت کهن باردیگر تأیید میشود که در وحدت افراطی بهم میزنند. این جریان پیوسته آشکارتر میان چپ گرایان افراطی جمهوری فدرال آلمان دیده میشود که در مواضع طرفداری از سوسیالیسم قسارار دارند. آنها مدتهاست که بصوف نیروهای ارتجاعی و ملیتاریستی سرمایه داران و انحصاری آلمان غریب پیوسته اند. اندیشه هم آهنگی طبقاتی با ارتجاعی ترین نیروهای امپریالیستی، پیوسته باشند و عرصه بیشتر در این محیط تبلیغ میشود. سوسیالیسم واقعی و انقلابی امپریالیستی را اینان دامن میزنند. این گروه ها از افزایش تسلیحات ناتو در اثر آلمان فدرال به جنگ و نا ابراز آنها طرفداری میکنند و بدین ترتیب به دشمنان جنبش کارگری مبدل میشوند. برای این گروه ها یک دشمن سیاسی داخلی وجود دارد و آنهم حزب ماست. آنها به توطئه تحریک آشکار علیه حزب مای پرداختند. این گروه بندیهای نمایندگان سابق جریان های چپ گرای افراطی سکتاریستی برای همیشه از امر صلح و دموکراسی و سوسیالیسم بریده اند.

اما تمام چپ گرایان افراطی طرفداران افراطی این انداز به بهتر نرفته اند. بسیاری از آنان در همین اینکه به ورطه ای از مواضع مائوئیستی در فاش می کنند هنوز برای برداشتن آخرین قدم و پیوستن به صفوف ارتجاعی ترین نیروهای امپریالیستی آمادگی ندارند. سیاست افواگرانه و مدافع امپریالیسم و ضد انقلابی لیدران مائوئیست نسبت به پرتغال و دارودسته پیونش در شیلی و رویدادهای آنگولا بخش مهمی از جوانانی را که هنوز از آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم رهایی نیافته اند به سردرگمی شده پسند و پیرایشانی افکنده است.

در همین حال این راهم باید دید که بخشی از نمایندگان جریانهای چپ گرای افراطی سابق در جمهوری فدرال آلمان پس از سپردن راه پرتغ و عذاب خود آگاهی به صفوف جنبش کارگری مارکسیستی نزدیک شده اند. در همان سالهای ۱۹۶۷-۱۹۶۸ گروه کوچکی با نفوذ عظیم اتحاد سوسیالیستی آلمانی داشتند و به مواضع کمونیستی پیوست. این گروه در جریان مبارزه برای قانونی کردن حزب کمونیستی آلمان شدت فعالیت کرد. جوان ترین طرفداران و پیروان این گروه جنبش پراگماتیست دانشجویی با مستگیری مارکسیستی، یعنی اتحاد مارکسیستی دانشجویان "اسپارتاک" را که در حال حاضر در جمهوری فدرال آلمان چندین هزار دانشجو را متحد میسازد و متحد صدیق حزب کمونیست آلمان، حزب مارکسیستی سابق کارگزار است، بوجود آوردند. بدیهی است که این امر نتیجه روند کلی خود بخود و تجربه اندوزی بخشی از نمایندگان جنبش دانشجویی نبود، و آنرا در درجه اول باید با کار عملی ناپایداری بر روی لولویک و تئوریک کمونیست های کشور را مطرح کرد که بنوع خود درستی موضع اصولی را تأیید میکند. کمونیست های جمهوری فدرال آلمان به ویران و بمباران مضمرانه و بیگانه

ایدئولوژیک برای جلب جوانانی که بدام چپ گرایان افراطی سکتاریست افتاده اند ادامه میدهند و در این رهگذر اندک گذشتی را هم روایت میارند. این مبارزه به ویران ناپایداری است و ملی حزب کمونیست آلمان به ابراجودت عمل کمونیست ۱۵ سوسیال دموکراتها در صفوف سابق کارگزاران دارد. ما بر این عقیده ایم که هرگاه موفق شویم صفوف حزب کمونیست را مستحکمتر سازیم و با موفقیت بیشتر اعیان و خواستهای آن برای وحدت عمل را تقویت بخشیم، پیروز میشویم.

سوتو، آلكساندرا... نام اېن شېرهاوسا پېشمره هرومته اېن جمهوريت افريقا جنوبي
كه تزدېك ژوئا نسورگ قرار اړندار اېن سېشمره اېمېل كه د ژمارې سال ۹۶، پېلېس
نژاد پرېستان در ارجاحا، خون براه انداخت و ۹۶ تن از افريقايياني را كه رتبه اهراسمالت آمېز
شركت كړه د بون د بضرې گولك اړندار ژور د، ازله اې د سرونو سترواړيك خود د برك و نه بېغ، قسار
خو اهنه د

صغیرنحسین گولہ ہار ۱۶ رُؤن ۱۹۶۶ بگورن رسید۔ بہتر از ۱۷۰ تن سہلکت رسیدند۔
کھوکڑ کا وزنا ہم درمیان آنان بوند۔ ۲۰۰۰ نفرهم زخمی شدند۔ اینہا اراقی است کہ
دولت جمہوری افریقای جنوبی پر از کچفتہ جہازات و تہارتہا افریقای جنوبی افریقا
دولت است۔ نیز اندوز ہی امان بسودن دستراکوزان افریقا کنندگان ہی سلاح۔ این است
عمدترین شیوہ "گنگوی" (دالوگ) نژاد پرستان افریقا و پلیر افریقا کہ
بدین شکل رژیم آپارتھاید (Aparthd) باقیافہ میسغانہ افریقا یکی از نژات آمیزش
ترین و خشن ترین اشکال نژاد پرستی است۔ اندوزورا ہی جہانپانیان نباشند۔

فرهنگ و صنایع تونس، به واسطهٔ دسترسی به منابع طبیعی و انسانی، به‌طور فزاینده‌ای به یک کشور صنعتی و خدماتی تبدیل شده است. با وجود اینکه تونس در سال ۲۰۱۱ به یک دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی جدید رسید، اما هنوز در زمینهٔ توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی با چالش‌های زیادی روبرو است. این کشور در سال ۲۰۱۱ به یک دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی جدید رسید، اما هنوز در زمینهٔ توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی با چالش‌های زیادی روبرو است. این کشور در سال ۲۰۱۱ به یک دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی جدید رسید، اما هنوز در زمینهٔ توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی با چالش‌های زیادی روبرو است.

تسهیل‌های رژیم فورس‌موجسی از اعتراض خشم‌آمیز رسا سرچهان برانگیخت. شورای امنیت سازمان ملل متحد این تسهیل‌ها را با قاطعیت محکوم کرد و بار دیگر تاکید کرد که سیاست آپارتاید "جنایت بر علیه وجدان و شرافت جامعه بشری و خطری برای صلح و امنیت است".

تشکیل گردید که شمار جمعی افریقائیان و از رجمبور افریقایی جنوبی محکوم گرد و شرکت کنندگان راه انتخابند اسیر و شریک میگردان فوروز نژاد پرستان فراخوانند . ۱۶ ژوئن "روز کشسار" در سده جمعی در سوئیس اعلام شده است .

کشورهای جامعه کشورهای توسعه یافته و تمام کشورهای متروقی بسیار ما همبستگی زننده خود را با تمام قوای خلقهای جمهوری آفریقای جنوبی مبارز اینرا داشتند.

مردم شرافتند جهان که آنها را به "وحدت و تشریک مساعی" برای مبارزه با ایدئولوژی و پارتیستیک ضد بشری نژاد پرستان "فرامیخواند، وفادار داشتند، در صفوف مقدم این جنبش جهانی همسنگی قرار داشت.

ماہا مینان داریم کہ مردم افریقائی جنوبی آزاد و خود را بدست خواهند آورد و ورشکستگی و نوزاد رژیم آپارتیڈ اجتنابناپذیر است.

گمیسون ویژه جنبش آزاد میختر ملی در کشورهای آسیا و آفریقا

مجلة "مسائل صليح ويسوسيا اليهم"

صلوات را به امید نیان نویں را آزاد کنید !

سابقہ گوالیارس عضومکتبہ اجراء و دبیرخانہ کمیٹہ مرکز حزب کمونسٹ اسپانیاد بیرونی حزب کمونسٹ گالیسی زبا زداشت کردہ ویزدان افکندہ اند .

خوانندگان " مجله علاج و وسوسه‌البدن " این رهبر مشهور و روغنیار بارز و در آغاز از اسپانیاس
را که ۲ سال از عمر و دراز رزیدنش این فرانکی سرسبز و خوب می‌شمارند . او یکی از بنیانگذاران این
مجله است و هم ارزنده و اندک روزهای آن دارد و مدت ۸ سال نمانده حزب کمونیست اسپانیاس
در شورای هیئت تحریریه مجله بوده است . او از بارغانی و مجال فعالیتات این منتشر میگرد و به جهت جای
و مدارک زیاد در ادبیات که در مجله مورد توجه و تحسین گشت . در شماره ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۲ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۵۹ و ۲۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ و ۲۶۴ و ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۲۸۲ و ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۲۹۲ و ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۲۰ و ۳۲۱ و ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۲۴ و ۳۲۵ و ۳۲۶ و ۳۲۷ و ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ و ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۴۴ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۵۲ و ۳۵۳ و ۳۵۴ و ۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۵۷ و ۳۵۸ و ۳۵۹ و ۳۶۰ و ۳۶۱ و ۳۶۲ و ۳۶۳ و ۳۶۴ و ۳۶۵ و ۳۶۶ و ۳۶۷ و ۳۶۸ و ۳۶۹ و ۳۷۰ و ۳۷۱ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۵ و ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۸۲ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۳۸۹ و ۳۹۰ و ۳۹۱ و ۳۹۲ و ۳۹۳ و ۳۹۴ و ۳۹۵ و ۳۹۶ و ۳۹۷ و ۳۹۸ و ۳۹۹ و ۴۰۰ و ۴۰۱ و ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵ و ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۰۸ و ۴۰۹ و ۴۱۰ و ۴۱۱ و ۴۱۲ و ۴۱۳ و ۴۱۴ و ۴۱۵ و ۴۱۶ و ۴۱۷ و ۴۱۸ و ۴۱۹ و ۴۲۰ و ۴۲۱ و ۴۲۲ و ۴۲۳ و ۴۲۴ و ۴۲۵ و ۴۲۶ و ۴۲۷ و ۴۲۸ و ۴۲۹ و ۴۳۰ و ۴۳۱ و ۴۳۲ و ۴۳۳ و ۴۳۴ و ۴۳۵ و ۴۳۶ و ۴۳۷ و ۴۳۸ و ۴۳۹ و ۴۴۰ و ۴۴۱ و ۴۴۲ و ۴۴۳ و ۴۴۴ و ۴۴۵ و ۴۴۶ و ۴۴۷ و ۴۴۸ و ۴۴۹ و ۴۵۰ و ۴۵۱ و ۴۵۲ و ۴۵۳ و ۴۵۴ و ۴۵۵ و ۴۵۶ و ۴۵۷ و ۴۵۸ و ۴۵۹ و ۴۶۰ و ۴۶۱ و ۴۶۲ و ۴۶۳ و ۴۶۴ و ۴۶۵ و ۴۶۶ و ۴۶۷ و ۴۶۸ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۴۷۱ و ۴۷۲ و ۴۷۳ و ۴۷۴ و ۴۷۵ و ۴۷۶ و ۴۷۷ و ۴۷۸ و ۴۷۹ و ۴۸۰ و ۴۸۱ و ۴۸۲ و ۴۸۳ و ۴۸۴ و ۴۸۵ و ۴۸۶ و ۴۸۷ و ۴۸۸ و ۴۸۹ و ۴۹۰ و ۴۹۱ و ۴۹۲ و ۴۹۳ و ۴۹۴ و ۴۹۵ و ۴۹۶ و ۴۹۷ و ۴۹۸ و ۴۹۹ و ۵۰۰ و ۵۰۱ و ۵۰۲ و ۵۰۳ و ۵۰۴ و ۵۰۵ و ۵۰۶ و ۵۰۷ و ۵۰۸ و ۵۰۹ و ۵۱۰ و ۵۱۱ و ۵۱۲ و ۵۱۳ و ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ و ۵۱۷ و ۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ و ۵

[illegible]

در دورهٔ دههٔ ۱۳۴۰، پس از سقوط پهلوی، اسپانیاییان وارد کشور آمدند. در این دوره، اسپانیاییان به گفتهٔ ادراپه، کمترین حزب کمونیست اسپانیایی (حزب اشتراکیت) را داشته گفته شده است. در آن زمان، رابا لات متدور از یک سازمان دین شیعه در برادری و سازمانی که توسط رابا لات کرده و ساخته شده است. علاوه بر فرانسیسکو پیرس، مارین مریگوس، ادراپه، کمترین حزب کمونیست اسپانیایی برندهٔ تشکیل داده اند.

پرولتاریای کشورهای در حال رشد

در سالهای اخیر کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین رشد سریع یافته پرولتاریا، افزایش تعداد آن و فزونی نفوذ این طبقه در زندگی اجتماعی به چشمخورد. بدست آوردن استقلال گام نهادن بسیاری از کشورهای در راه تغییر و تحول اجتماعی - اقتصاد شرقی (برطرف نمودن جوهریست مالکان بزرگ، استحکام بخش دولتی اقتصاد و ایجاد صنایع ویژه خود برای پایه و بنای اینها) اهمیت فراوانی برای پیشرفت این جهان داشت. در همین حال در این کشورها هنوز ساختارهایی که از دوران استعمار باقی مانده و تاثیر باز دارند و در تمام پروسه پدید اثر و شکل گرفتن طبقات دارد، از بین نرفته است.

در کشورهای در حال رشد در ردیف پرولتاریای معاصر، باین برخی از امثال: ۱. غلبه نفوذ انبوه عوامی از افرادی وجود دارد که به صف پرولتاریا درآمده اند و می‌توانند از قشرها، گروهها و عناصری که خاصیت پرولتاریائی کسب کرده اند ولی هنوز به درگاه کامل از میان کانتها را بوجود آورده اند، یعنی از جریدها، دهقانان، پیشه‌وران و طبقات پایین شهر جدا شده اند. این افراد زحمتکشی هستند که در رشته‌های کوچک تولید مانند کارگاههای حرفه‌های گیاهان، صنایع دستی و موسسات از نوع مانوفاکتور کار اشتغال دارند. عناصر پرولتاریا به پرولتاریا در قانی و شهید ستان شهرت ببر کارگران کشاورزی و افراد روزمزد و نظایر اینها هم جزء این طبقه است.

پرولتاریای کشورهای در حال رشد با وجود تنوع بسیار دارای خصوصیات مشترکی است. یکس از ویژگیهای این طبقه تغییر و تحول ترکیب آن، پایین بودن سطح تمرکز و بزرگترین تعداد افراد و نیروی کار بدون تخصصی است. خرافات و مذهب‌های مذهبی، علمی و انتقادی و دسته‌ای میان کارگران و قشرهای نزدیک به اینها هنوز نیرومند است و فکر و روش و آداب و عادات و شیوه‌های سنتی قرار دارد. کشورهای جدوان و در رده اول کشورهای کسبه و در جهت موسساتیسم گام بر میدارند و بیشتر خود را متوجه برطرف ساختن این عوامل باز دارند و مبارزه با مآلها و هان کولونیالیسم میکنند.

بخش پرولتاریائی با وجود مرکب از کارگران بخش‌های کشاورزی و صنعتی است. در بخش‌های بازرگانی، ادارات و عرصه خدمات عناصر پرولتاریائی فقط پنج تا ده درصد تمام شاغلین در این رشته‌ها را تشکیل میدهد. ساختار و بنای مهم توسعه و تکامل پرولتاریائی صنعتی و کشاورزی این کشورها را میتوان بر پایه آماری که درباره کارمندی وجود دارد مورد توجه و بررسی قرار داد. باین نکته نیز باید توجه داشت که اگر در رشته کشاورزی تعداد عناصر پرولتاریائی تقریباً برابر با تعداد کارگران مزد بگیر در این رشته است، شاخص کارمندی در صنایع اندکی بالاتر از تعداد کارگرانی است که در این رشته کار میکنند. (کارمندان و کارگران در رشته‌های مهندسی و تکنیک و نه اینها را هم جزء کارگران کارگر مزد بگیر می‌آورند).

کارگران مزد بگیر کشاورزی انبوه ترین گروه این رشته‌ها هستند. تعدادشان در سال ۱۹۷۵ به ۱۰۵ میلیون نفر رسیده که از جمله: بیشتر از ۸۳ میلیون در آسیای جنوبی و جنوب شرقی و خاور دور و

کشورهای در حال رشد	کشورهای آسیا و آفریقا				کشورهای آمریکای لاتین				کشورهای اروپای شرقی				کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی				کشورهای آفریقای شمالی و جنوبی				کشورهای آفریقای غربی و جنوبی			
	۱۹۷۵	۱۹۷۰	۱۹۶۰	۱۹۵۰	۱۹۷۵	۱۹۷۰	۱۹۶۰	۱۹۵۰	۱۹۷۵	۱۹۷۰	۱۹۶۰	۱۹۵۰	۱۹۷۵	۱۹۷۰	۱۹۶۰	۱۹۵۰	۱۹۷۵	۱۹۷۰	۱۹۶۰	۱۹۵۰	۱۹۷۵	۱۹۷۰	۱۹۶۰	۱۹۵۰
تعداد کل	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳
کشورهای آسیا و آفریقا	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳
کشورهای آمریکای لاتین	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳
کشورهای اروپای شرقی	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳
کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳
کشورهای آفریقای شمالی و جنوبی	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳
کشورهای آفریقای غربی و جنوبی	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳	۱۱۱.۳

این آمارها بر اساس اطلاعات و استفاده از آمار و مدارک شمسی است. چنانچه بین اعداد و ارقام کمی تفاوت وجود دارد، این امر ناشی از تفاوت در روشهای جمع‌آوری و گردآوری آمار است.

۱۲ میلیون دلار برای لائوس و نزدیک به ۱۰ میلیون دلار برای افغانستان. پروتاریای کشاورزی طی مدت ۱۰ سال گذشته بهر اندازه برانگشته است و بطور متفرد در زراعت هسایید و بکار مشغول است.

وزن مخصوص کارگران مزارع و فرم های بزرگ کشاورزی طی سالهای اخیر افزایش میابد. آنها تمرکز یافته ترین و متشکل ترین بخش رزنده پروتاریای روستاها را تشکیل میدهند (بمتر از ۵ میلیون نفر).

قشر کوچک کالانتازهای در جمع این کارگران پدید آمده که: رانندگان تراکتور، رانندگان ماشین های کشاورزی، کارگران آبیاری و تعمیرکاران (در حدود ۵ میلیون نفر) را شامل میگردد. تمام اینها گویای پدیدایش تغییراتی در روند پیوستن بخش اراضی این کشورها به جمع پروتاریای کشاورزی است که یکی از عقب ماندترین رشته های اقتصاد کشورهای مستعمره و وابسته سابق است. پروتاریای صنعتی گروهی از صنعتگران است که با سریع ترین آهنگ افزایش میابد. طی پانزده سال (از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۶) تعداد کارگران مزدبگیری که در صنایع مشغول بکار بودند بهر از یک برابر پیوسته افزایش یافته و از ۳۸ میلیون نفر به ۶۳ میلیون نفر رسیده است و وزن مخصوص آنها در جمع کل افراد مشغول بکار طی همین دوره از ۷٫۷ درصد به ۹٫۶ درصد بالغ گردیده است. آژانهای گیتی گسترتر صنایع پروتاریای صنعتی در مستعمرات و کشورهای نیمه مستعمره سابق تقریباً و با پیشتر از کشورهای سرمایه داری پیشرفته است.

روشن است که وزن مخصوص پروتاریای صنعتی در مناطق و کشورهای مختلف یکسان نیست. در اکثر کشورهای افریقای حاره و در برخی از کشورهای آسیایه خلیه عقیمانده اند تعداد پروتاریای اندک است به ۵ تا ۸ درصد اهالی می رسد. در کشورهای دیگری نظیر مکزیک و در کشورهای "مغروب جنوبی" امریکا لاتین و هندوستان پروتاریای بزرگ و ساختار باقایی کشورهای مسهمی دارد و تا ۲۰ درصد افراد فعال کشور را تشکیل میدهد. اما با وجود تمام تفاوتها یکسان این کشورهای این مناطق موجود است همانها را این دوران وجه مشخصه مشترکی دارند که عبارت از افزایش مداوم و مستمرون مخصوص پروتاریای صنعتی است.

میزان درصد کارکنان صنایع نسبت به افراد فعال و مشغول بکار

	۱۹۷۰	۱۹۶۰	۱۹۷۰
تمام کشورهای در حال رشد	۷٫۷	۹٫۱-۹٫۰	۹٫۶
امریکا لاتین	۱۷٫۵	۱۸٫۸	۱۹٫۱
افریقای شمالی	۱۰٫۶	۱۲٫۵-۱۱٫۳	۱۲٫۶
خاور نزدیک و میانوعاوردور	۵٫۷	۷٫۳	۸٫۲
افریقای خااره	۳٫۱-۳٫۴	۳٫۶	۴٫۱
افریقای جنوبی	۲٫۶	۲٫۵	۲٫۷۸

رشد کمی پروتاریای صنعتی با تغییر ساختار و سرمایه آن همراه است. با پیشرفت صنایع طی ویدایش موسسات جدید و رشته های تازه ای که برپایه تکنیک معاصر وجود میابد مشترکاً کارکنان با تخصص گسترده تر میسر و وسایط فرهنگ عمومی و تکنیکی طبقه کارگران را تربیت میورد.

در ترکیب پروتاریای صنعتی رشته های گوناگون نیز تغییرات مهمی پدید میابد. تأثیر رابطه کارگر و روند بهر جهت اجتماعی و روستاها آزاد شده بطور مستقیم افزایش میابد. نقش این طبقه به تدریج نیروی ضد امپریالیستی تثبیت میگردد.

پروتاریای آسیایه افریقا و امریکا لاتین دارای طبقاتیهای رزنده و سببیکشی ویژه خود میباشد که وابسته تربیت سیاسی را که به عهده دارند انجام میدهند. این سببیکها در برخی از کشورهای وابسته بین دو جنگ جهانی و در برخی دیگر بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم و در تعدادی از کشورهای ده پانزده سال اخیر بوجود آمده اند. وحدت طبقه کارگر و اتحاد پدهای کارگری میانگروانی رشد جدیدی کارگران کشورهای آزاد شده است.

دانشگاه تظاهرات و ادعایات خود ای پروتاریا به میزان دشمنی افزایش یافته است. طی پنج سال اخیر از ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۶ بهر از ۵۰ میلیون نفر در چین تظاهراتی حرکت کرده اند. مبارزه اعتصاب به وحدت کارگران بهایاس موسسات، رشته های مختلف و حتی تمام کشور انجام میدهد. بهر اثر درک اشتراک منافع باقایی و تقویت طبقه کارگر به تدریج نیروی مستقل سیاسی کمک میکند.

نقد سیاسی طبقه کارگری سالهای اخیر در کشورهای در حال رشد افزایش یافته است. پروتاریا در برخی از کشورهای امریکا لاتین همین امروز به پیشتر از تغییر باره ضد امپریالیستی است و در صف مقدم روند انقلابی قرار دارد. نقد سیاسی پروتاریا در کشورهای لاتین هندوستان، سری لانکا، سوریه، الجزیره و برخی دیگر از کشورهای قابل توجه است. منافع و مصالح پروتاریا اینک بیشتر از آنست که در گذشته در احزاب سیاسی در نظر گرفته شده است. روند شدیدا شاع اندیشه های مارکسیستی - لنینیستی میان طبقه کارگر کشورهای آزاد شده در جریان است.

بدین ترتیب طبقه کارگر آسیایه افریقا و امریکا لاتین هرچه بیشتر به نیروی آگاه سیاسی مبدل میگردد و مخاطب کسب میکند که ویژه طبقه است که نعتنبا قادر به قیام پیشرو را منظم است بلکه توانایی آزاد اراد که به مبارزه انقلابی متشکل در راه دگر سازی جامعه دست زند.